

همه راههای مبارزه را برای دفع تجاوز رژیم جنایتکار صدام بکارگیریم

در صفحه ۳۳

● ما آتش بس پیشنهادی صدام را مردود می‌شناسیم و با آن سخت مخالفیم و از این زاویه با مواضع دولت مبنی بر رد آتش بس پیشنهادی صدام و نیروهای حامی آن به دلیل آنکه ارتش تجاوزکار عراق سرزمین‌های ما را در اشغال دارد، موافقیم و از آن قاطعانه حمایت می‌کنیم.

اعتصاب در شرکت واحد

نتیجه نادیده گرفتن مطالبات زحمتکشان

● مسئولین جمهوری اسلامی ۲ سال بعد از انقلاب هنوز این مهم را دریافته‌اند که برای درهم شکستن توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرال‌ها و پیشبرد انقلاب باید به نیازهای اساسی اقتصادی و اجتماعی توده‌های زحمتکش پاسخ داده شود.

هفته گذشته در منطقه ۳ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، شاهد اعتصابی بودیم که بر مناسباتی خواست‌های صنفی (حقوق و پاداش سالانه) کارکنان شکل گرفت و یک روز به طول انجامید. این اعتصاب طی هفته اخیر از زوایای مختلف توسط مردم، دولت و گروه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفت. بررسی همه جانبه انگیزه‌ها و چگونگی این اعتصاب از آن جهت حائز اهمیت است که این مسئله تنها مسئله یک واحد خدماتی نبوده، بلکه واجد تمامی خصوصیات یک مشکل

بقیه در صفحه ۳

در صفحه ۲۰

سران خائن عباسی

«اگر جناب بنی صدر نبود، همه ما را اعدام می‌کردند»

خوانین و سران خائن عباسی را آشکارتر از همیشه علیه انقلاب

در این شماره

جنبش کارگری ایران

چرا دولت در برابر اخلاص لیبرال‌ها در کارخانه سکوت می‌کند - در صفحه ۶

جنبش دهقانی ایران

اعتراض دهقانان زحمتکش سراسر کشور علیه توقف بند (ج) هر روز گسترده تر می‌شود - در صفحه ۸

با انقلاب یا

علیه انقلاب

در صفحه ۱۰

آقای رجائی!

تزلزل در پاسخگوئی به نیازهای اساسی مردم لیبرال‌ها را رشد می‌دهد

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، امروز بیش از پیش به منادیان "تجدد" و "تعقل" امید بسته است. مجله آمریکایی تایم در شماره ۲ فوریه به نقل از "یکی از دیپلمات‌های غربی در تهران" نوشته است: "عوام‌فریبان! به انتهای خود نزدیک می‌شوند، به زودی شاهد پیروزی خود خواهیم بود." آری آنان به "خود" لیبرال‌ها دل بسته‌اند و به همان اندازه نیز به تزلزل‌های دولت جمهوری اسلامی در سیاست‌های خارجی و داخلی دل بسته‌اند.

واشنگتن پست در شماره ۳۰ اکتبر خود از قول کارشناسان دولت آمریکا آورده است: "هنگامی که خمینی به مخمصه بیفتد، ائتلافی از میان‌روها می‌تواند هسته دولت آینده را که دوست آمریکا خواهد بود فراهم سازد!" آری، هر لحظه تعطل در حل مسائل اساسی جامعه ما، لحظه‌ای است که از دست می‌رود و زمینه‌ای است که لیبرال‌ها و دوستان آنها که "دوست آمریکا خواهند بود" برای رشد خود می‌یابند. در شرایطی که مردم می‌بینند علیرغم تمامی فداکاری‌ها، گذشت‌ها و جانبازی‌هایشان، دولت همگام با مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما گام برنداشته است...

بقیه در صفحه ۲

رسیدگی به مشکلات آوارگان جنگ

از مبرم‌ترین وظایف کنونی دولت است

در صفحه ۱۸

به مناسبت پانزدهمین سال درگذشت دکتر مصدق

مصدق خواهان مبارزه علیه امپریالیسم بود

لیبرال‌ها که امروز زیر نام مصدق پنهان شده‌اند خواهان سازش با امپریالیسم هستند

در صفحه ۲۲

متحد شوید

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

آقای رجائی! تزلزل در...

... در شرایطی که مردم همچنان گرانی فزاینده را بر پشت خود حس می کنند در شرایطی که بیکاری به مرز سه میلیون نفر رسیده - یک میلیون و نیم نفر از هم میهنان ما در اثر جنگ تحمیلی آواره شده اند و در شرایطی که به علت عدم وجود یک سیاست داخلی و خارجی متناسب با نیازهای انقلاب دامنه نارضایتی های مردم گسترش یافته است ، لیبرال ها که پس از اشغال سفارت آمریکا و رسوایی در پیشگاه خلق به گوشه های خزیده بودند موقع را مغتنم یافته و بی شرمانه برای محقق جلوه دادن سیاست های سابق خود و غلبه خط سازش در حکومت جمهوری اسلامی به میدان آمده اند .

دولت رجایی در ماه های گذشته برنامه های اساسی در جهت مقابله با بحران اقتصادی دنبال نکرده است . اصلاحات ارضی (بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی) اجرا نشده است . تجارت خارجی همچنان ملی نشده و در این زمینه سیاستی که دست پخت رضا صدر وزیر بازرگانی دولت بازرگان است همچنان کم و بیش دنبال شده است . در جهت خواست های دموکراتیک توده ، در جهت حل مسئله کردستان و غیره نیز گام محسوسی برداشته نشده است .

دولت رجایی به جای دنبال کردن سیاست گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و سایر دول مدافع استقلال و آزادی ایران به خصومت قشری خود علیه این کشورها ادامه داده و خلاصه وضع را در جهتی که لیبرال ها و امپریالیسم جهانی به بهترین وجهی می توانند از آن بهره برداری کنند ، پیش برده است .

نطق اخیر آقای نخست وزیر درباره اوضاع اقتصادی ایران نشانه بارزی است از سیاستی که نمی خواهد چشمان خود را روی نیازهای اساسی انقلاب باز کند .

نخست وزیر درباره مسئله گرانی ، این مسئله ما و جامعه ما که کار را به جای رسانده که جمع عظیمی از توده های مردم گذران زندگی را غیرممکن یافته اند ، مردم را به "صبر" و به "حق" حواله می دهد . آقای رجائی هنوز نمی خواهد دریابد که مسئله گرانی نتیجه عملکرد اقتصاد وابسته ایران تحت فشار امپریالیسم و خرابکاری همه جانبه سرمایه داران لیبرال است که طی یک نقشه حساب شده می خواهند انقلاب ایران را به شکست کشانند . رجایی می گوید :

قسمتی از این گرانی معلول حرکت های نادرستی است که در جامعه انجام می شود . آن عده از هم میهنان ما که از ثروت بیشتری برخوردار هستند ، در ایجاد گرانی موثرند .

ما می پرسیم چه باید کرد؟ آیا باید گفت ثروتمندان عزیز ، شما را به هر چه مقدس دارید نخرید؟ کیستند اینان که ثروتمندند؟ روستائیان محروم و زحمتکش میهن هستند؟ کارگران و زحمتکشان شهری هستند؟ معلمان و کارمندان هستند؟ اینها که در جبهه های مقاومت علیه تجاوزگران می جنگند و جان می دهند هستند؟ اینان که ماهها است پیکار شده اند هستند؟ کسبه و پیشه ور جزء هستند؟ یا به راستی اینان جز آن "هم میهنان عزیز"ی هستند که از کمبود کالا و گرانی و از فقر توده ها سودهای کلان به جیب می زنند؟ آیاراه حل مسئله گرانی این است که خطاب به آنان بگوئیم: ای کسانی که دست به چنین کاری می زنید "بدانید که اگر این پولها انباشته شود برای شما هم چیزی نخواهد شد؟"

با نفرین و با پند و اندرز نمی توان مسائل اجتماعی را حل کرد . آنان که امروز سودهای کلان می برند ، کسی جز سرمایه داران و تجار بزرگ نیستند که دولت رجایی هنوز گامی در جهت خلع ید از آنان برنداشته است . اینان همان هایی هستند که سرنگونی دولت را شعار می دهند ، اینان همان هایی هستند که مخالف اصلاحات ارضی ، مخالف هر قدمی در راه ملی کردن تجارت خارجی و مخالف هر گامی هستند که منطبق با مصالح و منافع توده های مردم باشند اینان همان هایی هستند که امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از آن حمایت می کند و به آنها دل بسته و برای لحظه ای که همه آنان زمام قدرت را در دست گیرند و یا برای لحظه ای سیاست خود را در حکومت غالب سازند روزشماری می کند .

تنها ساده دلانند که می توانند امیدوار باشند که با پند و موعظه ، اینان را به راه درست و به "حق" بیاورند و تنها ساده دلانند که می توانند امیدوار باشند اینان از نفرین آقای رجائی و یا هر کس دیگری هراسی به دل راه می دهند .

اینان سرمایه دار هستند تاجر بزرگ هستند و سرمایه داران را چیزی مقدس تر از سود سرمایه نیست و تا هستند ، چه بخواهید و چه نخواهید قانون عرضه و تقاضا عمل می کند ، احتکار وجود خواهد داشت ، قیمت ها بالا می رود ، بیکاری درمان نمی شود و ... تا سود آنها بالا رود . راه مقابله با قانون عرضه و تقاضا که قانون عملکرد سرمایه داری است ، خلع ید از سرمایه داران وابسته ، تاجر بزرگ و زمینداران بزرگ است . اینان دشمنان انقلاب ما هستند و پند و موعظه و لعن و نفرین هیچ کسی هم به خرجشان نرفته ، نمی رود و هرگز نخواهد رفت .

آقای نخست وزیر از یک سو می گوید ما را با قانون عرضه و تقاضا کاری نیست و پنداری که دولت می تواند بطور یکجانبه و با وجود فعالیت گسترده سرمایه داران و تاجر بزرگ قانون عرضه و تقاضا را ملغی اعلام نماید و از سوی دیگر راه مبارزه با گرانی را نخریدن اعلام می کند که همانا تسلیم شدن به قانون عرضه و تقاضا و پذیرفتن آن است .

ماهها است که مردم میهن ما بسیاری از کالاها را به علت گرانی آن نتوانسته اند بخرند و قطعا این مردم خواهان حل هر چه سریع تر مسئله گرانی و بیکاری که حتی سلامت کودکان آنان را سخت تهدید می کنند ، هستند و قطعا اگر این مردم این اعتقاد را نداشته باشند که انقلاب می تواند نیازهای اساسی شان را پاسخگو باشد کار انقلاب و دستاوردهای آن در معرض خطرات جدی قرار خواهد گرفت . آقای نخست وزیر به جای آنکه برنامه ای در جهت حل این نیازهای اساسی مردم و انقلاب ارائه دهد ، در سخنان خود می گوید : برای آن که "عزیز و شریف و مفتخر به آزادی و انسانیت باشیم لازمه اش این است که اگر نبود نخوریم و اگر نداشتیم کم خرج کنیم ."

به عبارت دیگر یعنی توده های زحمتکش مردم باید ستم سرمایه داران و تاجر بزرگ را بپذیرند ! کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی میهن ما در سال های سیاه دولت وابسته شاه نداشته اند و کم خورده اند و حتی گرسنگی کشیده اند و در این دو سالی که از انقلاب میهن ما می گذرد ، سنگین ترین فشارهای اقتصادی و بزرگترین فداکاری ها و جانبازی ها را تحمل کرده اند تا انقلاب به پیش رود و قطعا امروز هم اگر مطمئن شوند که دولت خواهد توانست به خواسته های اساسی آنان پاسخ دهد ، با شور و امید به فداکاری و از خودگذشتگی ادامه خواهند داد . اما وقتی دولت بدون اتخاذ سیاست های اصولی در جهت نیازهای اساسی مردم و انقلاب تا به

امروز بیشترین فرصت را برای رشد لیبرال ها فراهم آورده و آقای رجایی نیز به مردم می گوید اگر ندارید کم خرج کنید و سرمایه داران و تاجر بزرگ را هم نصیحت می کند ، قطعا نمی توان انتظار داشت که مردم این حرف های آقای رجایی را که در جوهر خود به مفهوم آن است که مردم باید ستم سرمایه داران را تحمل کنند ، بپذیرند . به خاطر وجود سرمایه داران و تاجر بزرگ و وابسته قیمت یک کیلو گوشت گوسفند (و حتی گاو) چیزی از حداقل مزد رسمی یک روز کارگران ما کم ندارد . قیمت حبوبات به شدت افزایش یافته ، قیمت میوه ها سر به فلک زده ، همه اینها را کارگران و زحمتکشان میهن ما ، همراه با بی کاری گسترده تحمل کرده اند ، به خاطر انقلاب ! آنها هستند که "عزیزانند و شریفانند" اما به راستی دولت چه اقدام اساسی در جهت قطع دست سرمایه داران و تاجر بزرگ وابسته که همدست امپریالیسم و عامل سخت ترین فشارها بر مردم هستند ، انجام داده است؟

دولت نه تنها با طرح لایحه پاکسازی ، لایحه قصاص سکوت در برابر چماق داران و باندهای سیاه به وحدت ضدامپریالیستی توده های مردم آسیب های جدی رسانده ، بلکه در زمینه های اساسی سیاست خارجی ، تجارت خارجی ، اصلاحات ارضی و غیره نیز هنوز گام های اساسی برنداشته است . نخست وزیر امروز به جای ارائه سیاستی که پاسخگوی خواسته ها و نیازهای مردم باشد ، از سرمایه داران می خواهد به جای اینکه به هنگام کمبود ، کالای خود را گرانتر بفروشند آن را به "مستحق" و نیازمند واقعی خودش برسانند .

سرمایه داری یعنی کسب سود ، یعنی کران فروختن به هنگامی که کران فروختن امکان پذیر است . آقای رجائی حتی آنجا که صحبت از گرانفروشی کرد نیز کوبی روی سخنش با کاسبان جزء بود : "آن که ۵ تومان می خرد و ۸ تومان می فروشد ." چرا رئیس دولت به تاجر و سرمایه داران بزرگ که میلیون میلیون می خرند و می فروشند و میلیون میلیون از ثروت این مردم به جیب می زنند نباید اشاره کند؟ کاسبان جزء نیز خود تحت فشار تاجر و سرمایه داران بزرگ هستند . آنان نیز چون دیگر زحمتکشان گذران زندگی را روز به روز دشوارتر می یابند .

ما امروز باید بار دیگر با قاطعیت و صراحت به دولت گوشزد کنیم که اکنون که اگر دولت بخواهد هم تاجر و سرمایه داران "محترم" را کنار خود داشته باشد و هم توده های محروم و زحمتکش را ، انقلاب میهن ما را به درستی درک نکرده است و سرنوشتی جز شکست فرا رویش نخواهد بود . دولت با چنین سیاستی فقط راه را برای موفقیت لیبرال ها یعنی نمایندگان سرمایه داران و تاجر "محترم" که سخت مورد حمایت امپریالیسم آمریکا هستند ، باز می کند .

امپریالیسم ، لیبرال ها و همه دشمنان پیشرفت انقلاب ایران ، آشکار و پنهان هرکجا که فرصت یابند ، چنین تبلیغ می کنند که گویا مبارزه ضدامپریالیستی یعنی فقر یعنی بیکاری و کرانی دولتی که در پی مبارزه ضدامپریالیستی است باید این تبلیغات شوم را قبل از هر چیز با عمل انقلابی خود ، با برنامه اقتصادی مترقی به منظور بازسازی اقتصاد ملی و مردمی ، با اتخاذ یک سیاست خارجی ترقی خواهانه که ضامن موفقیت در تحکیم دستاوردهای انقلاب است با امپریالیست ها ، لیبرال ها و سایر دشمنان انقلاب مقابله کند نه این که خود زمینه تبلیغات عوامفریبانه دشمنان انقلاب را فراهم سازد .

آقای نخست وزیر می گوید :

" ما ۱۸ میلیون شهر نشین داریم . یعنی

اعتصاب در...

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی مبرم و روزمره است. از این رو ما ابتدا به شرح وضعیت و زمینگی شکل گیری آن اشاره می کنیم و سپس واکنش هائی را که برانگیخته است مورد بحث قرار می دهیم:

در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اوایل سال ۵۸ قراردادی دسته جمعی بین کارکنان شرکت و مدیریت آن منعقد شد که به موجب آن همه ساله، پاداش سالانه ای معادل ۶۲ روز حقوق به کارکنان تعلق گیرد. این قرار داد که با حضور شهردار تهران بسته شد و به امضای وزارت کار نیز رسید، اصولاً می بایست از اعتبار قانونی برخوردار باشد. موعد دریافت این پاداش سالانه اوائل اسفند ماه هر سال (یعنی هنگام دریافت حقوق بهمن ماه) تعیین گردید. از طرفی دیگر چندی پیش توسط طرح اعلام شده دیگری (از سوی دولت) مبنی بر پرداخت ۷۰۰۰ تومان (با احتساب یک ماه حقوق اسفندماه) عیدی به کارکنان دولت

قرارداد فوق الذکر تحت الشعاع قرار گرفت و مدیریت شرکت واحد بطور خودسرانه و یک جانبه و بدون اطلاع کارکنان اقدام به لغو پیمان دسته جمعی نمود. به نحوی که کارکنان هنگام دریافت حقوق بهمن ماه خود متوجه شدند که در فیش حقوق ها، ۶۲ روز پاداش سالانه منظور نشده و به جای آن طرح جدید (۷۰۰۰ تومان با احتساب یک ماه حقوق اسفند) نشانده شده است.

با توجه به گرانی و کمبود کالاها و تورم فزاینده قیمت ها و مشکلات اقتصادی حادی که بار عمده آن را اساساً کارگران و زحمتکشان متحمل می شوند، طبیعی است که نارضائی ها در میان کارکنان زحمتکش شرکت واحد نیز واقعیتی تلخ اما بدیهی باشد. عدم پاسخگویی دولت به نیازهای مبرم زندگی مردم

با توجه به این که قدرت خرید کارگران و زحمتکشان در شرایط فعلی آنچنانکه باید پاسخگوی حوائج روزمره شان نیست، زمینگی عینی را برای شکل گیری اعتصاب و دیگر اشکال اعتراضی فراهم می آورد. اعتصاب در منطقه ۴ شرکت واحد (یک ماه پیش)، اعتصاب هفته پیش و همچنین برخی حرکات اعتراضی که به صورت مبارزات منفی از قبیل کم توجهی به حفظ مسئولانه ابزارها و ماشین ها و ... نمود پیدا می کند، بر مبنای چنین شرایطی شکل گرفته و می گیرد.

توطئه ها و تحریکات لیبرال ها و عوامل ضد انقلابی (در اعتصاب یک ماه پیش، منطقه ۴) که با تشویق محیلانه روزنامه انقلاب اسلامی از این اعتراضات انحرافی، همراه بود، در چنین زمینه ای شکل گرفت و باز چنانچه اوضاع بر همین روال بگذرد، وقوع این حرکات اعتراضی همواره محتمل خواهد بود.

این شرایط و به ویژه ضعف آگاهی و فقدان شکل مبارزاتی کارکنان (سندیکا و شورا) در شرکت واحد، موجب گردید که رانندگان منطقه ۳ تهران به هنگام قطع پاداش ۶۲ روزه در روز یکشنبه ۳ اسفندماه از گرفتن فیش حقوق خودداری نموده و عصر همانروز در توقفگاه منطقه تجمع نمایند و در واقع تحصن و اعتصاب آغاز گردید. که این اعتصاب با توجه به زمینه های فوق الذکر بطور کاملاً خودبخودی توسط رانندگان شکل گرفت.

صبح روز دوشنبه نیز رانندگان این منطقه از به حرکت در آوردن اتوبوس ها در سطح شهر خودداری نموده و به اعتصاب ادامه دادند و گفتگوی مدیریت شرکت نتوانست آنها را از ادامه اعتصاب منحرف کند. سرانجام زیر فشار تهدید و

ارعاب مسئولین دولتی و اصرار و فشار برخی از مردم منطقه و فقدان برنامه ای روشن و منطقی جهت ادامه اعتصاب، اعتصابی که بطور خودانگیخته شکل گرفته بود بطور خودبخودی نیز به پایان رسید و کارکنان، طرح اخیر دولت (۷۰۰۰ تومان) را پذیرفتند. شکسته شدن اعتصاب و شکل گرفتنش فاقد برنامه بود و رانندگان بین صبح تا ظهر به تدریج بر سر کار حاضر شدند. و اتوبوس ها را به حرکت درآوردند.

باید توجه داشت که در این حرکت اعتراضی (چه در شکل گیری اش و چه در شکستش) ضدانقلاب و لیبرال ها نتوانستند ابتکار عملی داشته باشند. بازگشت رانندگان بر سر کار خود ناشی از درک آگاهانه نسبت به نادرست بودن حرکتشان بلکه مشخصاً به علت فشار همه جانبه وارد بر آنان بود. و این فشار بیش از آنکه آگاهانه و اقلیتی باشد، فشار ارعاب و تهدید بود. مجموعه زمینه های عینی، به ویژه در شرکت واحد به گونه ای است که

اعتصاب هائی این چنین می توانست و می تواند در دیگر مناطق نیز تاثیر گذارده و حرکات مشابهی را در مناطق چهارگانه شرکت واحد و حتی فراتر از شرکت واحد گسترش یابد. لذا بررسی انگیزه های این حرکت و مخصوصاً عملکرد مسئولین حکومتی و مدیریت شرکت اهمیت دارد. این درست است که لیبرال ها و ضدانقلاب از کارشکنی در تولید، خواباندن واحدهای تولیدی و خدماتی و گسترش حرکات انحرافی بیشترین سود را می برد و خود نیز موثراً در این راه گام برمی دارد، اما هر حرکت کارگران و زحمتکشان را صرفاً به ضدانقلاب نسبت دادن و گریز از طرح ریشه های مشکل و عدم تشخیص انگیزه های آن، خطائی نابخشودنی است که بی گفتگو، آب به آسیاب لیبرال ها و دوستانان امپریالیستش می ریزد. این نیز درست است که در اعتصاب اخیر شرکت واحد، عناصر ضدانقلابی در تلاش بوده اند که به این حرکت

اعتراضی دامن بزنند. اما واقعیت این است که این حرکت همانطور که گفتیم قبل از هر چیز، تحت تاثیر مستقیم و بی واسطه مشکلات اقتصادی کارکنان شکل گرفته و بطور خودبخودی گسترش یافت، نه بطور سازمان یافته و مطابق برنامه از پیش تعیین شده ضدانقلابیون. برخورد نادرست و غیر اصولی نخست وزیر، سخنگوی دولت رئیس مجلس و بویژه اشتباهات اساسی مدیریت تعمیرگاه منطقه ۳ (اعتضادی) حاکی از آن بود که گویا این حرکت اعتراضی را ضدانقلاب (و نه مشکلات اقتصادی روزمره) سازمان داده است و در این رابطه نه تنها اعتصاب را محکوم کردند، بلکه مشکلاتی را که انگیزه آن بود نیز عملاً منکر شدند.

رئیس مجلس اخطار کرد: این هائی که دست به این کارها می زنند، از هر کس و هر چه که باشند، حتی عنوان کارگر به خودشان گرفته باشند که ترحم جلب نکنند، اینها قابل ترحم نیستند (!) و باید به شدت تنبیه شوند.

و آقای نبوی اضافه کرد: دولت در برابر اینها با قاطعیت رفتار می کند. مهم نیست اینها اتوبوس ها را راه نیندازند. تاکنون ۲۰۰۰ تن از افراد جهاد سازندگی و ۵۰۰ تن از مردم دزفول داوطلبی خود را برای راه انداختن اتوبوس ها اعلام کرده اند...

مقامات جمهوری اسلامی باید بدانند که این شیوه برخورد با کارگران و مردم زحمتکش نه تنها هیچ قرابتی با انقلاب مردم ایران ندارد بلکه اهانت بزرگی به مردم زحمتکش ایران است. مردم ما انقلاب نکردند که به خاطر گرفتن حقوق مسلمشان "به شدت تنبیه بشوند" و با "قاطعیت" غیر مسئولانه برخی مقامات مسئول مورد تهدید و ارعاب قرار گیرند. برای حل اصولی یک مشکل، ابتدا باید آن مشکل را شناخت و درست طرحش کرد. گریز از طرح ریشه های مشکل شرکت واحد یا دیگر مشکلات زحمتکشان و محدود کردن "راه حل ها" به مشکلات تبعی و سطحی آنها،

نمی تواند منطقی باشد. مسئله تنها این نیست که اتوبوس ها چگونه باید به موقع به حرکت درآیند و مشکلات ایاب و ذهاب مردم را پاسخگو باشند. بلکه علاوه بر آن، مسئله کارکنان زحمتکش شرکت واحد یک مسئله مهیج است که آقای نبوی مشکل را به راه اندازی به موقعت اتوبوس ها محدود می کند. آری! می توان به کمک ۵۰۰ داوطلب اتوبوس ها را سر موقع به حرکت درآورد، ولی آیا با این منطقی می توان پالایشگاه مخابرات، توانیر و راه آهن و ... را نیز به کمک داوطلبین فداکار همراه مشکلات و نارضائی اعتراض و نارضائی برخورد های ریشه ای و بنیادی کرد؟ برخورد مسئولین حکومتی و به ویژه مسئول منطقه ۳ شرکت واحد در برابر اعتصاب اخیر به جای آنکه به رفع مشکل منجر شود به دفع مشکل (آن هم دفع موقتی آن) انجامیده است. اینگونه برخوردهای غیر مسئولانه بهترین زمینه را برای تاثیر گذاری تبلیغات مزورانه و عوام فریبانه لیبرال ها علیه انقلاب فراهم می کند و مرزبندی میان نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را بیش از پیش مخدوش می کند.

مسئولین جمهوری اسلامی ۲ سال بعد از انقلاب هنوز این مهم را دریافته اند که برای درهم شکستن توطئه ها و ضدانقلاب و لیبرال ها و پیشبرد انقلاب باید به نیازهای اساسی اقتصادی و اجتماعی توده های زحمتکش پاسخ دهند. آنها دریافته اند که انقلاب با تامین و تحقق حوائج ضرور مردم انرژی می گیرد و مجال تعمیق می یابد.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی به جای آنکه به عوارض سوء ناشی از عدم برخورد قاطعانه با سرمایه داران و تجار بزرگ، و عدم قاطعیت لازم در ملی کردن تجارت خارجی و ... بیندیشند، به جای آن که صادقانه توانائی های دولت را برای کارگران و زحمتکشان بازگو کرده و اثرات مخرب

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

زنده ماندیم تا به مردم بگویم در میمک

سربازان، قهرمانان جنگیدند اما برخی فرماندهان خیانت کردند

★ پیکار دلاورانسه و ایثارگرانه سربازان، درجه دارن و اکثریت افسران جزء همواره به سود فرماندهان بلندرتبه مورد تحریف قرار می گیرند.

در ارتفاعات میمک از بین ببریم. صدای اعتراض بچه ها بلند شد: اگر امشب قرار بود حمله کنیم پس چرا ۳۰ کیلومتر ما را دوانده و خسته کرده اید؟ این صحبت ها فایده ای نداشت. به هر حال خیلی خسته به راه افتادیم و تمام شب از سمت جنوب کوه های میمک به راه ادامه دادیم. هوا تازه روشن شده بود و دیگر از خستگی نای راه رفتن نداشتیم که فرمانده عملیات دستور حمله داد. بعد از چند ساعت نبرد چند ارتفاع را از دشمن پس گرفته و در آنجا مستقر شدیم. حدود ظهر بود که دیده بان ما خبر داد که: ۲۴ تانک و نفربر دشمن دارند به طرف ما می آیند. خبر دیده بان را بیهوشمانده دادیم. فرمانده عملیات ما که یک نفر درجه

دار ارتش بود، موضوع را با بی سیم به واحد خود گزارش داده و تقاضا کرد که با توپخانه ما را پشتیبانی کنند. از پشتیبانی خبری نشد. تانک های دشمن داشتند نزدیک تر می شدند. دیده بان ها "گرا" (اندازه، مختصات) می دادند. فرمانده "گرا" را به پشتیبانی داده و باز تقاضای آتش می کرد. اما از آتش پشتیبانی خبری نبود. فرمانده عملیات عصبانی شده و از پشت بی سیم فریاد می زد که: شما آنجا چکار دارید می کنید؟ تانک های دشمن دارند ما را نشانه می گیرند. دست به کار شوید، تانک ها را بزنید! فایده ای نداشت. فرمانده که عصبانی شده بود، دائم می گفت: چرا اینها از ما پشتیبانی نمی کنند؟! چرا اینها تانکها را نمی زنند؟! یاد سخنرانی "جناب" سرگرد، فرمانده اردوگاه افتادم که می گفت: شما جلو بروید، ما پشتیبانی می کنیم. ما همه چیز را آماده کرده بودیم. به پشتیبانی "گرا" می دادیم و جای دشمن را مشخص می کردیم فقط کافی بود که یک توپخانه خودی شروع به کار کند. تانکها نزدیک و نزدیکتر می شدند. حالا دشمن جای ما را پیدا کرده و روی ما آتش گشوده بود. ما دیگر امیدمان از پشتیبانی بریده بود. با سلاح های سبکی که همراه داشتیم، قادر به حمله نبودیم. فقط باید از خودمان دفاع می کردیم. ارتفاعاتی را که به دست آورده بودیم، نمی خواستیم از دست بدهیم. پس باید دست به مقاومت می زدیم.

چهار آ. پی. جی. ها را برداشتند، جلو رفتند. جایی سنگ گرفته و به روی تانک های دشمن آتش گشودند اولین گلوله آ. پی. جی. میان دو تانک دشمن بر زمین خورد. دشمن ما را زیر آتش گرفت. اما ما در پناه دیواره های کوه سنگر گرفته بودیم. فرمانده عملیات هنوز به وسیله بی سیم کمک می خواست. بچه ها دومین گلوله را درست روی لوله تانکی نشانده و تانک را از کار انداختند. با از کار افتادن تانک، روحیه بچه ها بالا رفت اما دشمن هم به پیشروی خود ادامه می داد. تانک های دشمن از هم جدا شده و منطقه را محاصره کرده و از چند طرف شروع به کوبیدن محل استقرار ما می کنند. کم کم مقاومت امکان ناپذیر می شد. دشمن از پشتیبانی محکمی برخوردار بود. هر گلوله تویی که نزدیک ما به زمین می خورد، سنگ های کوه را از هم می پاشید. سنگ های تیز و ترکش های خمپاره بچه های گروه ما را یکی یکی از پا در می آورد. فرمانده عملیات بر اثر ترکش خمپاره ای که به قلبش خورد، در دم به شهادت رسید. گلوله آ. پی. جی. ها هم تمام شد. دشمن به این مسئله پی برد. برای همین نیروهایش را از نفربرها پیاده کرد. مهاجمین پشت سنگها سنگر گرفتند. توپخانه دشمن هنوز هم محل استقرار ما را می کوبید. زیر آتش توپخانه دشمن، بچه ها یکی یکی از پا در می آمدند. * * *

روز دوم از ایلام گذشتیم. محل اردوگاهمان در فاصله ۹۰ کیلومتری مهران بود. روی تپه ها سی چهل چادر زده بودند. ما هم در همان چادرها مستقر شدیم. ما زیر پوشش ارتش عمل می کردیم. فرمانده ما و گروه های دیگری که در آنجا استقرار یافته بودند، یک سرگرد ارتش بود. روز سوم ما و چند گروه دیگر را برای تمرین تیراندازی به ۳۰ کیلومتری محل اردوگاه، در میان کوهها بردند اما هنوز تمرین را شروع نکرده بودیم که به وسیله بی سیم دستور دادند فوراً به اردوگاه برگردید. ۳۰ کیلومتر راه را پیاده و در حال "دو" برگشتیم. غروب بود که به اردوگاه رسیدیم. همه بچه ها خسته شده بودند هنوز عرقمان خشک نشده بود که ما را به خط کرده و گفتند: ما امشب باید به دشمن ضربه زده و دیده بانان را

● ما جزو گروه های مقاومت ۲۲ نفره بودیم. اواخر دی ماه بود که به سمت غرب کشور حرکت کردیم. از قبل می دانستیم که در یکی از جبهه های ایلام مستقر می شویم. روز بعد از حرکتمان به کرمانشاه رسیدیم شب را در مسجدی گذرانیدیم موقع خدا حافظی پیرمردی که داخل مسجد بود، صدام را لعنت می کرد و اشک می ریخت. وقتی داشتیم از مسجد بیرون می رفتیم، به ما نزدیک شد و همانطور که اشک می ریخت گفت: خوب بجنگید باباجان! خوب بجنگید! تا این جنگ لعنتی را هرچه زودتر تمامش کنید.

... ناگهان توپخانه خودی پشتیبانی اش را قطع کرد

● من سرباز خدمت منقضی ۵۶ هستم. در تاریخ ۲۱ مهر به خدمت اعزام شدم که بلافاصله به پادگان... منتقل شدم. ما باید طی دو هفته در آن پادگان آموزش می دیدیم. در این مدت در آنجا از آموزش هیچ خبری نبود. فقط یکبار ما را برای تیراندازی به میدان تیر بردند که به علت نبودن یک برنامه ریزی منظم، بجز تعدادی از سربازها بقیه موفق به تیراندازی نشدند. در پادگان سربازان چند بار به خاطر ندادن آموزش اعتراض کردند. مسئولین در برابر اعتراض سربازها گفتند: شما را در واحدهای بعد آموزش خواهند داد. بهر حال بعد از پایان دوره آموزش به اندیشک اعزام شده و در پادگان... مستقر شدیم. آنجا هم کسی به فکر آموزش دادن ما نبود دوباره صدای اعتراض

سربازها بلند شد. آنجا هم گوش کسی بدهکار نبود. همه (سربازها) دور هم جمع شدیم و در این مورد صحبت کردیم. قرار شد از میان خودمان نمایندگان انتخاب کرده و پیش فرمانده بفرستیم من به اتفاق سه نفر دیگر از سربازها به نمایندگی از طرف بقیه سربازها، پیش فرمانده جایگزینی رفتیم و خواستیم نواقص و نارسائی ها را برای او بگوئیم. اما هنوز ما چیزی نگفته بودیم که او ما را متهم به اغتشاش در ارتش کرده و غیر مستقیم تهدید به اعدام کرد. ما هم کاری نتوانستیم انجام بدهیم. صدای اعتراضمان هم به جایی نرسید تا بالاخره ما را بدون هیچگونه آموزش و تجهیزات به خط مقدم جبهه (شوش، پای رودخانه کرخه) منتقل کردند. بعد از دو روز که در خط مقدم جبهه بدون

تجهیزات ماندیم به هر کدام از ما یک قبضه اسلحه ۳۰ و چند تیر فشنگ دادند. روز بعد به گروهان ما دستور پیشروی دادند. با وجود این با همین گروهان آموزش ندیده به همت پرسنل انقلابی ارتش و دلایری سربازان تا قلب دشمن پیشروی کردیم و دشمن را درهم کوبیدیم. اما ناگهان توپخانه خودی پشتیبانی اش را از ما قطع کرد و دشمن، ما را شدیداً درهم کوبید. ما مجبور به عقب نشینی شدیم. در حین عقب نشینی عده ای از سربازها اسیر، عده ای شهید و عده ای نیز در آب رودخانه کرخه غرق شدند. با چند نفر باقی مانده، زخمی به مقر بازگشتیم.

از نامه یک سرباز منقضی خدمت ۵۶ بهمن ۵۹

حالا فقط من و دو سرباز دیگر مانده بودیم. ما می خواستیم تا آخرین گلوله در برابر دشمن مقاومت کنیم با تغییر موضع دوباره سنگر گرفتیم. آتش تانکها خاموش بقیه در صفحه ۲۱

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

با انقلاب یا علیه انقلاب

هر هفته وقایع سیاسی نسبتاً با اهمیتی در میهن ما اتفاق می افتد که تراکم مقالات نوشته شده پیرامون اساسی ترین آنها و محدودیست صفحات کار و مشکلاتی که در راه انتشار نشریه وجود دارد، به ما این امکان را نمی دهد که پیرامون تمامی این وقایع به تفصیل اظهار نظر کنیم. از سوی دیگر آگاهی مردم ایران از نظرات سازمان پیرامون رویدادهای سیاسی کشور دارای اهمیت فراوان است.

ما در این صفحه کوشش می کنیم که با اعلام نظرات خود بطور بسیار فشرده و مختصر، در ارتباط با وقایع و موضع گیری های سیاسی هفته، کمبودی را که در این زمینه احساس می شود تا حدودی جبران سازیم.

میتینگ مشترک لیبرال ها

ورنجبری ها

بالاخره پس از هیاهوی بسیار چهار چهره سرشناس لیبرال میتینگ کذائی خود را در امجدیه برگزار کردند. دکتر سبحانی مراسم را افتتاح کرد. بازرگان با چند لطیفه! به سیاق دوران نخست وزیری مجلس را گرم نمود، یزدی با ژست امریکائی خود گریزی به صحرای آنتی کمونیسم زد و فریاد شوق و شور و هلهله و کف سرمایه داران و تجار حاضر در میتینگ را برانگیخت و چهارمی که شرکت دادنش در مراسم بیشتر برای کسب اعتبار برای یک مهره سوخته بود، کلاه گرداند و فصل مشترک خواسته های لیبرال های ایران را مانند همیشه عوام فریبانه به اصطلاح جمع بندی نمود. ارمغان میتینگ لیبرالها برای دشمنان انقلاب ایران به شرح زیر قابل بررسی است:

برای امپریالیسم امریکا: سکوت مطلق در مورد همه توطئه هایی که تاکنون علیه انقلاب انجام داده است.

برای سرمایه داران و تجار بزرگ: سکوت کامل درباره گرانی و تورم و احتکاری که باعث شده اند و کوشش برای پشت گوش انداختن ضرورت ملی کردن تجارت خارجی.

برای فئودال ها و زمینداران: سکوت رضایت آمیز در مورد توقف بند "ج".

طبیعی بود که با چنین برنامه و "پلاتفرمی" حزب مائوئیستی - امریکائی رنجبران بیش از همه برای این سخنرانان سینه چاک کند و حتی طی اعلامیه ای برای شرکت در این مراسم دعوت رسمی بنماید. دار و دسته امریکائی رنجبران که چراغ سبز چماقداری را از سخنرانان لیبرال دریافت کرده بودند، در روزهای قبل از برگزاری مراسم کوشیدند تا با حمله به هواداران سازمان که پلاکاردها و اطلاعیه تحریم میتینگ را در دست داشتند، جو مورد نیاز لیبرالها را بسازند.

که توطئه آنها هشیارانه با مقاومت هواداران خنثی گردید و مجبور به فرار شدند. این میتینگ برای ضدانقلاب یک شکست بوده است زیرا مردم ایران با تحریم این میتینگ حيله جدید لیبرالها را با شکست مواجه ساختند. بالاترین رقمی که برای شرکت کنندگان میتینگ عنوان می کنند، ۴۰ هزار نفر بوده است.

تیمسارها چه می کرده اند

حجت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه های انقلاب ارتش اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالبی در خصوص دادگاه دریادار تیمسار علوی و محاکمه تیمسار باقری اظهار داشت. ری شهری ضمن اعلام محکومیت دریادار علوی به ۸ سال زندان از جمله به جرم هماهنگی با مستشاران امریکائی برای دستیابی به پرونده های مورد نظر امریکائی ها، مطالبی هم در مورد دستگیری تیمسار باقری فرمانده سابق نیروی هوائی مطرح کرد که بسیار عبرت آموز است. او گفت باقری سی ساعت قبل از حمله نظامی طیس دستور جمع آوری توپ های ضد هوائی تهران، بابل سر، شیراز و مشهد و انتقال این توپها به کردستان را صادر می کند! این دستور زمانی صادر می شود که در همان زمان توپ های ضد هوائی در انبار وجود داشته و نیازی به انتقال توپ های ضد هوائی ۴ شهر مزبور نبوده است. اظهارات رئیس دادگاه های انقلاب ارتش، ابعاد گسترده توطئه های را که حمله نظامی به طیس بخشی از آن به حساب می آید، روشن می نماید. براساس این اظهارات روشن می گردد که لشکرکشی به کردستان چه پوشش مناسبی برای عملیات ضد انقلابی فرماندهانی نظیر باقری به حساب می آمده و نفوذ عوامل امریکا تا چه سطوحی از فرماندهی ارتش امتداد داشته است. حجت الاسلام ری شهری همچنین اشاره کرد که براساس اعترافات کودتاچیان دستگیر شده در آن مقطع طرح حمله نظامی عراق به ایران نیز مطرح بوده است ولی قرار بر این بوده که در صورت عدم موفقیت کودتا این حمله عملی گردد. در این رابطه اظهارات چندی پیش تیمسار فلاحی مبنی بر اینکه امریکائی ها خود طرح کودتای نوژه را ریختند و بعد خود "لو" دادند تا به ارتش ضربه بزنند، سؤال برانگیز است!

"هنر" برای ضد انقلاب!

هواداران سازمان از انگلستان گزارش می دهند که اخیراً فعالیت دستجات ضد انقلاب متواری از ایران در این کشور تشدید شده است. این دستجات که مرکب از سلطنت طلب ها ساواکی ها بختیاری ها و بقیه همپالکی های آنها می شود،

تحت عناوینی چون " ایرانیان میهن پرست در انگلیس" متشکل و فعال شده اند. دو گروه جداگانه از این خائنین روزهای یکشنبه با آرم های مخصوص در هایدپارک لندن حضور به هم می رسانند و علیه انقلاب ایران تبلیغ می کنند دانشجویان هوادار سازمان در انگلستان یادآور شده اند که در تاریخ ۱۱ بهمن ماه این دستجات برنامه ای در یکی از سالن های بزرگ نمایش لندن ترتیب داده اند که بلیط های ۵۰ پوندی آن نایاب بوده است و عواید برنامه که به ۱۲ هزار پوند بالغ می گردد، صرف متشکل کردن این خائنین و توطئه علیه انقلاب ایران گشته است. در اجرای این برنامه همه به اصطلاح هنرمندان فراری که بازار "هنر" مستهجن و تهوع آورشان پس از انقلاب کساد گردیده، شرکت فعال داشته اند!

کوپن ارزاق و "خط" کمونیسم

از جمله اقدامات مثبت و قابل پشتیبانی دولت امر توزیع عادلانه مایحتاج عمومی با چاپ و پخش کوپن های ارزاق مربوطه است. این اقدام مثبت به هیچ وجه به مذاق لیبرالها خوش نیامده است زیرا اقدام دولت رجائی دایر بر کنترل توزیع بخشی از کالاهای عمومی راه را برای غارتگری ها و سودجویی های بی رویه سرمایه داران بزرگ و تجار عمده و محتکران و واسطه ها تا حدودی مسدود ساخته است. همچنین این دستجات دیگر به راحتی قادر نیستند با خرج مقدار بیشتری پول هر آنچه را که می خواهند به دست آورند زیرا آنها با عملی شدن این طرح مجبورند در کمبود برخی از ارزاق عمومی با بقیه مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان شریک شوند، مثل بقیه در صف بایستند و... آنها خشم و نارضایتی خود را از این "بی عدالتی" که شامل حال آنها شده با تبلیغ اینکه دولت "کمونیست" شده است جبران می کنند و مدام در محافل و نشریات خود این ایده را القاء می کنند. این دیگر از بخت برگشتگی تاریخی سرمایه داران و لیبرالهاست که هر اقدام مثبت در جهت منافع زحمتکشان با کمونیسم رابطه تفکیک ناپذیر می یابد بطوریکه حمله به خواسته ها و مطالبات اکثریت توده ها لاجرم به ضدیت با کمونیسم و دشمنی با کمونیسم به مقابله با خواسته ها و مطالبات زحمتکشان و توده های مردم منجر می گردد.

اقلیت منشعب از سازمان

در سراشیب سقوط

به مناسبت سالگرد انقلاب از جانب دار و دسته قاسملو و گروهک های متحد آن در بوکان میتینگی ترتیب داده شد.

در این میتینگ شیخ عزالدین، کومله و دیگر نیروهای مخالف جمهوری اسلامی را به وحدت جهت سرنگونی حکومت دعوت کرد. وی پیام اول بهمن ماه امام را " ترهات محض" خواند و اعلام کرد که ما تا سرنگونی حکومت و رسیدن به خود - مختاری به مبارزه ادامه خواهیم داد! او گفت تا پیروزی راه کوتاهی بیش نیست!

گروهک کومله نیز در سخنرانی اش سخنان



چرا دولت در برابر اخلاص لیبرال ها در کارخانه سکوت می کند

● در شرایطی که تحاوز وحشیانه رژیم صدام به میهن انقلابی ما، همچنان ادامه دارد، در شرایطی که ابعاد توطئه های امپریالیسم، ضد انقلابیون داخلی و لیبرال های خائن برای شکست انقلاب ما و روی کار آمدن یک " دولت میانه رو و معتدل " بیش از پیش گسترش یافته است، کارخانه ها و واحدهای تولیدی و خدماتی نیز هرچه بیشتر شاهد خرابکاری ها و اخلاص لیبرال ها از سوی سرمایه داران وابسته، کارفرمایان و مدیران ضد انقلابی و لیبرالها و ساواکیها و بطور کلی متحدان و دوستان امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا می باشند. اما بدون تردید کارگران مبارز و انقلابی میهن ما ضمن مبارزه بخاطر کسب حقوق صنفی - طبقاتی شان (که بحق آن بنوبه خود از جمله محرکه های ندادن انقلاب است) با وحدت و یکپارچگی هرچه بیشتر صفوف خود و با آمادگی و هشیاری انقلابی روزافزون شان توطئه های ضد انقلاب و سرمایه داران لیبرال را در عرصه کار و تولید نیز خنثی خواهند کرد. توطئه ها و اقدامات مذبحخانه ضد انقلاب و لیبرالها در واحدهای تولیدی و خدماتی بطور عمده در جهت زیر صورت گرفته و می گیرد. ما رعوس عمده این اخلاص لیبرال ها را همراه با فاکت ها و مثال های متعدد ذیلا نقل می کنیم:

۱- کارشکنی و اختلال در تهیه و تدارک مواد اولیه و قطعات یدکی:

هم اکنون مدتی است که مدیریت لیبرال کارخانه کمپرسور سازی قزوین از تهیه و تامین مواد اولیه خودداری کرده و به همین دلیل کارخانه در آستانه تعطیل قرار گرفته است. همچنین در کارخانه کاشی پارس در شهر صنعتی قزوین، نظر به خرابی شیر دستگاه تهیه هوا، فضای کارخانه قابل

استنشاق نیست و مدیران لیبرال کارخانه نیز از تعمیر یا تعویض آن خودداری می کنند. بدیهی است که ادامه این وضع گذشته از به خطر انداختن سلامتی کارگران، مانع از ادامه حضور آنان در کارخانه شده، در تولید و تداوم آن اختلال به وجود می آورد. در کارخانه فارماشیمی نیز مدیریت با توسل به توجیهاتی از قبیل " مشکلات جنگ و سینه بودن مرزهای کشور و ... " در تحویل مواد اولیه مسامحه و اخلاص نموده است حال آنکه شورای کارخانه به دنبال تحقیقاتی که در این خصوص انجام داده است، متوجه شد که مواد مورد نیاز کارخانه از مدت ها پیش در انبارهای گمرک مانده و مدیریت هیچگونه اقدامی در جهت تحویل آن نکرده است.

همچنین در کارخانه ایر پرسلان (گیلان) مدیر لیبرال در تامین مواد اولیه کارشکنی می کند. مدیریت این کارخانه که از حمایت عناصر لیبرال اداره صنایع و معادن برخوردار است، در شرایطی که تامین مواد اولیه از کشورهای امپریالیستی بخاطر تحریم اقتصادی آنها قطع شده است، از تهیه مواد اولیه از کشورهای سوسیالیستی که کارگران مصرانه خواهان انجام آن هستند نیز خودداری کرده و عملا کارخانه را به تعطیل کشانده است.

در کارخانه پی. پی. (گیلان) سازنده کفی کفش ها) نیز عناصر لیبرال در اداره صنایع و معادن استان از تهیه مواد اولیه از کشورهای سوسیالیستی خودداری نموده و این کارخانه را نیز عملا به آستانه تعطیل کشانیده اند.

در کارخانه کنف کار (گیلان) بر اثر کارشکنی عوامل لیبرال اداره صنایع و معادن استان در امر اداره کارخانه (از طریق اخلاص در تحویل مواد) باعث تعطیل این واحد تولیدی شده اند. در کارخانه ببا (گیلان) که دمپایی و

چکمه تولید می کند، نیز وضع به همین منوال است و این کارخانه نیز در همین رابطه تعطیل شده است. در کارخانه ریسندگی خاور (گیلان) مدیریت لیبرال (قائم مقام) با کارشکنی در تهیه مواد خام، موجبات کاهش تولید را فراهم آورده است.

۲- خرابکاری در ماشین آلات و ممانعت از راه اندازی کارخانه در طول چند هفته اخیر در کارخانه سیمان ری در نتیجه اقدامات عناصر ضدانقلابی چند مورد خوابیدن کوره ها، سوختن یا طاقان های کمپرسور سوختن دستگاه گرمکن مواد خام و بازبودن شیرهای اضافی کمپرسور که هوا را بی جهت تخلیه می کند، دیده شده است.

در کارخانه سیمان غرب عناصر ضدانقلابی با حمایت مدیریت لیبرال کارخانه (لطفی) در حدود ۵ ماه پیش دستگاه گیرکس کارخانه را کار انداختند و هنگامی که در نتیجه تلاش های بیگانه کارگران این کارخانه، چند هفته پیش دستگاه جدیدی وارد گردید، مجددا در نتیجه خرابکاری ضد انقلابیون یکی از اجزاء مربوط به آن صدمه دید.

در کارخانه کبریت سازی ۲۹ بهمن (توکلی) تعدادی از مدیران و سرپرستان که از ایادی توکلی ها، سرمایه داران خلع ید شده این کارخانه می باشند، از راه اندازی دستگاهها جلوگیری کرده و به این ترتیب کارخانه را برای چندمین روز به توقف و تعطیلی کشانند.

در کارخانه کربن سلاک (خوزستان) سرپرست تولید کارخانه که ماهیت سرسپرده خود را در رژیم شاه به نحو اکمل نشان داده است، با همکاری و هم آوایی طرفداران بختیار و دیگر عناصر ضد انقلابی لیبرال در زیر پوشش "تخصص"، کارگران را به خوابانیدن تولید تحریک نموده و به انواع و اقسام کارشکنی ها و سنگ اندازی ها

مانع از راه اندازی کارخانه شده است و این تازه در شرایطی است که محصولات تولیدی این کارخانه از نظر تامین نیازهای خودروهای ارتشی به شدت مورد احتیاج کارخانه های لاستیک سازی ایران بوده است. در صنایع فولاد نیز مدیران و مهندسی لیبرال کوشش می کنند تا به بهانه بررسی و تحقیق به منظور به اصطلاح راه اندازی این واحد بزرگ صنعتی آن را به تعطیلی بکشانند. آنها نیت واقعی خود را با دلسوزی های مکارانه برای اقتصاد وابسته کشور و با ماسک عوام فریبانه "تلاش به خاطر قطع وابستگی" می پوشانند و اظهار می دارند که "به منظور تحقیق برای راه اندازی کارخانه به نحوی که موجب تشدید وابستگی نشود، باید کارخانه موقتا تعطیل شود!!" کارگران پیشرو صنایع فولاد با دادن اعلامیه های این تلاش های مذبحخانه ضدانقلابی را افشا کرده و تاکید کرده اند که:

" ما هم معتقدیم که برای چگونگی راه اندازی و بطور کلی آینده صنایع فولاد بایستی تحقیق و بررسی شود بایستی تحقیق شود که چگونه صنایع فولاد به کار افتد، چه بخش هایی از آن راه اندازی شود که وابستگی سرمایه داران امپریالیسم نیاورد لیکن این امر با بازبودن کارخانه و تشکیل یک گروه تحقیق و بررسی منافاتی ندارد. تاکید می کنیم به بهانه بررسی و تحقیق بایستی به خیال بیکاران افزوده شود، بایستی کارگران سرشار از نیروی سازندگی، حتی بطور موقت به خانه های شان برگردند."

۳- عدم پاسخگویی به مطالبات صنفی کارگران و تحریک کارگران به اعتصاب

چندی پیش مدیریت لیبرال کارخانه فرنخ و مهنخ در شهر صنعتی البرز (قزوین) به بهانه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از پرداخت پول

غذا، حوله و صابون و ... به کارگران خودداری کرده و این موضوع مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. کارگران این کارخانه با توجه به اقدامات ضد کارگری و ضدانقلابی مدیریت لیبرال کارخانه تصمیم به اخراج مدیرعامل، رئیس امور اداری و رئیس کارگزینی از کارخانه گرفتند. در کارخانه نساجی غرب کرمانشاه نیز مدیران لیبرال کارخانه که عناصری همچون قوت الله غفاری (از اعضای حزب رستاخیز) و محمدریفی تهرانی (برادر رفیعی از سرمایه داران وابسته فراری) در میان آنان هستند از پرداخت اضافه کاری و سایر مزایا و حقوق رفاهی کارگران خودداری کرده و با تحریک مقامات استان، زمینه های انحلال شورای کارخانه را که در طول حیات سه ماهه خود تولید را به میزان ۱/۵ برابر افزایش داده بود، فراهم ساختند. همچنین در کارخانه پارس مثال که از جمله واحدهای تولیدی ملی شده است و مدیریت آن (که از سوی وزارت صنایع و معادن در آذرماه ۵۹ منصوب شده است) شامل عناصر ضد انقلابی و لیبرال از طرفداران خلق مسلمان گرفته تا عناصر سلطنت طلب می باشد. ساعات کار بدون توجه به نظر کارگران از سوی مدیریت افزایش یافته است. این اقدام با اعتراض شدید کارگران مواجه شده و مدیریت نیز که وضع را چنین می بیند با این تصور که تداوم تولید در کارخانه در گروی "تخصص" اوست، تهدید به استعفاء نموده و متعاقب آن کارخانه را ترک می کند. کارگران نیز برای خنثی کردن توطئه استعفاء (و تعطیل کارخانه) و به منظور حفظ و تداوم تولید با آگاهی انقلابی شورا نیز ضمن توجه به وضع

بقیه در صفحه ۷

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بقیه از صفحه ۶

چرا دولت در برابر...

کارخانه و میزان تولید آن، ساعات کار جدیدی برای کارخانه تعیین می‌کند. در شرکت نفت فلات قاره (لاوان) نیز مدیریت لیبرال با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرده است که به استثنای ۳ تن از روسا بقیه کارکنان بایستی به شکل دو هفته کار و یک هفته استراحت کار کنند. کارکنان این شرکت تا قبل از صدور این بخشنامه با سیستم یک هفته کار و یک هفته استراحت کار می‌کردند که این خود از زمره دستاوردهای مبارزات اعتصابی کارگران در جریان انقلاب بود. کارکنان شرکت نفت فلات قاره (لاوان) با صدور اطلاعیه‌ای در رد این اقدام مدیریت لیبرال تاکید کرده‌اند که "دست‌هایی در کار می‌باشد تا جو سو ظن و تشنج را در صنعت نفت که یکی از حیاتی‌ترین صنایع و منابع درآمد این ملت ستمدیده می‌باشد، به وجود آورند تا شاید بتوانند با این حربه کمکی به نارضایتی‌ها در سطح مملکت بنمایند." کارکنان این شرکت با افشاء این اقدام ضدانقلابی، خواهان اعاده و اجرای سیستم سابق کار می‌باشند.

۴- اخراج و تعلیق کارگران و کارکنان مبارز و گوشش برای ابقاء یا بازگرداندن مدیران لیبرال، عناصر ساواکی و ضد انقلابی که قبلاً پاکسازی شده بودند.

در کشت و صنعت کارون مدیریت لیبرال با کمک کمیته اسلامی کارون که ناآگاهانه در خدمت اهداف و مقاصد این مدیریت قرار گرفته است، شورای کارکنان را منحل ساخته و بدنبال آن بسیاری از کارکنان را به اتهام واهی "ضدانقلاب" اخراج نموده است. این اقدام ضدانقلابی در شرایطی صورت می‌گیرد که بدون وجود کارکنان مبارزی که اخراج شده‌اند و اکثر از بهترین متخصصان و کارآمدترین کارکنان هستند، تداوم تولید دچار اختلال و وقفه شده و با خطر رکود مواجه گشته است. در ضمن به دنبال اخراج کارکنان مبارز، عناصر سرسپرده و مزدوری همچون امیرپور، ذوالفقاری، شیخ‌ناچی و... که قبلاً پاکسازی شده بودند توسط مدیریت به سرکار بازگردانده شدند. کارگران پیشرو کشت و

بقیه از صفحه ۶

تعریف کرده از بین ۵۰ داوطلب برای این پست، "بهترین" را انتخاب کرده است. اگر اعمال گذشته مدیر عامل را ارزیابی کنیم خواهیم دید همه‌جا با انقلاب و دستاوردهای آن دشمنی کرده ولی از عمل رژیم گذشته و "بایر" طرفداری کرده است.

در کارخانه کاشی پارس مهندس برازجانی مدیر عامل لیبرال که از نزدیکان حاجی‌برخوردار معروف می‌باشد، با دستیاری عواملش نامهای از طرف کارگران مبنی بر اینکه نماینده دولت مورد پذیرش کارگران نیست نوشته تا بدین ترتیب از تغییر مدیریت لیبرال جلوگیری کرده و موجبات ابقاء و تحکیم مواضع آن را فراهم سازد. کارگران به این دسیسه ضدانقلابی برازجانی پی برده و آن را افشاء و محکوم ساختند. همچنین سه تن از مدیران لیبرال کارخانه ایران دوچرخ که به همراه تعدادی دیگر از عناصر ضدانقلابی در سال گذشته توسط کارگران اخراج شده بودند، اینک با کمک دوستان لیبرال خود در وزارتخانه‌های صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی قصد بازگشت به کارخانه را دارند که کارگران نیز برای افشاء اینگونه اقدامات و جلوگیری از بازگشت این عناصر اخلالگر، کمیته ویژه‌ای تشکیل داده و تاکنون از ورود آنان به کارخانه جلوگیری کرده‌اند.

۵- اختلال در کارتشکل‌های سندیکائی و شورائی کارگران

وابسته هستند. کارگران پیشرو کارخانه الیاف با صدور اعلامیه‌ای این اقدام کمیانی "بایر" و مدیریت لیبرال را افشاء و محکوم ساخته‌اند و خواهان ملی شدن این کارخانه توسط دولت شده‌اند.

آنجکه گفته شد جهات عمده اقدامات و تلاش‌های ضدانقلابی لیبرالها را در به تعطیل کشاندن کارخانه‌ها و ایجاد حواختلال و آشوب در محیط واحدهای کارخانه‌ها نشان می‌دهد. در چنین شرایطی مسئولین دولتی باید به اتکای تشکل‌های کارگری و همگام با آن با اقدامات عاجل و اساسی ربردسیده‌های اخلالگرانه ضدانقلاب را عقیم گذارند.

۱- با تعیین حدود مالکیت دست غارتگر سرمایه‌داران بزرگ و لیبرالها را از واحدهای تولیدی کوتاه نموده و به این ترتیب راه بر بخش مهمی از توطئه‌های ضدانقلاب در کارخانه‌ها مسدود خواهد شد. این امر با ملی کردن کامل سرمایه‌های بزرگ تحقق خواهد یافت.

۲- مدیران لیبرال و ضد انقلابی مورد پاکسازی کامل قرار گرفته و در انتخاب مدیران بیش از هر چیز ضوابط انقلابی در نظر گرفته شود.

۳- با تامین مطالبات انقلابی و برحق کارگران در چهارچوب امکانات موجود، امکان بهره‌گیری‌های رذیلانه ضدانقلاب از خواسته‌های مبرم کارگران را به حداقل ممکن برسانند. در اس زمینه باید قانون کار و تامین اجتماعی و طرح ارزشیابی مساعل با محتوای مترقی و به شیوه‌ای دمکراتیک (با فراهم آوردن زمینه مشارکت فعالانه نمایندگان کارگران در تدوین و اجرای آن) هرچه زودتر تدوین شده و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۴- تداوم تولید و افزایش بهره‌وری کار که از جمله شعارها و وظایف مبرم طبقه کارگر ایران است، تنها با همگامی انقلابی مسئولین دولتی با تشکل‌های سندیکائی و شورائی کارخانجات (از طریق تداوم و تکمیل امر ملی کردن سرمایه‌های صنعتی بزرگ) و برقراری تقویت روابط همه‌جانبه اقتصادی و... با کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه بر اساس حقوق برابر می‌تواند به نتایج و اهداف انقلابی‌اش دست یابد.

تلاش کارگران

برای جلوگیری از تعطیل کارخانه

تهیه مسکن جمع‌آوری کرده بود، در اختیار کارخانه قرار داد. یکی از کارگران می‌گفت: "ما باگذشت و ایثار و کار شبانه‌روزی سعی می‌کنیم تولیدات کارخانه را بالا ببریم اما تلاش و همبستگی ما وقتی می‌تواند بهترین نتیجه را بدهد که مسئولان نیز به وظایف انقلابی خود عمل کنند. مسئولان می‌بایست با حمایت از کارگران و تامین نیازهای کارخانجاتی که در جهت انقلاب و مردم فعالیت می‌کنند، توطئه لیبرالها و عواملی را که می‌کوشند کارخانجات را به تعطیلی بکشاند، خنثی کنند.

● کارگران مبارز کارخانه "سنتاب" با یک اقدام انقلابی چرخ‌های این کارخانه را که در حال توقف بود، به گردش درآوردند. کارخانه سنتاب که تولیدات چوبی دارد، به علت نارسائی‌های مالی و عدم توانائی برای جمع‌آوری کالا از گمرک در حال تعطیل بود اما کارگران با کمک سایر کارکنان کارخانه مبلغ ۴۰۰ هزار تومان جمع‌آوری کردند. یکی از کارگران با فروش فرش خانه خود و مقداری پس‌انداز که داشت مبلغ ۴۰ هزار تومان و کارگر دیگری ۱۵ هزار تومان پولی را که مدتها برای

اعتراض دهقانان زحمتکش سراسر کشور علیه توقف بند (ج) هر روز گسترده تر می شود



● توقف اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی که در اثر دسیسه ها و اعمال نفوذ فئودالها، زمینداران بزرگ و روحانیون مرتجع حامی آنها و همچنین عدم قاطعیت و مفاشات مسئولین جمهوری اسلامی انجام گرفت، بیشترین فشار را بر میلیونها دهقان ستمدیده میهن، این حامیان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی وارد ساخت و بی شک بیشترین اعتراض را نیز از جانب آنان به همراه داشت.

هر روز دهها طومار به امضای هزاران تن از زحمتکشان روستاهای سراسر کشور برای ارگانها و مسئولین جمهوری اسلامی فرستاده می شود که در آن خواستار اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی و ادامه فعالیت های هیئت های هف نفره واگذاری زمین می گردند تاکنون تعداد زیادی از این طومارها در نشریه کار به چاپ رسیده و ما نه سهم خود در انعکاس حواس حق این زحمتکشان تلافی کرده ایم این هفته نیز تعداد زیادی طومار با امضای صدها دهقان

زحمتکش از سراسر کشور به دستمان رسید. از خمله طومارهایی از دهقانان روستاهای ماچکپشت ساری، ذغال منزل، دومچال جویبار، قائم شهر، حمزه کلا شش پل، پائین مازیار و نوشیروان کلا بابل دریافت داشته ایم که به درج یک نمونه از آن اکفای می کنیم:

بسمه تعالی

مورخه ۵۹/۱۱/۱۹ دفتر امام خمینی و رونوشت جهت اطلاع به دفتر آیت الله منتظری و آیت الله مشکینی و دکتر بهشتی موضوع: به اجراء درآمدن ماده بند "ج" از طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

ما کشاورزان مسلمان محروم و ستمدیده قریبه نوشیروان کلا از حومه شهرستان بابل از دفتر امام خمینی می خواهیم که خواسته ماکشاورزان محروم را به وسیله این نامه به رویت رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و حامی مستضعفان جامعه برسانید و از مقام شایسته رهبری خواهان به اجراء گذاردن ماده بند "ج" که یکی از طرح های اصلاحات ارضی می باشد و به وسیله حامیان محرومین

جامعه دستور اجرای بند ماده واحده داده و به تأیید مقام رهبری قرار گرفته است ولی متأسفانه با نقشه های حساب شه فئودالها و مستکبران و متجاوزان مانع از اجرای طرح شده است و به بهانه های مختلف متوقف شده است ما کشاورزان مسلمان قریه مذکور از مقام رهبری خواهان آنیم امر مقرر فرمایند که با مصلحت خویش هرچه زودتر دستور به اجراء گذاردن ماده واحده گردد که چشم تمام محرومین جامعه ما به امید بند "ج" بوده که تا بلکه بتوانند به حمایت قانون، حق غصب شده خود را از ید مستکبران و متجاوزان درآورد و عمری را که زیر ستم رژیم غیرقانونی گذشته گذرانیده اند آزاد و رهائی یابند. با تقدیم احترامات اعلام می نمائیم که به اجراء گذاردن قانون بند "ج" ضد انقلاب و سرمایه داران و فئودالها خواهند فهماند که ملت به رهبری ضلوع امپریالیستی امام خمینی بیدارند و از توطئه گران بیزارند و حق پایمال شده خود را می ستانند.

کشاورزان مسلمان نوشیروانکلا امضای اهالی

به مشکلات دامداران مناطق جنگ زده رسیدگی کنید

بر اثر جنگ تحمیلی امریکا - صدام در سال جاری حدود یک میلیون راس دام در مناطق جنگی رها شده و مشکلات زیادی از نظر تغذیه آنها به وجود آمده است. همچنین با اشغال بعضی مناطق خوزستان قشلاق بیش از ۲ میلیون راس دام لرستان و ایلام که همه ساله انجام می گرفت، دچار مشکلات گردیده است. مسئولین وزارت کشاورزی و ارگان های انقلاب باید با سهمیه بندی دقیق علوفه و جو، بر مبنای تعداد دامها و قرار دادن آن در اختیار شوراهای روستائی از افزایش بی رویه قیمت علوفه و جو جلوگیری کرده و ضایعات و خسارات جنگ در این زمینه را کاهش دهند.

تاخیر در اجرای بند (ج) طرح

اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان انقلاب است



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

خبرهایی از روستاهای کشور

سنقر

روستائیان زحمتکش سنقر خواهان ادامه کار هیئت ۷ نفره می باشند.

○ هیئت های هفت نفره سنقر که اکثر آنها از افراد صادق و مومن به انقلاب می باشند در اکثر روستاهای منطقه کلیائی و فعله گری تقسیم زمین های فئودال ها را در دستور کارشان قرار داده و در اکثر موارد حتی طلب های دهقانان را از حلقوم فئودال های مزدور منطقه بیرون کشیده و به کشاورزان زحمتکش بازگردانده اند. آنها علیرغم همه کارشکنی های فئودال ها، لیبرالها و نفوذ آنان در ارگان های حکومتی در شهر همچنان پیگیرانه به حمایت خود از اجرای بند ج ادامه می دهند. دهقانان منطقه به ویژه ۳۰۰ نفر از دهقانان (تیمه گاره) که با مبارزات خود در جریان انقلاب و بعد از انقلاب توانستند در شکل شورائی بنام " شورای اسلامی برزگران نیمه گاره " به مبارزات خود علیه فئودال ها و زمینداران بزرگ ادامه دهند، می گویند:

ما با تصاحب زمین های اربابی به پیکار خویش ادامه می دهیم و پشت فئودال ها و زمینداران بزرگ را می شکنیم. زمینداران بزرگ و فئودال های منطقه و عوامل آنها در ارگان های محلی که از شکل دهقانان و اجرای بند ج به وحشت افتاده اند، با فرستادن طومار از آیت الله گلیایگانی استمساد خواستند. اما زحمتکشان روستاهای می گویند:

" ما دهقانان مستضعف روستاها همچنان با اتحاد خود توطئه فئودال ها و حامیان آنها را خنثی خواهیم نمود. "

یاسوج

دهقانان قریه تل خسرو از شهرستان یاسوج خواهان اجرای هرچه سریع تر بند ج گردیدند

○ شهرستان یاسوج که سالها زیر فشار ظلم و ستم خانها

و زمینداران بزرگ قرار داشته اند، طی نامه ای به روزنامه های کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی ضمن پشتیبانی از اقدامات هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین شهرستان بویراحمد خواهان رفع توقف بند ج قانون اصلاحات ارضی گردیده و متذکر شدند که " با اجرای بند ج مشت محکمی بر دهان ضدانقلاب داخلی و خارجی خصوصا زمینداران بزرگ که دشمنان روحانیت مبارز هستند، وارد خواهد آمد. "

مازندران

○ اهالی روستای دلند از بخش رامیان طی نامه ای به دفتر امام خمینی که رونوشت آن به دست ما رسیده است ضمن برشمردن مشکلات متعدد خواهان احداث دبیرستان در این روستا گردیده و اظهار داشته اند علاوه بر واگذاری زمین مورد نیاز حاضرند ۲۰٪ از مخارج ساختمان مدرسه را نیز تامین کنند.

بجنورد

○ دهقانان زحمتکش روستای شیرآباد در ۵۰ کیلومتری بجنورد که طی مبارزات طولانی از بعد از قیام تاکنون و با اتحاد و یکپارچگی و همکاری با هیئت ۷ نفره واگذاری زمین توانستند زمین های خود را از غاصبین پس بگیرند، هم اکنون با توقف اجرای بند ج مواجه با توطئه های گوناگون زمینداران بزرگ شده اند. چندی پیش فئودال ها و زمینداران بزرگ روستای شیرآباد طی نقشه ای اقدام به ترور یکی از نمایندگان مبارز دهقانان زحمتکش می نمایند که خوشبختانه موفق نمی شوند.

این روزها که با توقف بند ج زمینداران بزرگ و فئودال ها دوباره در روستاها به یک - تازی مشغول شده اند از اینگونه حوادث و ترورهای ناجوانمردانه اعضای هیئتهای

هفت نفره به کرات دیده می شود. بجاست تا مسئولین بخود آیند و بیش از این مامشات در مقابل زمینداران بزرگ و فئودال ها این حامیان امپریالیسم را ادامه ندهند.

اراک

کشاورزان و دامداران اراک خواهان تقسیم بموقع و عادلانه جو برای دام هایشان هستند.

○ در فصل زمستان در مناطق سردسیر نظیر اراک دامداران و کشاورزان روستاها با مشکل تهیه علوفه برای دام هایشان روبرو می شوند. دولت نیز هر سال برای رفع کمبود علوفه مقدار زیادی جو از خارج وارد می کند تا در اختیار روستائیان و دامداران قرار دهد. گذشته از کمبود جو و علوفه در سطح کشور که می بایست از طرف مسئولین وزارت کشاورزی برنامه ریزی گردیده و امکانات کشت علوفه فراهم گردد، مشکل اساسی کشاورزان و دامداران زحمتکش در حال حاضر نحوه تقسیم جو می باشد. همه روزه تعداد زیادی از روستائیان زحمتکش منطقه اراک برای تحویل جو با مشکلات فراوانی از دهات دور و نزدیک و با صرف هزینه زیاد به اداره کشاورزی اراک مراجعه می کنند. اگرچه مقدار جو دریافتی آنها (به ازاء هر گوسفند ۵ کیلو) کم است ولی روستائیان زحمتکش با توجه به وضع فعلی و مشکلات ناشی از جنگ این امر را تحمل می کنند ولی آنها به نحوه توزیع جو معترضند.

برای توزیع عادلانه جو بهتر است اداره کشاورزی اراک سهم هر روستا را با توجه به تعداد گوسفندان آن روستا تعیین نموده و منطقه به منطقه کامیون های خود و سایر ادارات دولتی در اختیار شوراهای دهات قرار دهند تا به این وسیله از آمدن روستائیان به شهر، صرف هزینه رفت و آمد و همچنین تقسیم نابرابر جلوگیری به عمل آید.

خوزستان

○ طبق گزارشات واصله از خوزستان در منطقه سادات از توابع ایذه بر اثر حمله مسلحانه زمینداران بزرگ و

فئودال های منطقه به کشاورزان زحمتکش روستای سادات حسینی دو نفر از روستائیان شهید و ۵ نفر مجروح گردیدند. مسئله بدین قرار است که به دنبال صدور احکامی از طرف هیئت ۷ نفره منطقه جهت کشت زمین های فئودال های معروف توسط کشاورزان زحمتکش، فئودال های منطقه به سرکردگی میرقلی خان اسکندری متشکل شده و در تاریخ ۷ دی به همراه عده ای از افراد مسلح به کشاورزان قریه سادات حسینی که در حال شخم زدن زمین ها بودند حمله کرده و در این واقعه ۲ تن را شهید می کنند. (اسامی برخی از شهدا و مجروحین جعفر باتولی، یوسف، میرزا حسین و ۰۰۰) پس از این حادثه سپاه پاسداران عده ای از فئودال های منطقه منجمله امیرقلی خان اسکندری را دستگیر می کنند. به دنبال این واقعه هواداران سازمان در ایذه طی اعلامیه ای با عنوان " زمین مال دهقانان است " این امر را محکوم کرده و خواهان مجازات مسببین این حادثه می گردند. همچنین سپاه، جهاد، فرمانداری و هیئت ۷ نفره ایذه نیز طی اطلاعیه ای خواهان مجازات فئودال ها و زمینداران بزرگ منطقه گردیده و توطئه آنها را محکوم می کنند و خواهان دستگیری و اعدام این ضد انقلابیون می شوند. هم اکنون زحمتکشان منطقه خواهان اقدامی انقلابی و پاسخی دندان شکن به این مزدوران امپریالیسم و ستون پنجم دشمن و برخوردی قاطع در مورد تقسیم زمین های این ضد انقلابیون هستند.

کردستان

دار و دسته قاسملو برای تامین منافع فئودال ها میان روستائیان تفرقه و جنگ را دامن می زنند

○ گهرماو (گرم آب) و کوخ های رستم، سربرد و سماقان از روستاهای شهرستان بانه در دامنه سرخ کوه واقع در مرز ایران و عراق می باشند که نزدیک به صد خانوار جمعیت دارند. تا قبل از قیام فئودال ها، ستم زیادی بر دهقانان روا داشته و شیوه های مختلفی از قبیل ذکات مزارع، بیگاری، مرغانه، پوشانه و غیره آنان را غارت کرده و حتی آنها را

مجبور می کردند که شکایات خود را نیز نزد همیمن فئودال ها ببرند. بعد از انقلاب هم به علت عدم وجود ارگان های دولت جمهوری اسلامی در منطقه، روستائیان اجبارا مسائل و شکایات خود را نزد گروه های مسلح و بیشتر باند قاسملو مطرح می کردند اما فئودال ها با نزدیکی به باند قاسملو ضد انقلابیون دیگری چون شیخ جلال حسینی توسط آنان مسلح شده و در درگیری های که بین آنان و دهقانان پیش می آمد از حمایت ضد انقلابیون مسلح برخوردار می شدند.

در ماه های آبان، آذر و دی گذشته بر سر کشت زمین ها درگیری بین دهقانان و فئودال ها به اوج خود رسید. برای نمونه هنگامی که یکی از دهقانان می خواست مرتع خود را به زمین مزروعی تبدیل کند، با مانعت باند قاسملو روبرو می گردد. اما همین زمین توسط یکی از فئودال ها به زیر شخم برده می شود. نتیجتا دهقان مزبور این بار بدون توجه به مخالفت باند قاسملو راسا شروع به کشت زمین خود می کند ولی با حمله مسلحانه فئودال روبرو شده و برای جلوگیری از حمایت سایر زحمتکشان روستا افراد فئودال مزبور شروع به مانور مسلحانه در منطقه می کنند. دهقانان و خوش نشین های منطقه برای دفاع از منافع خویش در مقابل فئودال ها و ضد انقلابیون اقدام به تشکیل شورای دهقانی می نمایند. باند قاسملو چون وضعیت را برای خود و متحدینش وخیم یافت با دعوت دسته جمعی از دهقانان و فئودال ها خواستار پایان یافتن مناقشات به نفع فئودال ها شده و حتی رسماً اعلام کرد که از این پس هر شورائی که بدون شرکت فئودال ها تشکیل شود از نظر آنها غیر رسمی و مردود است ضمناً برای متلاشی ساختن وحدت زحمتکشان تعدادی از روستائیان را علیه دیگران مسلح کرده اند اما دهقانان با هشیاری و اتحاد در مقابل این توطئه های باند قاسملو و فئودال ها ایستاده و طی اعلامیه ای خواستار وحدت بیشتر زحمتکشان منطقه و پشتیبانی نیروهای مترقی برای مقابله با سیاست های ضد انقلابی باند قاسملو شدند.

تغییر دادن این جنبه آن می باشد .

مردم ایران در جستجوی راه خود بسوی آزادی و شکوفایی است . ما صادقانه خواستار موفقیت آن در این امر هستیم و حاضریم روابط حسنه خود را با ایران بر اساس برابری حقوق و البته بر اساس دوستی متقابل بسط و توسعه دهیم .

در بعضی از کشورهای شرق در اوقات اخیر بطور فعالانه‌ای شعارهای اسلامی طرح می‌گردد . ل. برژنف چنین خاطر نشان ساخت ما کمونیست‌ها نسبت به اعتقادات مذهبی مردمی که پیرو دین اسلام و سایر ادیان هستند احترام می‌گذاریم . مهم آن است که نیروهایی که فلان یا بهمان شعارها را اعلام می‌کنند چه هدف‌هایی دنبال می‌کنند . مبارزه آزادیبخش می‌تواند تحت لوای اسلام گسترش یابد تجربه تاریخ از جمله تاریخ همین اوقات اخیر گواه این مدعاست . ولی همین تجربه حاکی از آن است که ارتجاعی که شورش‌های ضدانقلابی برپا می‌کند شعارهای اسلام را بکار می‌گیرد . بنابراین موضوع در آن است که ماهیت واقعی فلان یا بهمان جنبش از چه قرار می‌باشد .

تحکیم و تقویت استقلال کشورهای آزاد شده با بمیل امپریالیست‌ها واقع نمی‌شود . آنها از هزاران راه و شیوه درصدد بستن این کشورها به گردونه خود هستند تا بطور آزادتری ذخایر طبیعی آنها را تحت سیطره خود بگیرند و از خاک آنها برای مقاصد استراتژیک خود استفاده نمایند در ضمن بطور وسیعی از شیوه کهنه استعمارگران مبنی بر "تفرقه بیانداز و حکومت کن !" استفاده می‌شود .

غرب نسبت به جنگ عراق و ایران که پنج ماه است ادامه دارد همین روش را در پیش گرفته است این جنگ از نقطه نظر منافع این کشورها جنگی است مطلقا بی‌معنی . ولی همین جنگ برای امپریالیسم که می‌خواهد و خواب می‌بیند که چگونه مواضع خود را در این ناحیه اعاده نماید بسیار سودمند است . مایلیم امیدوار باشیم که هم در عراق و هم در ایران نتایج لازم را از این موضوع خواهند گرفت .

اتحاد شوروی بطور قاطعی به نفع خاتمه یافتن هرچه زودتر این جنگ برادرکشی و به نفع حل و تنظیم سیاسی مناقشه اظهار نظر می‌کند . ما درصدد آن هستیم که عملا نیز به این امر کمک کنیم .

ایالات متحده آمریکا برای اینکه مخارج و هزینه‌های خود را با دیگران تقسیم کند و در عین حال شرکای خود را در پیمان ناتو محکم تر بخود ببندد درصدد آن است که وظایف این پیمان را وسیع تر سازد . استراتژیست‌های واشنگتن آشکارا میل دارند دهها کشور دیگر را وارد تدارکات جنگی خود نمایند و دنیا را درنارو پود عنکبوتی پایگاه‌ها و فرودگاه‌ها و انبارهای سلاح خود گرفتار سازند .

برای توجیه این اقدامات روایات خود را درباره "خطر شوروی" برای ثروت‌های نفتی خاور نزدیک و میانه و یا برای راه‌های حمل‌ونقل ، پخش می‌کنند . این روایات کذب محض است عمدا بکار می‌رود زیرا کسانی که درصدد ساختن و پرداختن این روایات هستند خوب می‌دانند که اتحاد شوروی قصد و نیتی نسبت به هیچیک از اینها ندارد . و اصولا فکرکردن به اینکه می‌توان با تبدیل این ناحیه به انبار باروت ، از منافع نفتی غرب "حمایت" کرد کاری است بی‌هوده و عبث .

نه ، ما نظرات کاملا متفاوتی نسبت به این موضوع داریم که چگونه می‌توان صلح را در حوزه خلیج فارس و در اطراف آن تامین نمود . جای سوق دادن و متمرکز کردن ناوگان جدیدتر و

لئونید برژنف : " مردم ایران در جستجوی راه خود به سوی آزادی و شکوفائی "



☆ چهارم اسفند بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست شوروی در مسکو آغاز شد . در این کنگره رفیق لئونید برژنف دبیرکل حزب گزارش کمیته مرکزی را به کنگره ارائه داد . به دلیل اهمیت نطق رفیق برژنف ما خلاصه‌ای از سخنان او را در زیر نقل می‌کنیم :

ساده‌ای نهفته است که از خصومت چین نسبت به اتحاد شوروی و نسبت به جامعه ممالک سوسیالیستی به نفع منافع امپریالیستی خودشان استفاده کند . باری خطرناکی است !

و اما درخصوص ملت چین باید گفت که ما اعتقاد عمیق داریم که سیاست صلح ، فقط سیاست صلح و مناسبات عادی با کشورهای دیگر با منافع واقعی آن مطابقت می‌داشت .

اگر روابط شوروی و چین همچنان دچار انجماد است علت آن در موضع کشور ما نیست . اتحاد شوروی درصدد مقابله با جمهوری توده‌ای چین نبوده و در صدد چنین مقابله‌ای نیست . ما پیرو خط مشی مصرحه بیست و چهارمین و بیست و پنجمین کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی هستیم و مایلیم روابط خود را با جمهوری توده‌ای چین بر اساس حسن همجواری بنا کنیم . پیشنهادات ما در جهت عادی کردن روابط با چین همچنان بقوت خود باقی است مانند احساس احترام و دوستی مانسبت به ملت چین که بلا تغییر مانده است .

همکاری اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد بطور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است . اتحاد شوروی با کشورهای ازبند رسته همکاری اقتصادی و علمی و فنی وسیعی دارد که برای دوطرف مقرون به صرفه می‌باشد .

اتحاد شوروی به اتفاق سایر کشورهای برادر به تقویت استعداد دفاعی کشورهای ازبند رسته موقعی که تقاضای چنین کمکی می‌کنند کمک و مساعدت می‌نماید . اتحاد شوروی مخالف صدور انقلاب می‌باشد ولی نمی‌تواند با صدور ضدانقلاب هم موافقت کند .

ل. برژنف خاطر نشان ساخت : آنچه مربوط است به سطوح نظامی شوروی ، ما حاضریم سطوح مزبور را بنا به توافق با دولت افغانستان خارج نماییم . برای این کار اعزام دارودسته‌های ضدانقلاب به افغانستان باید بکلی قطع گردد . این موضوع باید به وسیله موافقت‌نامه‌های میان افغانستان و همسایگان آن تثبیت گردد . در این مورد تضمینات قابل اطمینانی ضرورت دارد که مداخله مسلحانه جدیدی رخ ندهد . این ، موضع اصولی اتحاد شوروی است و ما بطور ثابت و استواری از این موضع پیروی می‌کنیم !

انقلاب ایران که تبدیل به واقعه بزرگی در حیات بین‌المللی سال‌های اخیر گردید جنبه خاصی دارد . با تمام پیچیدگی و تناقضات ، این انقلاب در اساس خود ضد امپریالیستی است گرچه ارتجاع داخلی و خارجی درصدد

☆ موارد خاصی وجود دارد که دوستان احتیاج به کمک فوری دارند این موضوع در مورد ویتنام که در سال ۱۹۷۹ قربانی تجاوز وحشیانه پکن شد صدق می‌کند . اتحاد شوروی و سایر کشورهای عضو جامعه ممالک سوسیالیستی بطور فوری مواد غذایی و دارو و مصالح ساختمانی به ویتنام فرستادند و وسایل فنی تحویل آن دادند . این موضوع در مورد کامبوجیا که به وسیله دست - نشاندگان پکن - دارودسته پول پوت بکلی ویران گردید نیز صدق می‌کند .

در آنجایی که به سیاست تخریبی امپریالیسم اشتباهات و خبط‌های سیاست داخلی افزوده می‌شود ، زمینه‌ای برای تشدید فعالیت عناصر دشمن سوسیالیسم بوجود می‌آید . این وضع در لهستان رخ داد که در آنجا مبنای دولت سوسیالیستی در معرض خطر قرار گرفت . ما کشور برادرمان لهستان را در مصیبت تنها نمی‌گذاریم و نخواهیم گذاشت که مورد آزار قرارگیرد .

مبارزه انقلابی ملت‌ها قریب افتخار پیروزی‌های جدید گردید . گواه این امر انقلاب‌های اتیوپی ، افغانستان ، نیکاراگوئه ، سرنگونی رژیم ضدملی سلطنتی در ایران است . در سال‌های ۷۰ انحلال امپراتورهای استعماری عملا به انجام رسید .

ل. برژنف خاطر نشان ساخت که اتحاد شوروی با مبارزه جمهوری دموکراتیک خلق کره ، بخاطر وحدت صلح‌آمیز و دموکراتیک میهن ، بدون مداخله از خارج ابراز همبستگی می‌نماید و درصدد عمیق‌تر کردن و غنی‌تر ساختن روابط خود با این کشور است .

درباره چین باید بطور اخص صحبت کرد . تجربه سیر تکامل اجتماعی و اقتصادی در جمهوری توده‌ای چین طرف بیست سال اخیر درس سختی است از اینکه تحریف اصول سوسیالیسم و ماهیت آن چه در سیاست داخلی و چه در سیاست بین‌المللی چه نتایجی بیار می‌آورد .

خود رهبران فعلی چین نظام خود را در دوره به اصطلاح انقلاب فرهنگی "خشن‌ترین دیکتاتوری فتوئدالی فاشیستی" می‌نامند . ما چیزی نداریم که به این ارزیابی اضافه کنیم .

اکنون در سیاست داخلی چین تغییراتی بوقوع می‌پیوندد . مفهوم واقعی این تغییرات را گذشت زمان نشان خواهد داد . گذشت زمان نشان خواهد داد که دستگاه رهبری فعلی چین تا چه حد موفق خواهد شد میراث مائوئیستی را برطرف نماید ولی حالا متاسفانه نمی‌توان حرفی درباره تغییر سیاست خارجی پکن در جهت بهتر زد . سیاست خارجی پکن کماکان متوجه حادثه‌تر کردن اوضاع و احوال بین‌المللی می‌باشد و با سیاست امپریالیسم هم‌طراز می‌شود . این وضع البته چین را به راه‌سالم ترقی و پیشرفت باز نخواهد گرداند امپریالیست‌ها دوست سوسیالیسم نخواهند شد .

درین آمادگی ایالات متحده آمریکا و زاپن و یک سلسله کشورهای عضو ناتو دایر بر توسعه دادن روابط نظامی و سیاسی با چین حساب

بقیه از صفحه ۱۰

مردم ایران

جدیدتر دریایی و هوایی و نیروهای نظامی و تسلیحات ما پیشنهاد می‌کنیم که در این منطقه با انعقاد موافقت‌نامه بین‌المللی خطر وقوع جنگ برطرف گردد. با مساعی مشترک و با در نظرگیری منافع قانونی کلیه طرف‌ها، می‌توان در این منطقه محیط ثبات و آرامش بوجود آورد می‌توان حقوق حاکمیت کشورهای این منطقه و امنیت راه‌های دیگری را که بقیه دنیا را به آن مربوط می‌سازند تضمین نمود. این است مفهوم پیشنهاداتی که اخیراً اتحاد شوروی مطرح نمود. این ابتکار با پشتیبانی وسیعی در تمام دنیا منجمله از جانب یک سلسله کشورهای حوزه خلیج فارس روبرو شد.

آنگاه ناطق اظهار داشت که نهضت کمونیستی همچنان در حال تقویت بوده است. اکنون کمونیست‌ها در ۹۴ کشور جهان فعالیت‌مجددانه‌ای دارند. حزب کمونیست اتحاد شوروی با اکثریت مناسبی خوبی دارد.

لئونید برژنف سیاست اقتصادی حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوران سوسیالیسم توسعه یافته را مورد تحلیل عمیق و میسوط قرار داد و اظهار داشت: طی دهسال اخیر محصول کلی اجتماعی ۱۶۷ درصد، درآمد ملی که برای مصرف و اندوخته‌ها مورد استفاده قرار گرفته ۱۵۵ درصد، محصول صنعتی ۱۷۸ درصد، محصول کشاورزی (تولید متوسط سالانه) ۱۲۳ درصد افزایش یافت. بازدهی کار تقریباً یک‌بارونیم رشد کرد. برنامه گسترده ارتقاء رفاه و بهزیستی مردم اجراء شد. تولید کالاهای مصرفی در عرض سال‌های دهه هفتاد نسبت به دهساله گذشته حدود دوبرابر افزایش یافت. لئونید برژنف در همین حال به نارسایی‌ها و مسائل حل نشده نیز عطف توجه نمود.

رهبر شوروی خاطر نشان ساخت که سخن برسر تدوین چنان اسلوبی از کار است که در آن احساس مسئولیت اجرایی و انضباطی به نحوی لاینفک با ابتکار عمل شجاعانه و کارآیی توأم بشود. کارآمدی و کاربری با پیشروی به سوی اهداف بزرگ توأم گردد. برخورد منقدانه نسبت به نارسایی‌ها با ایمان خلل‌ناپذیر به برتری‌های تاریخی راهی که ما برگزیده‌ایم.

در بحث و مذاکره پیرامون طرح کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی "جهت اساسی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ و برای دوران تا سال ۱۹۹۰" بیش از ۱۲۱ میلیون نفر افراد شوروی شرکت کردند. وظیفه عمده پنجساله جدید - تأمین رفاه بیشتر مردم شوروی است. در برنامه جدید یازدهمین برنامه پنجساله پیش‌بینی شده است که درآمد ملی ۱۸ تا ۲۰ درصد، محصول صنعتی ۲۶ تا ۲۸ و محصول کشاورزی ۱۲ تا ۱۴ درصد افزایش یابد.

توسعه صنایع سنگین و در نوبه اول بخش‌های تولید کننده مواد سوخت - انرژی و تشدید آهنگ رشد اقتصاد حائز اهمیت خاصی می‌باشد. لئونید برژنف به تفصیل روی طرق استفاده کامل‌تر و بهره‌تر از پتانسیل تولیدی، سرعت بخشیدن به پیشرفت علمی - فنی بالا بردن سطح رهبری بر اقتصاد ملی، برنامه‌ریزی و مدیریت و اعتلای بهزیستی مردم توقف نمود. میزان حداقل حقوق بازنشستگی و حقوق و دستمزد افزایش خواهد یافت. در برنامه پنج

ساله جدید حد متوسط حقوق ماهانه ۱۳ - ۱۶ درصد و درآمد اعضای تعاونی‌های کشاورزی ۲۰ الی ۲۲ درصد بالا خواهد رفت. برنامه مخصوصی برای ارتقاء و خواربار تنظیم خواهد شد که منای آن بر اعتلای بیشتر تولید کشاورزی استوار خواهد بود. گرچه اساس اقتصاد روستایی سوسیالیستی را کالخوزها و ساوخوزها تشکیل داده و می‌دهند ولی نباید نسبت به امکانات اقتصاد روستایی جنبی شخصی بی‌اعتناء بود. لئونید برژنف خاطر نشان کرد که مراقبت کامل از انسان مشخص و حواج و نیازمندی‌های آن هدف اول و آخر سیاست اقتصادی حزب می‌باشد.

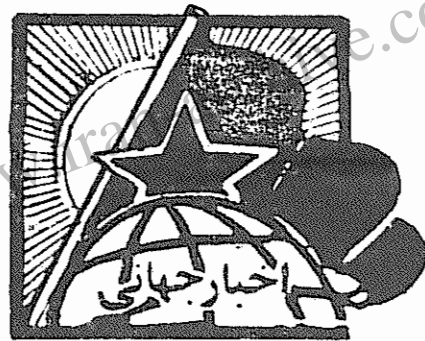
لئونید برژنف توسعه ساختار اجتماعی - طبقاتی و ملی جامعه شوروی، تکامل شیوه زندگی سوسیالیستی دولت و دموکراسی را مورد تحلیل عمیق و گسترده قرار داد در سال‌های دهه هفتاد نزدیکی تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه شوروی ادامه یافت. نقش طبقه کارگر که دوسوم شهروندان شاغل را تشکیل می‌دهد ترقی کرد، کار دهقانان به تدریج به کار کارگران نزدیک می‌شود و سریع‌تر از همه، شمار روشنفکران در دوره‌ای که گزارش آن داده می‌شود افزایش یافت. در حال حاضر در اتحاد شوروی از هر چهار نفری که کار می‌کنند یک نفر بطور کلی با کار ذهنی در ارتباط می‌باشد. به سیاست دموگرافی و مراقبت از خانواده و قبل از همه زنان توجه جدی معطوف می‌گردد. دوستی

برادرانه تمام خلق‌های اتحاد شوروی لاینقطع تحکیم می‌یابد.

لئونید برژنف روی مسائل پیشرفت آموزش ملی، بهداشت، تربیت بدنی و ورزش ادبیات و هنر توقف نمود. یکی از وظایف مهم سیاست اجتماعی حزب، شکل‌گیری شخصیت فعال و دارای هدف می‌باشد. تصویب قانون اساسی جدید به معنای توسعه بیشتر سیستم سیاسی شوروی، ارتقاء نقش شوراهای نمایندگان خلق و سازمان‌های اجتماعی بود. حزب و دولت حتی یک روز هم مسائل مربوط به تقویت قدرت دفاعی کشور و نیروهای مسلح آن را از نظر دور نداشتند. پیشتر مردم شوروی حزب کمونیست اتحاد شوروی است که نقش آن در زندگی جامعه شوروی فزونی می‌یابد. طی پنج سال شمار اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی ۱/۸ میلیون نفر افزایش یافت و به قریب ۱۷/۵ میلیون کمونیست رسید.

لئونید برژنف به تفصیل روی مسائل تکامل شیوه‌های رهبری حزبی، امور داخلی حزب، پیوند حزب با توده‌ها، کار ایدئولوژیک و سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیشرفت خلاق تئوری مارکسیستی - لنینیستی مکتب نمود و پیشنهاد کرد که در برنامه فعلی حزب کمونیست اتحاد شوروی تغییرات و اصلاحات لازم داده شود.

لئونید برژنف در پایان اظهار داشت که مردم شوروی با اطمینان به فردا می‌نگرند.



● حزب انقلابی خلق مغولستان در تاریخ دهم اسفند ماه شصتیمین سالگرد تاسیس خود را جشن گرفت. بیستم تیرماه سال آینده نیز جشن شصتیمین سالگرد انقلاب مغولستان است.

● ببرک کارمل رهبر افغانستان با برژنف دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار دسیسه‌های امپریالیسم و ارتجاع در منطقه از طرف رهبران دو کشور محکوم گردید.

● اتحادیه معلمان السالوادور طی بیاسی‌های خاطر نشان ساخت که در هفته‌های اخیر ۸۰ تن از کارکنان آموزش و پرورش این کشور به وسیله پلیس مخفی کشته شده‌اند.

● آمریکا همچنان در حال افزایش کمک‌های نظامی خود به رژیم نظامی السالوادور می‌باشد. - هزاران نفر در فرانسه و ایتالیا علیه مداخله نظامی آمریکا در السالوادور دست به تظاهرات زدند.

● دهها هزار نفر مردم آلمان در تظاهرات گسترده‌ای نسبت به احداث نیروگاه اتمی در آلمان غربی اعتراض کردند.

● در سال جاری میزان محصولات کشاورزی در کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی به میزان ۳۰٪ افزایش یافت.

● با افزایش تعداد سیکاران در انگلستان رقم سیکاران این کشور به ۲/۵ میلیون نفر رسید.

● مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلستان پیشنهاد کرد که سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلستان با تشکیل نیروی دریایی سه‌گانه از "امنیت" منطقه خلیج فارس دفاع کنند! همس پیشنهاد در زمینه تشکیل "نیروهای واکنش سریع" مشترک انگلستان و آمریکا مطرح شده است.

● دولت‌های لیبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن طی اعلامیه مشترکی مانورهای مشترک آمریکا و عمان را در عمان محکوم ساختند.

● کوبا و سوریه با انعقاد موافقت‌نامه‌ای همکاری‌های خود را گسترش می‌دهند.

● ۸ اسفند (۲۷ فوریه) مصادف بود با پنجمین سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک خلق صحرا. رزمندگان پولیساریو به این مناسبت نبرد خود با اشغالگران مراکشی را تشدید کرده‌اند. طی روزهای اخیر در تهاجم گسترده رزمندگان پولیساریو ۱۷۴ سرباز مراکشی کشته، مقادیر معتدبه‌ای تجهیزات نظامی مراکش منهدم شده و شهر حفانیه در شمال شرقی پایتخت به تصرف رزمندگان درآمد.

● وکلای مصری به نشانه اعتراض در سالروز بازگشایی سفارت اسرائیل در مصر پرچم‌های اسرائیل را به آتش کشیدند.

● رئیس هیئت نمایندگان ساندینیست‌ها در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام کرد سفارت آمریکا و سازمان سیا مرتباً علیه انقلاب نیکاراگوئه توطئه می‌کنند.

چگونه می‌توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟ (قسمت پنجم)

سرمایه امپریالیستی با تکیه بر وابستگی روزافزون تکنولوژیکی صنایع وابسته و نیاز آنها به قطعات، لوازم و تجهیزات نه تنها کنترل خود را بر صنایع اعمال می‌کند، بلکه از این راه بخش قابل توجهی (و در مواردی بسیار به مراتب بیشتر از آنچه رسماً و متعارفاً به عنوان سود سهم - بدست می‌آورد) به شبکه انحصاری خود سرازیر می‌کند. باز هم نکته‌های دیگر و آن این که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌های امپریالیستی در صنایع اقتصادهای وابسته تماماً در بخش‌های انحصاری و حساس است. بدین ترتیب این سرمایه‌ها از طریق اعمال کنترل انحصاری بر بازار قدرتی به مراتب بیش از آنچه میزان سرمایه آنها نشان می‌دهد در دست دارند.

با توجه به نکات فوق به بررسی صنعت اتوموبیل سازی ایران به عنوان نمونه‌ای از صنعت وابسته در ایران می‌پردازیم. هرچند به علت ویژگی‌های صنایع مختلف آنچه در مورد صنعت اتوموبیل سازی در ایران در زیر خواهیم دید، الزاماً بی‌کم و کاست در مورد تمامی صنایع وابسته صادق نیست اما می‌توان گفت که اساس رابطه تمامی صنایع وابسته با انحصارات امپریالیستی همان است که در این مورد نشان داده شده است.

صنعت اتوموبیل سازی:

نمونه‌ای از صنعت وابسته

در سال ۱۳۳۸ شرکت سهامی جیب ایران با کسب اجازه ساخت (لیسانس) از شرکت کایزر آمریکا (اکنون وابسته به شرکت امریکن موتورز) شروع به مونتاژ جیب در ایران کرد. این نخستین واحد مونتاژ اتوموبیل در ایران بود. در ابتدا این شرکت روزی یک دستگاه جیب که ۹۰ درصد عملیات ساخت آن در خارج انجام شده بود تولید می‌کرد. این شرکت که با سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران وابسته برپا شده بود به تدریج تولیدات خود را متنوع ساخت و قراردادی نیز با شرکت امریکن موتورز برای تولید "آریا" و "شاهین" منعقد کرد.

در سال ۱۳۴۹ شرکت مرتب با کسب اجازه ساخت از شرکت "روور" انگلیسی مونتاژ جیب لندروور را شروع کرد. اولین اتوموبیل سواری مونتاژ، ایران فیات ۱۱۰۰ بود که با استفاده از حمایت گمرکی دولت وابسته‌شاه بازار اتوموبیل ایران را قرقگاه اختصاصی خود یافت. اما این بازار پرسودی بود که انحصارات امپریالیستی رقیب فیات ایتالیا نیز بدان چشم طمع داشتند. نخست آریا و شاهین و سپس در سال ۱۳۴۶ پیکان به وسیله کارخانه ایران ناسیونال به بازار ایران عرضه شد. ایران ناسیونال که با پیوند سرمایه‌داران وابسته‌ای چون "خیامی‌ها" و دیگر سرمایه‌داران وابسته به دربار با شرکت هیلمن انگلیسی که خود شرکت تابع شرکت کرایسلر آمریکا است در سال ۱۳۵۷ متجاوز از هشتاد هزار دستگاه اتوموبیل به بازار ایران روانه کرد.

ادامه دارد

میلیون ریال رسید، در سال ۱۳۴۸ به ۳۲۶۴ میلیون ریال رسیده بود. افزایش درآمد نفت در سال ۱۳۵۳ که رونقی پرشتاب و نرخ‌های سود کلانی را در اقتصاد ایران سبب شد باعث تشدید جریان سرمایه‌های امپریالیستی به ایران شد تا بدانجا که در سال ۱۳۵۶ جریان سرمایه‌های خارجی به ایران به ۶۳۴۸ ریال رسید (۴۰ برابر رقم سال ۱۳۳۹). از مجموع سرمایه‌های خارجی در ایران در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۶، ۹۶ درصد آن در بین سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ به ایران جریان یافت. بزرگترین رقم سرمایه‌گذاری خارجی در این سال‌ها متعلق به شرکت‌های امریکایی بوده است (۳۰ درصد). دیگر سرمایه‌های امپریالیستی که به ایران جریان یافته بود عمدتاً انگلیسی، آلمانی، ژاپنی و فرانسوی بوده است. حائز توجه است که بخش قابل توجهی از این سرمایه‌ها نیز در اساس اروپایی یا ژاپنی تابع شرکت‌های امریکایی به ایران جریان یافته است.

سرمایه‌گذاری انحصارات امپریالیستی تماماً در زمینه‌هایی است که تولید انحصاری در آنها میسر است. این انحصارات صنایع لاستیک، داروسازی و شیمیایی، الکترونیک و الکترونیک فلزی، وسائط نقلیه و رشته‌های خاص از صنایع پوشاک و کفش‌سازی و غذایی و مواد ساختمانی را در دست گرفته‌اند.

در اینجا باید به چند نکته توجه کنیم. این اشتباه است اگر نفوذ سرمایه امپریالیستی را صرفاً به میزان سرمایه‌های امپریالیستی که در اقتصاد ایران به کار انداخته شده است محدود دانیم. همانطور که در بحث‌های پیشین گفتیم اقتصادهای وابسته با پیوندهای گسترده و عمیقی تحت تابعیت انحصارات امپریالیستی و نیازها و الزامات رشد سرمایه‌داری انحصاری مراکز امپریالیستی قرار می‌گیرند. یکی از حلقه‌های مهم، تابعیت و وابستگی اقتصادهای زیرسلطه صنایع وابسته در این کشورها است. سرمایه‌گذاری که در این صنایع می‌شود فراهم آورنده زمینه رشد وابستگی است. ما به جنبه‌های دیگر این پیوندها نیز خواهیم پرداخت. در اقتصاد ایران بطور مشخص به مساله نفت، تجارت، کشاورزی و بانکداری توجه خواهیم کرد تا ببینیم این پیوندها چگونه رشد یافته‌اند و چگونه می‌توان برای قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم در راه قطع این پیوندها گام نهاد. علاوه بر این باید بدین نکته توجه کنیم که همانطور که در شماره پیشین اشاره شد، مقدار سرمایه‌های امپریالیستی که در اقتصادهای وابسته سرمایه‌گذاری می‌شود به تنهایی نشانگر میزان کنترل سرمایه امپریالیستی بر صنایع وابسته و نیز مقدار ارزش اضافی که از این طریق به شبکه انحصارات امپریالیستی جریان می‌یابد، نیست.

● در شماره‌های پیشین به بررسی مفهوم وابستگی در جوامع زیر سلطه پرداختیم و نشان دادیم که چگونه امپریالیسم بر اقتصادهای زیر سلطه تقسیم کار جهانی را تحمیل کرده است که در جهت تأمین نیازهای سرمایه‌های امپریالیستی انحصارات جهانی است. همچنین به ویژگی‌های عملکرد امپریالیسم در اقتصادهای زیر سلطه در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم پرداختیم و دیدیم که چگونه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بیش از پیش به صدور سرمایه تولیدی به این کشورها روی آورده است و گفتیم که این ویژگی امپریالیسم در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم باعث رشد صنعت وابسته و سلب مالکیت و وسایل معاش از دهقانان فقیر، پیشه‌وران و صنعتگران، مهاجرت سیل‌آسای روستائیان به شهرهای بزرگی که مرکز فعالیت سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته هستند، ویرانی کشاورزی و تشدید روزافزون فقر توده‌های محروم و زحمتکش می‌شود. علاوه بر آن گفتیم از آنجا که برپایی صنایع وابسته (و بطور کلی رشد سرمایه‌داری وابسته) نه در جهت تأمین نیازهای اقتصاد ملی، که تأمین کننده نیازهای رشد انحصارات امپریالیستی است، این پروسه باعث تشدید فزاینده وابستگی و تعمیق و گسترش گسیختگی اقتصادی میان بخش‌های مختلف اقتصادهای وابسته می‌شود.

با این مقدمه به بررسی صنعت وابسته در ایران می‌پردازیم:

صنعت وابسته در ایران

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد جریان سرمایه‌های خارجی به ایران به سرعت از سر گرفته شد و رو به افزایش نهاد. بانک‌هایی با سرمایه‌های مختلط ایرانی - خارجی برای تسهیل رشد سرمایه‌داری وابسته ایران برپا شد. قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در ۷ آذر ۱۳۴۴ به تصویب رسید.

اصلاحات ارضی و دیگر اقداماتی که در سال ۱۳۴۱ آغاز شد سیاست‌هایی بود برای استقرار سرمایه‌داری وابسته ایران که زمینه آن از سال ۱۳۳۲ آماده شده بود. تولید و صادرات نفت خام که یکسره رو به افزایش بود، از یک سوی نیازهای اقتصادهای امپریالیستی و منافع شرکت‌های انحصاری نفتی را تأمین می‌کرد و از سوی دیگر، درآمد لازم برای اعمال سیاست‌ها و تأمین اعتبارات برای رشد سرمایه‌داری وابسته را در اختیار دولت وابسته شاه قرار می‌داد. جریان سرمایه‌های امپریالیستی به ایران که از طریق "مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی" به ایران وارد شد در سال ۱۳۳۹ تنها ۱۴۹ میلیون ریال بود و در سال ۱۳۴۱ به ۴۵۹

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

در سفر اخیر نخست وزیر به گنبد روستائیان زحمتکش ترکمن صحرا گفتند:

«آقای رجائی ما خواهان اجرای بند (ج) هستیم»

روستائی و اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین در محل پاسدارخانه گنبد ملاقات نمود. ابتدا یکی از روحانیون عضو شورا خوشامد گفت و سپس یکی از زحمتکشان سیستانی اظهار داشت:

آقای رجائی، ما خواهان رسمیت یافتن شوراها و اجرای بند "ج" هستیم. چون در غیر این صورت توطئه و جنگ و درگیری در منطقه هیچوقت پایان نمی‌گیرد. فتوادل‌ها که منافعشان را از دست داده‌اند می‌توانند حرفشان را به مقامات بالا برسانند و می‌خواهند آنچه را که از دست داده‌اند، دوباره به دست بیاورند. اما ما مستضعفین چه کنیم؟ چه کسی به داد ما می‌رسد؟ فقط مرکز شوراها و جهاد سازندگی و هیئت ۷ نفره هستند که از ما، از شورا حمایت می‌کنند اما دیگران می‌گویند شورا نباید باشد. شورا بی‌شورا.

ملاقات با اعضای شوراها و هیئت‌های هفت نفره ساعت ۲۳ بهمن ماه ۵۹ آقای نخست‌وزیر با ۳۵ تن از نمایندگان شوراها...

بند "ج" صحبتی نکرده و تنها اظهار داشتند که: ما وعده‌هایی به شما دادیم که به نظر کوتاهی کردیم. من اعتراف می‌کنم که شما در این منطقه با مشکلات زیادی مواجه هستید که دولت نتوانسته در رفع آن برای شما کاری انجام دهد. نخست‌وزیر در قسمت دیگری از سخنانش اظهار داشت:

من از برادر نوروزی خیلی چیزها آموختم. من و او در مجلس کنار هم می‌نشیم و باهم درباره مسائل، بخصوص این منطقه مشورت می‌کنیم. که این اظهارات نخست‌وزیر باعث تعجب و اعتراض روستائیان زحمتکش حاضر گردید.

ملاقات با اعضای شوراها و هیئت‌های هفت نفره

ساعت ۲۳ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه ۵۹ آقای نخست‌وزیر با ۳۵ تن از نمایندگان شوراها...

آقای نخست‌وزیر ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۲۲ بهمن در محوطه کارخانه پنبه‌پاک‌کنی گنبد برای مرده شهر سخنرانی نمود. ابتدا نوروزی نماینده گنبد (و در حقیقت نماینده فتوادل‌های منطقه) در مجلس شورای اسلامی پشت تریبون رفت و ضمن خوشامدگویی به نخست وزیر اظهار داشت:

من به اطلاع برادر رجائی می‌رسانم که بحران منطقه زمین است که باید به این مسئله هرچه زودتر رسیدگی شود. باید حدود مالکیت معلوم شده و امنیت مالکیت ایجاد گردد و همچنین جلوی کسانی که به زمین‌های صنعتی و مکانیزه تجاوز می‌کنند گرفته شود...

آنگاه نخست‌وزیر سخنان خود را در مورد انقلاب و لزوم وحدت و عدم جدائی بین شیعه و سنی آغاز کرد. ایشان در سخنان خود برخلاف انتظار مردم از مسئله زمین و اصلاحات ارضی

آقای محمدعلی رجائی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران در روزهای ۲۲ و ۲۳ بهمن طی سفری به ترکمن صحرا به تماشای و گفتگو با مردم، نمایندگان آنها و مسئولین ارگان‌های دولتی در منطقه پرداخته و در شهرهای گنبد و بندر ترکمن برای مردم سخنرانی نمود. هرچند تدارکات امنیتی وسیع و بی‌مورد شورای تأمین شهر گنبد که...

سنگربندی مراکز مهم شهر توأم بود و برنامه تشریفاتی به سبک طاغوت آقای فرماندار که چندان هم موفق نبود، تا حدودی بین نخست‌وزیر و مردم فاصله انداخت، اما در کل ایشان سعی داشتند که بیشتر با توده‌های مردم تماس داشته باشند. فتوادل‌های منطقه با حمایت بعضی عناصر دولتی و روحانیون مرتجع که از مدتها قبل برنامه‌ریزی کرده بودند سعی کردند که به عنوان نمایندگان (!!) مردم منطقه خواست‌های غارتگرانه خود را پیش نخست‌وزیر مطرح سازند که در چند مورد موفق هم شدند. منجمله هیئتی مرکب از فتوادل‌های معروف منطقه مانند موحداعتصامی و روحانیون طرفدار آنان چون عطاجان آخوندقوجقی، خداوردی قاری، شیرمحمد آخوند شکاری و قلیچ‌خان آخوند رحمانپور که از وابستگان به رژیم منفور گذشته و رهبران چماق به‌دستان فاجعه ۲۰ بهمن ۵۷ گنبد نیز می‌باشند، ملاقاتی با نخست‌وزیر داشتند که در آن عطاجان آخوند ضمن صحبت‌هایش به نهادهای انقلابی مثل جهاد و مرکز شوراها حمله کرده و آنها را "منحرف" و "کمونیست" نامید. او گفت: چه لزومی دارد زمانی که روحانیون انقلابی چون عمادی، امام جمعه گنبد، رحمانپور و قاری داریم، برای قضاوت، حاکم شرع از گرگان بیاید؟ (که منظور حجت‌الاسلام نورمفیدی بود) وی همچنین به شوراها دهقانی حمله کرده و دادن وام از طرف دولت به شوراها را عملی نادرست خواند و خواستار آن شد که بانک کشاورزی در اختیار آنان قرار گیرد. آقای رجائی در جواب گفت:

من انتظار نداشتم چنین حرف‌هایی را بشنوم. خیال می‌کردم می‌خواهید از مسائل روز، از انقلاب و پیروزی‌های آن صحبت کنید.

دولت باید هرچه زودتر به خواست‌های روستائیان منطقه لرستان رسیدگی کند

ولی متأسفانه نا به امروز از طرف دولت در این زمینه اقدامی به عمل نیامده است. با توجه به مشکلات و مسائل فوق دولت باید:

- ۱- با در اختیار قرار دادن روغن و گازوئیل، کود و بذر و... دهقانان را در جهت افزایش تولید یاری رساند.
- ۲- با سهمیه‌بندی دقیق علوفه بر مبنای تعداد دام‌ها و قرار دادن آن در اختیار شوراها و روستائیان از افزایش بی‌رویه قیمت علوفه جلوگیری به عمل آورد.
- ۳- تأمین کود و بذر مورد نیاز کشت گندم در زمین‌هایی که قبلاً به کشت خشخاش اختصاص یافته بود (طبق توافق قبلی دولت با زارعین) تا هم زمین‌های مزبور به زیر کشت روند و هم از درگیری و ناراضی روستائیان جلوگیری به عمل

در این زمینه دولت باید برای تهیه آذوقه دام‌ها اقدامات لازم را به عمل آورد مسئله کشت خشخاش، مسئله خاص بخشی از دهقانان خرم‌آباد است. می‌دانیم که در سال گذشته دولت زمین‌هایی را که در آن خشخاش کشت شده بود، درو کرد و از کشت مجدد آن جلوگیری به عمل آورد. در منطقه چگنی خرم‌آباد تعداد زیادی از روستائیان در سال گذشته به کشت خشخاش اشتغال داشته و بر اثر تصمیم دولت، برخورد‌هایی نیز بین دهقانان و ارگان‌های حکومتی به وجود آمد و روستائیان مقاومت‌هایی نیز به عمل آوردند و بالاخره قرار بر این شد که در عوض کشت خشخاش دولت بذر و کود مورد نیاز را در اختیار آنان قرار دهد تا روستائیان به کشت گندم و جو بپردازند

روستائیان منطقه لرستان اکنون بخاطر کمبود روغن و گازوئیل و تراکتور از یک طرف و مسئله بذر و کود شیمیائی از طرف دیگر در مضیقه قرار دارند. با توجه به اینکه امر کشت در پیش است و اگر روستائیان نتوانند بذرهایشان را در دل زمین بکارند، باران و برف این مهلت را از آنان خواهد گرفت، برعهده مسئولین دولتی است که با فراهم نمودن امکانات فوق این خواست‌های بحق دهقانان را برطرف سازند. از مشکلات دیگر روستائیان منطقه کمبود آذوقه دام‌هاست. با توجه به مقدار جو دریافتی (به ازاء هر گوسفند ۵ کیلو) و همچنین عدم توزیع عادلانه آن، کشاورزان مجبورند آن را به دو برابر قیمت از کاروانسراها خریداری کنند

مخصوصاً ژاندارمری هنوز هم مثل سابق است. رشوه می‌گیرد و با فتوادل‌ها همکاری می‌کند.

آقای رجائی! به ما بگو اگر ما انقلاب کردیم، حقمان را می‌خواهیم، اگر فتوادل‌ها انقلاب کردند یگوئید ما برویم دنبال کارمان. همه از مستضعفان صحبت می‌کنید ولی در عرض این دو سال به ما چه داده‌اید؟

آنگاه یکی از زحمتکشان ترکمن اظهار داشت: آقای رجائی! ما شوراها در زمین‌هایی به وسعت نزدیک به ۳ هزار هکتار، بدون داشتن سوخت و وسائل کشاورزی کار می‌کنیم! کسی نیست که به داد ما برسد و کمبودهای ما را بدهد. اگر هم چیزی بدهند، با تاخیر زیاد و حرف‌های نیش‌دار همراه است. چون ادارات همان ادارات سابق است. وی افزود:

من برای زمین کوه‌رنگی (یکی از فتوادل‌های منطقه) به مجلس نیز رفتم که به من جواب مساعد ندادند و سخنان نوروزی را هم که نماینده واقعی ما نیست، شنیده‌ایم (که با تأیید حاضران روبرو شد). نخست‌وزیر در پاسخ اظهار داشت:

من زحمت‌ها و رنج‌های شما را حس می‌کنم و از شما می‌خواهم استقامت داشته باشید و صبر کنید. تمام مشکلات یکی پس از دیگری حل خواهد شد. مسئله زمین خیلی مشکل است. من در یک کمیسیون هیئت ۷ نفره شرکت کرده و با حجت‌الاسلام هرنیدی نیز در این مورد صحبت کرده‌ام. تمام سخنان و مشکلاتتان را به مجلس و نزد امام می‌برم.

در این سفر آقای رجائی نخست‌وزیر در روستای قوجمز و شهرستان بندر ترکمن نیز سخنرانی داشت که در تمام مدت روستائیان، اعضای شوراها و هیئت هفت‌نفره با حمل پلاکاردهایی نظیر: "ما خواهان حمایت دولت برادر رجائی از اجرای بند ج هستیم" و شعارهایی مثل:

"مرگ بر آمریکا - حامی مستکبران"، "بند ج اجرا باید گردد"، "فتوادل دشمن انقلاب است" - مستضعف یاور انقلاب است" و "مرگ بر فتوادل" خواست اصلی خود را به گوش رئیس دولت رساندند.

اخبار شهرستانها

مقابله تجار و بعضی از مقامات استان با

((ستاد ارزاق)) کرمانشاه

● "ستاد ارزاق" کرمانشاه که از چندماه پیش به وجود آمده و در جهت تامین مواد غذایی برای جنگزدگان غرب کشور اقدامات موثری انجام داده است، در برابر توطئه‌های تجار محلی و بعضی از مقامات استان قرار گرفته است. این ستاد که به وسیله نیروهای مردمی اداره می‌شود برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها و توزیع عادلانه کالا، اجناس مورد نیاز را مستقیماً از تهران خریداری کرده و با کمک کسبه محل توزیع می‌نماید. اخیراً تجار محلی و واسطه‌ها که منافع خود را در خطر می‌بینند با کمک چند تن از مقامات استانداری، دست به اقداماتی زده‌اند تا فعالیت این ستاد را محدود کنند. براساس این تصمیمات قسمتی از فعالیت ستاد ارزاق به شرکت‌های تجاری پارس و ماد واگذار شده است. همچنین مقرر شده است ۵۰٪ سود حاصله از فروش اجناس به شرکت‌های مزبور، ۳۰٪ به کسبه و ۲۰٪ به ستاد ارزاق تعلق گیرد. در حالیکه در ماه‌های گذشته ستاد ارزاق اجناس را با قیمت عادلانه در اختیار جنگزدگان و زحمتکشان قرار می‌داد و ۷۰٪ از سود بسیاری را که از فروش کالاها به دست می‌آمد کسبه و بقیه را ستاد برداشت می‌کرد. دخالت دادن شرکت‌های تجاری پارس و ماد در تهیه و توزیع ارزاق و اختصاص دادن ۵۰٪ سود به آنها نتیجه‌ای جز بالا رفتن قیمت‌ها و اختلال در کار کمک رسانی به جنگزدگان و مردم محلی ندارد. فرماندار کرمانشاه که از این طرح پشتیبانی می‌کند و مانع فعالیت و گسترش ستاد ارزاق است، باید در برابر ده‌ها هزار جنگزده و مردم محروم منطقه پاسخگو باشد. مسئولان ستاد ارزاق که حامی جنگزدگان و زحمتکشان هستند، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی (ملی کردن تجارت خارجی) را تنها راه برای مقابله با اقدامات سودجویانه و چپاولگرانه سرمایه‌داران و حامیان آنان می‌دانند.

کارکنان پالایشگاه آبادان حماسه می‌آفرینند

● آبادان و بخش شرقی خونین‌شهر: کارکنان قهرمان پالایشگاه آبادان، این دژ استوار پایداری در برابر دشمن متجاوز، سرسختانه به

مبارزه ادامه می‌دهند. آنان نزدیک به ۶ ماه است که ضمن حضور فعال در جبهه‌های جنگ و رویارویی با متجاوزین به فعالیت‌های تدارکاتی و کمک‌رسانی به نیروهای رزمنده در جبهه‌های آبادان و بخش شرقی خونین شهر مشغول هستند. سنگ‌سازی، نقل و انتقال نیرو و مهمات به جبهه‌های نبرد، جاده سازی، آب‌رسانی و برق رسانی از جمله اقدامات این رزمندگان است. هم‌اکنون بیش از ۹۰ نفر از کارکنان پالایشگاه به همراه افراد جهاد سازندگی در قسمت قالب‌سازی شرکت نفت مشغول ساختن سنگ‌های بتونی برای جبهه‌های نبرد هستند. همچنین گروهی از کارکنان حمل و نقل با استفاده از وسایل و امکانات شرکت نفت، آذوقه، دارو و مهمات به جبهه‌ها می‌رسانند بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان کارگاه مرکزی در کار تعمیرات تلمبه، تراشکاری و جوشکاری و نیز تعمیر خودروهای ارتشی و وسایل جنگی فعالیت می‌کنند. تعدادی از کارکنان نیز در قسمت تعمیرات آب و برق و تلمبه، اطفاء حریق، رساندن آب و برق به بیمارستان‌ها و منازل و... مشغول انجام وظیفه‌اند. گروهی از کارکنان تحت پوشش شرکت نفت نیز در کارهای جاده‌سازی، امداد و کمک رسانی فعالانه کوشش می‌کنند. درودهای ما را، به کارکنان قهرمان صنعت نفت و همه رزمندگانی که زیر رگبار گلوله و خمپاره دشمن حماسه می‌آفرینند و از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند.

نایبگیری و عقب نشینی در برابر فئودال‌ها

فاجعه می‌آفرینند

● بجنورد: عدم اجرای بند ج اصلاحات ارضی که به زیان انقلاب و زحمتکشان روستایی است، توطئه‌های فئودال‌ها و زمینداران بزرگ را افزایش داده و آنان را "هارتر" کرده است. در طول چند ماه گذشته خبرهایی داشته‌ایم که نشان می‌دهد فئودال‌ها که بر اثر اصلاحات ارضی و اجرای بند ج متواری شده بودند، پس از متوقف شدن بند ج جان تازه‌ای گرفته‌اند. این خائنین کار را به جائسی رسانده‌اند که توطئه قتل دهقانان مبارز و غصب مجدد زمین‌های آنان را تدارک می‌بینند. قتل ناجوانمردانه دو تن از اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین در بیجار، ترور یکی از اعضای شورای واگذاری زمین در منطقه ساوجبلاغ و بالاخره حلق - آویز کردن "اسداله مکرمی" نماینده دهقانان مبارز روستای شیرآباد بجنورد و... از جمله اعمال ضد انقلابی فئودال‌هاست.

خبرهای کوتاه

● بسیج مستضعفین که در کرد غرب تشکیل و فعالیت‌های خود را آغاز کرده است. در اطلاعیه‌ای از مردم دعوت کرد تا با شرکت در بسیج علیه آمریکا و عراق مبارزه کنند. مردم منطقه قاطعانه از این اقدام پشتیبانی کردند و آمادگی خود را اعلام داشتند.

● دهقانان منطقه تبادکان مشهد با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان محاکمه و مجازات زمینداران بزرگ این منطقه و اجرای بند ج اصلاحات ارضی و تشکیل شورای کشت شده‌اند.

● اوباشان و چماق‌بدستان که با حمایت کمیته باقرآباد و کریمی دادستان انقلاب در روز ۱۹ بهمن به سیاهکل حمله کرده بودند، همچنان به عملیات ضدانقلابی خود در مناطق مختلف گیلان ادامه می‌دهند. مردم سیاهکل و شهرهای مختلف گیلان خواهان دستگیری و مجازات این مزدوران هستند.

● گروه تروریستی "شیت" در کرمانشاه حملات خود را به مدارس گسترش داده است. در ماه گذشته عناصر ضدانقلابی این گروه به "مرکز هماهنگی انجمن‌های اسلامی غرب" نیز حمله کردند که موجب موضع‌گیری این مرکز و مخالفت اکثریت اعضای حزب جمهوری اسلامی کرمانشاه شد. هر روز که می‌گذرد ماهیت خائنانه گروه شیت و وابستگی آن به عمال بیگانه بیشتر مشخص می‌شود.

اخبار کردستان

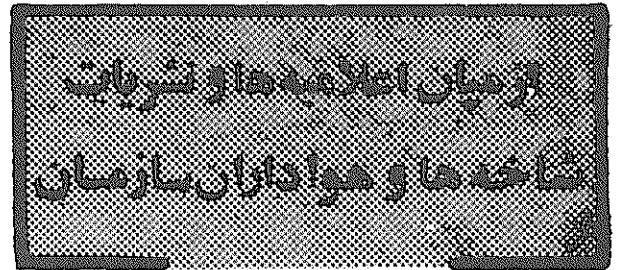
چند خبر به نقل از «کوردستان»

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم)

پیرانشهر: با موافقت دار و دسته قاسملو، عراقی‌ها یک مرکز ارتباطی در قریه قهلاترهش دائر کرده‌اند و این مرکز مرتباً با عراق ارتباط دارد و اخبار و اطلاعات منطقه را وسیله بی‌سیم به فرماندهی خود اطلاع می‌دهد.

مهاباد: اخیراً آمد و شد افسران و کارشناسان عراقی با همراهی و راهنمایی دار و دسته قاسملو به منطقه افزایش یافته است. نقیب‌حکو "حکمت" (سروان حکمت) همراه رائد ابوالسلام (سرگرد ابوسلام) و رائد ابوسیروان (سرگرد ابوسیروان) از روستاهای منطقه سردشت دیدن کرده و به سرکشی درمانگاه جنگی قریه بهیرم در ۲۵ کیلومتری مهاباد پرداخته‌اند. همزمان با این سرکشی قریب ۳۰ نفر افسر و درجه‌دار عراقی به قریه لگین وارد شده و لباس پیشمرگان دار و دسته قاسملو را پوشیده و به فعالیت خرابکارانه و جاسوسی در منطقه مشغولند. لازم به یادآوری است که لگین بین مهاباد و اپدگان پسوه و جلدیان قرار دارد. افراد نظامی عراقی برای راهنمایی و استعمال توپ خمسه‌خمسه وارد کهنه‌ده شده‌اند. یک گروه دیگر عراقی هم به قریه خلیقان در فاصله تقریبی ۲۵ کیلومتری مهاباد رفته تا پیشمرگان قاسملو را آموزش نظامی بدهند.

سردشت: مهندس آریائی عضو باند قاسملو به کمک یاران بعثی‌اش مشغول زدن جاده‌های بین ایران و عراق در منطقه گوره‌شیر، سینی و سونی است تا کمک‌های سخاوتمندانه دار و دسته صدام در شرایط حاد از آنجا وارد منطقه شود.



محرکین و عاملان فاجعه «کاخک» را

محاكمه كنيد

■ هواداران سازمان در خراسان اعلامیه‌ای منتشر کردند و ضمن آن حوادث اخیر شهرستان «کاخک» را که منجر به شهادت و مجروح شدن گروهی از زحمتکش‌ان گردید محکوم کردند. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است:

«ما از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم تا عاملان و محرکان فاجعه و کلیه کسانی را که در این توطئه دست داشته‌اند محاکمه و مجازات کنند. مردم مسبین و محرکین حادثه را می‌شناسند مسئولین باید در کلیه مسائل مربوط به مردم با آنها مشورت نمایند و پیشنهادات آنها را مورد توجه قرار دهند. تجربه‌شان داده است که مردم خود بهترین راه‌حل‌ها را نشان می‌دهند. مقامات استان باید در مورد حفر چاه و هر اقدام دیگری منافع زحمتکش‌ان کاخک را در نظر بگیرند و با آنها به توافق برسند.»

در مقابل توطئه‌های ضد انقلاب هشیار باشیم

■ هواداران سازمان در یزد تراکتی با عنوان «در مقابل توطئه‌های ضدانقلاب هشیار باشیم» را منتشر کردند و در آن هرگونه تشنج و درگیری را در شرایط کنونی محکوم نموده و اعلام داشته‌اند:

«مردم انقلابی شهرمان با حفظ اتحاد ضدامپریالیستی خود هرگونه توطئه ضدانقلابی را خنثی خواهند کرد»

چهلمین روز شهادت

پاسداران و رزمندگان «هویزه» گرامی باد

■ شاخه خوزستان سازمان با انتشار تراکتی به مناسبت چهلمین روز شهادت حماسه‌آفرینان «هویزه» خاطره شهدای خلق را گرامی داشته و نوشته‌اند:

«پیکاری که در آن روز پاسداران، پرسنل انقلابی ارتش، فداییان خلق و دیگر نیروهای مردمی جان‌های عزیزشان را نثار کردند، صحنه درخشان دیگری است از پیکار تاریخ‌ساز خلق ما علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام.»

کارگران انقلابی

همدوش دیگر رزمندگان جبهه‌ها

■ کارگران پیشرو کشت و صنعت کارون اعلامیه‌ای به مناسبت شهادت رفیق فدایی خلق «مرتضی چهارمالیان» و کارگر شهید «محمد سلیمانی» را منتشر کردند، و یاد این دو

شهید را که در جبهه‌های نبرد به شهادت رسیده‌اند گرامی داشتند.

به یاری مردم بشتابیم

■ هواداران سازمان در دزفول دو اعلامیه جداگانه در زمینه کمک‌رسانی به زحمتکش‌ان و متشکل کردن مردم منتشر کردند در این دو اعلامیه بر ضرورت اتحاد نیروهای مترقی و ضدامپریالیست و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام و افشای لیبرال‌ها تاکید شده است. در پایان نیز پیشنهادات و رهنمودهایی جهت اسکان جنگ‌زدگان ارائه شده است.

عوامل ترور معلم کرمانی «علی فدایی» را در پیشگاه مردم معرفی و در حضور آنان محاکمه کنید!

■ هواداران سازمان در کرمان اعلامیه‌ای منتشر کردند و در آن ضمن محکوم کردن ترور «علی فدایی» معلم شهید کرمان خطاب به پاسداران مبارزی که احساس مسئولیت می‌کنند اعلام داشته‌اند:

«در حالی که همه می‌دانند این جنایتکاران از چه منبعی تغذیه و رهبری می‌شوند، در حالی که دستگیری و محاکمه این افراد بسیار ساده است چرا دادگاه انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران کرمان سکوت می‌کنند و در بیانات و اعلامیه‌های رسمی خود هیچ قاطعیتی در مورد این ترور و مسبین آن نشان نمی‌دهند؟ آیا این امر نشانه این نیست که گروهی ضدانقلابی درون سپاه پاسداران رخنه کرده و همدست با دادگاه انقلاب اسلامی کرمان می‌باشند؟»

... ما برای حفظ مصالح انقلاب و برای جلوگیری از عواقب این حرکات انحرافی پیشنهاد می‌کنیم که مردم را به یک گردهمایی فراخوانید و عوامل توطئه و مسبین ترور «علی فدایی» را به پیشگاه مردم معرفی و در حضور آنان محاکمه کنید.»

چرا سهمیه فلزکاران را نمی‌دهید؟

■ هواداران سازمان در مشکین‌شهر اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند. در بخشی از اعلامیه چنین می‌خوانیم:

«... عده‌ای از مسئولین مشکین‌شهر با حیف و میل کردن سهمیه آهن و پروفیل، موجب بیکاری فلزکاران شهر شده‌اند. ما از مسئولین امر می‌خواهیم که در مقابل هرگونه سودجویی و منفعت‌طلبی قاطعانه ایستادگی کنند و عواقب اینگونه اعمال را که خواسته و ناخواسته در خدمت دشمنان انقلاب است مسئولانه درک کنند.»

توطئه‌های ضد انقلاب را

در منطقه مغان افشاء کنیم

■ هواداران سازمان در «مغان» اعلامیه‌ای منتشر کردند و در آن حرکت‌های ضدانقلابیون منطقه را افشاء کرده و اعلام داشته‌اند که این عناصر مشکوک و ضدانقلابی مورد حمایت افرادی

چون «علم‌الهدی» و «همتی» نمایندگان اردبیل و مشکین‌شهر در مجلس هستند.

در بخشی از اعلامیه چنین آمده است:

«... ما ضمن دادن هشدار به تمام نیروهای خط امام، سپاه پاسداران، هیئت‌های هفت‌نفره و اگذاری زمین و سایر نهادهای انقلابی، خواهان اتحاد و یکپارچگی تمامی نیروهای انقلابی برای دفاع از انقلاب و خنثی نمودن توطئه‌های شوم این ضدانقلابیون هستیم.»

خبرنامه روستا

■ پانزدهمین شماره خبرنامه روستا در اراک منتشر شد. «اعتراض به لغو بند ج» در ۵۰ روستای آمل، «روستاییان زحمتکش شهرجرد با حمایت شوراهای خود و کمک هیئت‌های هفت‌نفره اراضی مالک را مصادره نمودند» از جمله خبرهایی است که در این شماره می‌خوانیم.

به مردم مبارز ترکمن صحرا، زحمتکش ترک، فارس، ترکمن، بلوچ و زابلی.

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در ترکمن صحرا طی اعلامیه‌ای با عنوان فوق ضمن طرح مسائل مختلف زحمتکش‌ان منطقه از قیام تاکنون و ارزیابی مشکلات موجود در ترکمن صحرا، در قسمتی از این اعلامیه چنین بیان داشته‌اند:

در اوضاع و احوال کنونی که دست امپریالیسم جنایتکار آمریکا هنوز از میهن ما قطع نشده و امکان توطئه‌گری، تهاجم، محاصره و فشار به انقلاب و توده‌های مردم باقی است، برای حراست و دفاع از انقلاب و تقویت پایه‌های آن اتحاد عمل همه مردم و نیروهای جانبدار انقلاب و پاسخگوئی به نیازهای کلیه زحمتکش سراسر ایران از جمله مردم منطقه ترکمن صحرا، فارس، ترک، ترکمن، بلوچ و زابلی امری می‌بیرم و حیاتی است.

ما توجه مقامات معتمد کشور را به بخشی از مسائل و مطالبات ضرور توده‌های مردم منطقه جلب می‌نمائیم:

۱- حمایت و تقویت شوراهای روستائی به‌عنوان یکی از سنگرهای نبرد با امپریالیسم آمریکا.

۲- اختصاص وام و کمک مالی کافی به روستائیان و شوراها.

۳- برنامه‌ریزی فعالیت عمرانی، بهداشتی ارتباطی از طریق ارگان‌های مردمی و شوراها.

۴- تدارک فوری زمین‌های لازم جهت شرکت ساکنین شهرها در اداره امور شهر.

۵- رعایت حقوق ملی، فرهنگی و سیاسی مردم و رفع تبعیضات و تصمیمات لازم در زمینه‌های فرهنگی، ملی و مذهبی و ایجاد امکانات در جهت شکوفائی استعدادها ملی.

۶- اختصاص و تدارک برنامه‌های تفاهم ملی بین ملیت‌های ترک، فارس، ترکمن، بلوچ و زابلی.

۷- اعزام هیئتی مرکب از عناصر و افراد وفادار به انقلاب و آشنا به مسائل منطقه به‌منظور انجام تحقیقات و بررسی‌های لازم درباره جنایات زمان جنگ.

۸- تعیین هیئتی از افراد صلاحیت‌دار و صدیق جهت رسیدگی به پرونده کلیه اعضای شوراهای زندانی و دیگر افراد بی‌گناهی که زندانی، اخراج، تبعید و یا در بلاتکلیفی به‌سر می‌برند و رفع تظلم از آنها.»

از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

نامه یک زحمتکش کُرد به نشریه "کار"

ما باید برای پیروزی بر امپریالیسم تولیدمان را بیشتر کنیم در صورتی که حالا عملاً کشاورزی این منطقه غلهخیز نابود شده است

چندی قبل نامه یکی از زحمتکشان را که در کار چاپ کرده بودید، خواندم از دردهای او آگاه شدم. گفتم بهتر است من هم گوشه‌هایی از مشکلات و گرفتاری‌های خود مردم شهرمان را بنویسم:

من در بوکان زندگی می‌کنم. بوکان یک شهر کردنشین است. مردم این شهر و روستاهای اطراف آن چنان گرفتار ظلم و بدبختی شده‌اند که نظیرش را فقط در داستان‌ها و افسانه‌ها شنیده‌ایم. اگر همه مردم ایران به خاطر فشارهای اقتصادی امپریالیسم و تجاوز صدام و کارشکنی ضدانقلاب تحت فشار هستند این فشار در مورد ما دهها برابر بیشتر است. ما غیر از اینکه محاصره اقتصادی شده‌ایم، اجازه رفت و آمد به سایر نقاط ایران و حتی مسافرت به شهرهای کردستان را نیز نداریم. تلفن و تلگراف شهر از مدتها قبل قطع شده است. پست و سایر ادارات تعطیل هستند. به دلیل محاصره اقتصادی، گرانی به حدی است که شاید برای خوانندگان این نامه باورکردنی نباشد. من فکر نمی‌کنم در آن طرف دنیا هم شهری باشد که در گرانی به پای بوکان برسد. قیمت یک بشکه نفت ۵۰ تومانی چهار هزار تومان شده است. یک بشکه بنزین ۶۰۰۰ تومان. یک بشکه گازوئیل ۲۵۰۰ تومان خرید و فروش می‌شود. بخاطر همین گرانی و نایابی مواد سوختی، یک دهم زمین‌ها هم کشت نشده است.

دهقانان همه نگران هستند. بیشتر آنها در سال آینده گرسنه خواهند ماند چرا که بیشتر آنها زمین‌هایشان را نکاشته‌اند. همه از خودشان می‌پرسند چرا دولت به ما گازوئیل نمی‌دهد؟ مسئولین دولتی می‌گویند: ضد انقلاب از این گازوئیل استفاده می‌کند. ای پدر ضدانقلاب بسوزد! این درست نیست که دولت جمهوری اسلامی به نام مبارزه با ضد انقلاب، کشاورزی منطقه را تعطیل کند و این همه روستائی‌ها را به خاک سیاه بنشانند. البته اگر دستم به امام می‌رسید، این حقایق را به ایشان می‌گفتم تا بدانند این مسئولین بجای ضد انقلاب پدر مردم را درآورده‌اند. حالا کجایش را شنیده‌اید؟ این مسئولین مدرسه‌های شهر و ده را تعطیل کرده و از تابستان گذشته حقوق هیچ کارمندی را پرداخت نکرده‌اند. با وجود این معلمان شهر به کلاس‌ها می‌رفتند و به بچه‌ها درس می‌دادند تا اینکه استانداری آذربایجان غربی دستور داد که در مدارس را هم ببندند!

ثروتمندان فرزندانشان را به شهرهای دیگر فرستاده‌اند تا در آنجا به درسشان ادامه بدهند ولی زحمتکشان کجا می‌توانند فرزندشان را به تبریز و تهران بفرستند؟ بعد از همه این کارها باز هم می‌گویند که ما به فکر مستضعفین هستیم.

از وضع دار و درمان بگویم: پاسداران و ارتشی‌ها که در دروازه‌های شهر سقز و میاندوآب مستقر شده‌اند، اجازه نمی‌دهند دارو به بوکان بیاید در نتیجه داروخانه‌های شهر هم عملاً تعطیل شده. بیمارستان هم به علت نبودن نفت و گازوئیل آن هم در هوای سرد کردستان وضع بسیار بدی دارد. از طرف دیگر حقوق کارمندان بیمارستان پرداخت نمی‌شود و از طرف دیگر سوخت برای گرم کردن اطاق عمل و بیماراران وجود ندارد. نانوائی‌های شهر هم همه تعطیل هستند. آسیاب‌ها هم از کار افتاده و اگر چه مردم هنوز مقداری گندم دارند، نمی‌توانند آن را آرد کنند. حمام‌های شهر همگی تعطیل هستند یکی از حمام‌ها هم که از کوره‌راهها نفت سیاه وارد می‌کند هر ماه چند روز باز می‌شود که مردم به آن هجوم می‌آورند. نوبت حمام را در بازار سیاه تا ۵۰ تومان می‌خرند.

به علت محاصره اقتصادی امسال آهن و سیمان و دیگر مصالح ساختمانی کمتر وارد شهر شده و در نتیجه کار ساختمان نیز رونقی ندارد. می‌دانید که در کردستان اگر کاری برای کارگران وجود داشته باشد، فقط کار ساختمانی است که آن هم امسال به این بلا دچار شده است.

حالا بیایید حساب کنید که وضع و حال من و هزاران زحمتکش دیگری که در این منطقه زندگی می‌کنند چگونه است. شهر در محاصره اقتصادی است. از جیره‌بندی و کوپن‌های خوار و بار و تعاونی‌های توزیع خبری نیست. نان لواش دانه‌ای ۲ تومان، آرد کیسه‌ای ۱۵۰۰ تومان، روغن نباتی هر حلب ۸۰۰ تومان، قند کیلوئی ۵۰ تومان، مرغ کیلوئی ۴۵ تومان، تخم مرغ دانه‌ای ۲۵ ریال و... این نرخ اجناس ضروری است. از طرف دیگر هم بیکاری و بی‌پولی مردم را از پای درآورده است. چه کسی می‌تواند نان دانه‌ای ۲۰ ریال، تخم مرغ دانه‌ای ۲۵ ریال بخرد؟!

من از نویسندگان کار و همه برادران و خواهران مسلمان و انقلابی خود در سراسر ایران می‌خواهم که صدای ما را به گوش همه برسانند از مقامات دولتی بخواهند گوش به حرف کسانی چون ملاحسنی و معبودی ساواکی ندهند و به بهانه مبارزه با ضدانقلاب این بلا را به روز مردم نیاورند. به بهانه‌های بنی اسرائیلی تیشه به ریشه این مملکت نزنند. ما باید برای پیروزی بر امپریالیسم تولیدمان را بیشتر کنیم تا محتاج آنها نباشیم در صورتی که حالا عملاً کشاورزی این منطقه غلهخیز نابود شده است. دامداری از بین رفته است. امسال مردم به علت نداشتن سوخت همه درخت‌های شهر و روستا را بریده‌اند حتی درختان میوه را. مسئول این وضعیت که پیش آمده، کیست؟ من از دولت آقای رجائی می‌پرسم آیا حاضر است به این سؤال جواب بدهند؟ یا می‌گذارند دردها روی هم انباشته بشوند و وقتی به فکر پاسخگوئی بیفتند که دیگر دیر شده است؟!

به امید اینکه مقامات دولتی گوششان را بر این حرفهای واقعی نبندند و به فکر این مردمی که

اینطور گرفتار ظلم و ستم و تنگدستی شده‌اند، باشند. ما هم ایرانی هستیم و در غم و شادی مردم کشورمان شریک هستیم. به امید اینکه مسئله کردستان برادرانه و عادلانه و از راه صلح آمیز حل بشود.

مرگ بر امریکا و صدام حسین

بوکان - ک.ح. (امضاء محفوظ)
۱۲ اسفند ۵۹

دلَم می‌خواهد نامه ام در "کار" چاپ شود

من یک زن روستائی هستم. اسم من خیرالنساء است و ۵۰ سال عمر دارم. در این ۵۰ سال زحمت فراوان کشیدم و بهره‌ای نبرده‌ام. ۱۲ بچه به دنیا آوردم که تنها ۷ بچه برایم مانده است که با سختی زیاد آنها را بزرگ و با سواد کرده‌ام به امید آنکه آنها فردای بهتری از من داشته باشند.

چند سال پیش با فدائیان آشنا شدم و فکرشان را فهمیدم و ایمانشان را به کارگران و زحمتکشان و آرمانشان را در راه خلق آموختم و به دل گرفتم.

وقتی فهمیدم زندگی فدائیان چیست و چه کارها می‌کنند به آنها پیوستم و امیدوارم که بچه‌هایم راه آنها را دنبال کنند و سرمشقی باشند برای نسل‌های فردا.

دلَم می‌خواهد نامه من را در کار چاپ کنید تا مادران دیگر هم بخوانند.

اعتصاب در شرکت... بقیه از صفحه ۱

جنگ تحمیلی را بر اقتصاد توضیح دهند و بگویند که چرا می‌باید برای تداوم انقلاب و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی، همه مردم و من جمله کارکنان زحمتکش شرکت واحد به حکم وظیفه انقلابی‌شان بیش از پیش تن به فداکاری و ایثار انقلابی دهند. با درپیش گرفتن سیاست تهدید و ارعاب. خود به گسترش ناراضی‌ها و پیچیدگی مشکلات دامن می‌زنند. علاوه بر این مدیریت منطقه ۳ نیز با عملکردهای نادرست و کوتاه‌نظرانه خود به بحران در روابط میان کارکنان و مسئولین دولتی دامن زده است حال آنکه می‌توانست قبل از پرداخت حقوق به کارکنان، چنانچه "ضرورت ایجاب می‌کند" که کارکنان شرکت به جای ۶۲ روز براساس همان طرح دولت عیدی بگیرند مسئله را با کارکنان در میان نهاده و ضرورت این کار را برای آنان توضیح دهد.

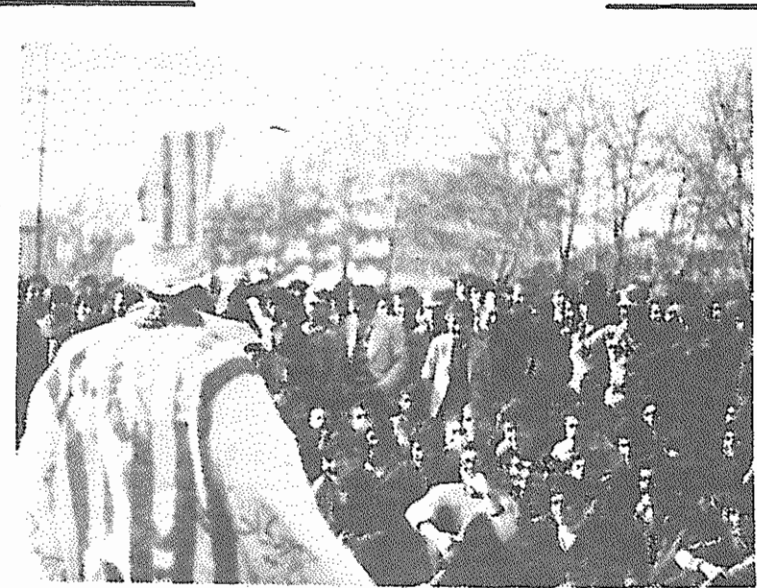
او نه تنها از انجام این کار خودداری نمود بلکه پس از پایان گرفتن اعتصاب نیز بدون اینکه کوچکترین درسی از این اعتراضات آموخته باشد، درصدد برآمد که کارکنان متعبد و انقلابی را نیز به بهانه "غیرمکتبی بودن" از کار برکنار نموده و باردیگر موجبات واکنش‌های اعتراضی جدیدی را بوجود آورد.

عملکردهای نادرست مدیریت شرکت، عدم پیوند این مدیریت با کارکنان، بی‌توجهی کامل به خواست‌های صنفی آنان، اهانت و توهین به کارگران و... منجر به ایجاد جو ضد مدیریت در شرکت شده و به نارضایتی کارکنان نیز افزوده است. ما باردیگر به ضرورت برداشتن گام‌های جدی و اساسی در جهت حل خواست‌های بنیادی مردم تاکید می‌کنیم. دولت برای تأمین منافع زحمتکشان و تحکیم پایه‌های انقلاب باید هرچه قاطعانه‌تر، تجارت خارجی را ملی کرده و دست محتکرین را کوتاه نماید. مسئولین جمهوری اسلامی باید برتعطل و مسامحه‌شان در امر برقراری روابط متساوی‌الحقوق با کشورهای که دوست و متحد انقلاب ایرانند، قاطعانه غلبه کنند. در قبال مشکلات انقلاب و زحمتکشان، سیاست درست تنهاوتنها می‌تواند سیاست اقناعی و آگاه‌گرانه باشد نه سیاست تهدید و ارعاب. اعتصاب شرکت واحد باید درسی برای مسئولین حکومتی باشد تا مفهوم رابطه منطقی میان دولت و مردم را بیاموزند.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

جوانان غرب تهران با برگزاری مسابقه و اجرای نمایشنامه بهاران خجسته باد سالگرد انقلاب را گرامی داشتند



جمعی از جوانان غرب تهران (محللات خوش، رودکی و آذربایجان) به مناسبت سالگرد انقلاب یک دوره مسابقه فوتبال برگزار کردند که در آن ۹ تیم شرکت داشتند. این گروه همچنین نمایشنامه "بهاران خجسته باد" را در میدان ورزشی (محل برگزاری مسابقات) اجرا کردند. عکس بالا صحنه‌ای از این تئاتر و استقبال جوانان و مردم محل را نشان می‌دهد.

یک سند و یک پرسش



"سیا از کاردار آمریکا در استکهلم می‌خواهد که به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات، بعد از دهم سپتامبر انجام شود. کاردار از انتظام خواهد خواست که با یزدی تماس بگیرد و یزدی با شما تا تاریخ دقیق تبادل اطلاعات را تعیین کند. هدف ما از انجام این روش این است که به شما اطمینان بدهیم که یزدی و انتظام در مواضعشان نسبت به این ملاقات‌ها هماهنگی کامل دارند."

اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام



اگر امیر انتظام در زندان نبود، میتینگ لیبرالها در امجدیه بجای ۴ نفر چند نفر سخنران داشت؟

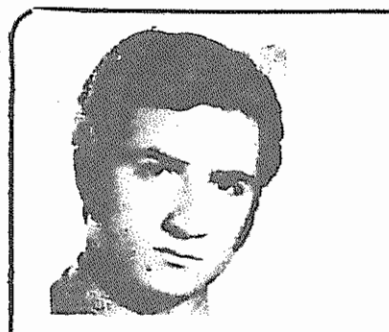
دهماتان زحمتکش

با افزایش تولیدات خود کشتارها را به

سنگری دیگر

علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار

صدام تبدیل کنید



رفیق سید محمد شهیدی را آزاد کنید!

تکفلشان خواهد بود، اساسا مغایر با مصالح انقلاب و شئون جمهوری اسلامی می‌دانیم...

رفیق محمدحسن شهیدی که در تمام مدت زندان به تدریس زندانیان بیسواد مشغول بوده است در نامه‌ای به پدر و مادرش می‌نویسد:

"تاراحتم که در این شرایط حساس در پشت میله‌های زندان هستم و نمی‌توانم کمکی در جهت تداوم انقلاب بکنم"

ما بار دیگر اعلام می‌داریم که به بند کشیدن اعضاء و هواداران سازمان ما خیانت آشکار به انقلاب مردم ایران است ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران مصرا می‌خواهیم که بی‌درنگ رفیق سیدمحمد حسن شهیدی را آزاد کنند و بیش از این موجبات شادمانی دشمنان انقلاب خونبار مردم ما را فراهم نیاورند.

ما همچنین خواستار محاکمه و مجازات کسانی هستیم که رفیق محمدحسن شهیدی را محاکمه و به زندان کشیده‌اند.

● اکنون مدت چهارماه است که از دستگیری فدایی خلق حسن شهیدی در آبادان می‌گذرد. رفیق حسن شهیدی که در مجتمع شیمیایی رازی مشغول بکار بود و سرپرستی یکی از شیفت‌های کارخانه را برعهده داشت در تاریخ ۲۲ مهرماه ۵۹ در حالی که آبادان صحنه درگیری‌های خونین مردم با متجاوزین عراقی بود برای تهیه عکس و گزارش به منظور افشای جنایات رژیم صدام برای درج در "کار" ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به آبادان می‌رود و در حالی که مشغول گرفتن عکس از جنایات رژیم ضد مردمی صدام بود، به وسیله پاسداران دستگیر می‌گردد. پس از دستگیری حجت‌الاسلام خلخالی او را به اتهام پوچ و بی‌اساس همکاری با "دشمن" در مدتی کمتر از ۵ دقیقه بازجویی و محاکمه به اعدام محکوم می‌نماید که با اعتراض رفیق به صدور حکم، به زندان ابد محکوم شده و به زندان کارون اهواز و سپس به زندان اصفهان اعزام می‌گردد. طبق آخرین خبری

که دریافت داشته‌ایم هم اکنون ظاهرا برای "تجدید محاکمه" مجدداً به زندان کارون اهواز انتقال یافته است.

در تمام این مدت مقامات مسئول جمهوری اسلامی بدون توجه به نامه‌ها و اسنادی که شخصیت انقلابی و میهن - پرستانه رفیقمان را به اثبات می‌رساند همچنان او را در بند نگه داشته‌اند.

گروهی از کارگران و کارمندان مجتمع شیمیایی رازی طی نامه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی متذکر شده‌اند:

"... ما شاهدان عینی تلاش‌های همکار زندانی‌مان در اعتصابات باشکوه کارکنان شرکت علیه رژیم سفاک پهلوی و همچنین پیگیری و کوشش ایشان در جهت حفظ انقلاب در عرصه تولید و سنگرهای دیگر مبارزه در مجتمع شیمیایی رازی بوده‌ایم، بطوری که جای هیچگونه شک و شبهه‌ای نسبت به شخصیت انقلابی مشارالیه و روحیه میهن پرستی ایشان باقی نمی‌گذارد. بازداشت همکارمان را صرف نظر از ضایعات تاسف‌باری که بر خانواده تحت

گفتن حقایق به مردم

تقویت انقلاب و نگفتن آن تضعیف انقلاب است

مردم باید از ماهیت اسارت‌بار قراردادهای نفتی با انحصارات امپریالیستی که در رژیم منفور شاه بسته شده و تاکنون افشاء نشده آگاه شوند.

مردم باید با اطلاع کلی از جریاناتی که بر اقتصاد میهن بویژه بر نفت می‌گذرد حاکمیت بر سر نوشت خویش را همچنان حفظ کنند

مردم باید بدانند کدام محافل در جمهوری اسلامی هستند که کوشش می‌کنند با گسترش عقد قراردادهای نفتی با انحصارات جهانی زمینه بازگشت امپریالیسم را به میهن ما فراهم نمایند.

مردم باید وقایع را بدانند تا امکان رشد به ضدانقلاب ندهند.

نقش اساسی در حیات اقتصادی ایران دارد.

مگر نه آن است که پنهان کردن مسائل کلی اقتصاد بویژه عقد قراردادهای نفتی نوعی نفی حاکمیت مردم بر سر نوشت خویش است؟

مگر نه آن است که انحصارات نفتی خریدار نفت خام ایران بیش از هر کس دیگر اخبار نفتی را می‌دانند

مگر نه آن است که این انحصارات دشمنان واقعی انقلاب ما هستند؟

مگر نه آن است که لیبرال‌ها سعی دارند بستن قراردادهای جدید بویژه قراردادهای نفتی را با انحصارات امپریالیستی عادی جلوه دهند؟

از این رو ما می‌گوییم:

● اخیرا وزارت نفت طی اطلاعیه‌ای اعطای تخفیف به مشتریان نفت خام ایران را کذب محض دانسته و اعلام کرد که به دلیل شرایط بحرانی ناشی از جنگ و سوءاستفاده "دشمن" اخبار مربوط به قراردادهای نفتی را انتشار نخواهد داد.

خبرگزاری پارس نیز به نقل از خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که ایران قراردادهای جدید نفتی با ۱۳ کمپانی نفتی ژاپنی و برتیش پترولیوم و شل منعقد نموده است.

ما هم می‌دانیم که وزارت نفت با اشغالگران اسرائیلی و رژیم دست نشانده آفریقای جنوبی قرارداد نفت منعقد نکرده است. ولی:

مگر نه آن است که نفت

رسیدگی به مشکلات آوارگان جنگ

از مبرم ترین وظایف کنونی دولت است

● سازمان ما از هیچگونه کمکی به آوارگان دریغ نداشته و آماده است در سازماندهی امور آوارگان با تمام امکانات خود با نهادهای انقلابی همکاری نماید.

مسئولین شهر باید با ایجاد حمامهای صحرایی مشکل کمبود حمام را برای جنگزدگان حل کند!

جمعیت ماهشهر به صد هزار رسیده است که بیش از ۶۰ هزار نفر از آنها آوارگان جنگ هستند در ماهشهر (قسمت قدیمی شهر) تنها یک حمام مردانه و دو حمام زنانه وجود دارد که این حمامها هم اغلب به خاطر قطع آب، عملاً قابل استفاده نیستند. فاضلاب این حمامها در جویهای باریک شهر جاری شده و در شهر و اطراف آن درگودالها جمع شده و سلامت ساکنین شهر را به مخاطره انداخته است. از آنجایی که بیشتر خانههای این شهر (قسمت قدیمی آن) حمام ندارند، این روزها این سه حمام پاسخگوی نیاز مردم شهر و بخصوص آوارگان نیست. بطوری که این حمامها در تمام طول روز شلوغ و پررفت و آمد هستند. و به همین خاطر این حمامها آلوده و حتی از کمترین امکانات بهداشتی برخوردار نیستند.

برای رفع این مشکل باید شهرداری و بهداری ماهشهر با کمک خود جنگزدگان و اهالی شهر به وضع بهداشت شهر و بخصوص این حمامها رسیدگی کرده و با ایجاد حمامهای صحرایی در اردوگاهها مشکل کمبود حمام را برای آوارگان حل نمایند.

مسئولین بهداری شهر می توانند در اردوگاههای آوارگان درمانگاههایی ایجاد کرده و با کمک گرفتن از پزشکان مبارز، پاسخگوی نیاز بیماران باشند.

جنگ زدگان ماهشهر از نظر وضع درمانی نیز مشکلات فراوانی دارند. تنها بیمارستان شهر در تمام ساعات روز مملو از بیمار است. بیمارانی که معمولاً به اسهال یا چشم درد و گلودرد مبتلا هستند.

به علت کمبود جا بیماران را در راهروها خوابانده اند. با وجود این همه بیماری که به بیمارستان مراجعه می کنند، فقط دو پزشک عمومی یک دکتر جراح و یک متخصص اطفال وجود دارد. به خاطر نبودن سوخت، گاهی برای چند روز در بیمارستان آب گرم پیدا نمی شود. برانکاردهای خونین و آلوده بیمارستان گوشه ای افتاده و با همان وضع بیماران را با آن حمل و نقل می کنند. مسئولین بهداری شهر می توانند بطور موقت در نقاط پرجمعیت شهر و بخصوص در اردوگاههای آوارگان درمانگاههایی ایجاد کرده و با کمک گرفتن از پزشکان انقلابی که صادقانه بارها آمادگی خود را برای رفتن به جبهه اعلام کرده اند، مشکلات درمانی شهر را از سر راه برداشته و پاسخگوی نیاز بیماران باشند. مسئولین بهداری برای نظافت و حفظ بهداشت بهداری و این درمانگاهها می توانند از خود آوارگان کمک بگیرند.

دولت باید از نیروی کار جنگزدگان در جهت اداره امور اردوگاهها، در بازسازی شهرهای جنگزده، در عمران و آبادی روستاها و غیره کمک بگردد.

در بازار شهر مواد غذایی، میوه، تره بار و غیره را بسیار گران می فروشند.

● جنگ تحمیلی رژیم مرتجع صدام، بیشترین صدمات جانی و مالی را بر زحمتکشان نواحی جنگزده وارد آورده است. در حال حاضر نزدیک به ۲ میلیون آواره بی خانمان و بی سرپرست با زندگی سخت و دشواری در جنگ و ستزیند. بردباری و تحمل این مشقات طاقت فرسا، جدا از مقاومت قهرمانانه رزمندگان در سنگرهای نبرد نیست. سازمان دادن به زندگی آوارگان به معنای تقویت جبهه و بالا بردن مقاومت آنان در برابر جنگ تحمیلی است. دولت جمهوری اسلامی علیرغم گوشه های خود در جهت رسیدگی به زندگی آوارگان، همچنان در اجرای کامل این وظیفه مهم موفق نبوده است.

ما در گذشته با بررسی زندگی مشقت بار آوارگان، علل نارسائیهای موجود آوارگان را ذکر کرده ایم و برای رفع آن پیشنهادهای ارائه نموده ایم. این بار باز هم برای چندمین بار به مشکلات جنگزدگان ماهشهر می پردازیم. باشد که دولت جمهوری اسلامی با پیگیری جهت رفع این نواقص و نارسائیها اقدام و این وظیفه مهم را به یاری تمامی نیروهای ترقیخواه و صدا مپریالیست بطور کامل به اجرا در آورد.

وقایع جیرفت

زنگ خطری است که باید جدی تلقی شود

بوده اند، هیچگونه اقدامی در جلوگیری از این حادثه به عمل نمی آورند.

هم اکنون عده ای از معلمین و محصلین اردوگاه دستگیر شده اند و جسد همچنان متشنج است. برای جلوگیری از ادامه تشنج و بازگشت آرامش نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- در اداره اردوگاه، ساکنین آن مشارکت داده شوند و مسائل با تبادل نظر و همکاری میان مسئولان و ساکنین حل شود.

۲- افرادی که بی گناه آزاد شوند.

۳- به اعمال سرپرست سابق اردوگاه، و کلیه کسانی که نقش اصلی را در درگیریها داشته اند، رسیدگی شود و عاملان اصلی معرفی و مجازات گردند.

۴- با به وجود آوردن زمینه تفاهم و دوستی میان ساکنان اردوگاه و مسرمد جیرفت، کدورتها و بدبینیهایی که پیش آمده برطرف گردد (در این مورد سپاه پاسداران می تواند پیشقدم شود).

۵- از خانوادههایی که عزیزان خود را از دست داده اند، دلجویی شود.

۶- کلیه اقدامات لازم برای جلوگیری از درگیریها و تشنجات بعدی انجام گیرد.

می رسیده است درصدی مقابله با جنگزدگان برمی آیند. پس از مدتی زد و خورد، افرادی که از اردوگاه آمده بودند، تصمیم به فرار می گیرند و تعدادی از آنان که بد وحشت افتاده بودند، خود را به رودخانه هلیل می اندازند. جریان آب که به علت بارندگی، شدید بوده است، موجب غرق شدن سدنفر از جمله کودک یازده ساله ای می شود. در ضمن درگیری عده ای نیز مجروح و یا دستگیر می شوند.

در این رویداد ناگوار علاوه بر بی مسئولیتی سرپرست جدید اردوگاه و مسئولان سپاه پاسداران جیرفت، سرهنگ خلخالی سرپرست سابق اردوگاه و مسئولان شهربانی و ژاندارمری نیز مقصر بوده اند. سرهنگ خلخالی که در رژیم سابق با ساواک همکاری داشته و از طرف رئیس جمهور حکم سرپرستی اردوگاه را گرفته بود، یک هفته قبل از این ماجرا به خاطر مخالفت نهادهای انقلابی و مردم برکنار می شود. وی برای اینکه نشان بدهد شخص دیگری نمی تواند از عهده سرپرستی اردوگاه برآید در ایجاد تحریک و تشنج مستقیماً دست داشته است. مسئولان ژاندارمری و شهربانی نیز که از هجوم گروهی از ساکنان اردوگاه به جیرفت باخبر

● وقایعی که در روز نهم بهمن در اردوگاه جیرفت اتفاق افتاد و منجر به کشته شدن ناسف بار ستن از جنگزدگان و مجروح شدن گروهی دیگر شد، زنگ خطری است که باید جدی گرفته شود. واقعه از رویدادهای کوچک و کم اهمیت شروع شد و به فاجعهای دردناک و غم انگیز انجامید. خلاصه ماجرا چنین است:

یکی از معلمین اردوگاه دانش آموز جنگزده ای را تنبیه بدنی می کند. بستگان دانش آموز به سرپرست جدید اردوگاه، آقای مهردادوی شکایت می کنند. سرپرست جدید برای جلب حمایت ساکنان به آنها توصیه می کند که خودشان معلم خاطی را ادب کنند. جریان در ادامه خود به درگیری میان ساکنان اردوگاه و گروهی از اهالی جیرفت می کشد. به دنبال آن حدود ۵۰۰ تن از ساکنان اردوگاه که به خشم آمده بودند، با حالت بهاجمی به شهر جیرفت می روند. مسئولان سپاه پاسداران جیرفت به جای آرام کردن این افراد، با عملی حساب نشده و ناشایسته به وسیله بلندگو اعلام می کنند که گروهی ضد انقلابی قصد حمله به شهر را دارند و مردم باید جلو آنها را بگیرند. پس از اعلام این خبر، بازار تعطیل می شود و عده ای از عناصر ناآگاه که تعدادشان به یک هزار نفر

بقیه از صفحه ۱۸

رسیدگی به مشکلات آوارگان

کمبود آرد و نان از مهم ترین مشکلات مردم است. ناواییها بیشتر از ۳ - ۲ ساعت کار نمیکنند. صف طویل جلوی ناواییها خود گویای این مسئله است. بیکاری مردم و بخصوص جوانها را رنج می دهد. بنیاد و کمیتهها به علت انحصارطلبی خود، حتی در مسائل و امور زندگی جنگزدگان حاضر نیستند از نیروی خود آنها استفاده کنند.

برای چندمین بار تکرار می کنیم که دولت باید از نیروی کار جنگزدگان آواره استفاده کند. دولت می تواند به بهترین وجهی از همه افراد متخصص و غیر متخصص جنگزده در اداره امور اردوگاهها، در بازسازی شهرهای جنگزده، در عمران و آبادی روستاها، در جاده سازی، کشاورزی و غیره کمک بگیرد و بدینصورت پشت جبهه را از حالت رکود و انفعال بیرون آورده و به جبهه های فعال تبدیل کند.

دولت می تواند با ایجاد کارگاههای تولیدی کوچک از قبیل بافندگی، دوزندگی، آهنگری، گلیم بافی و غیره، بلافاصله نیروی کار آوارگان را لاقط جهت پاسخگویی به نیازهای خود آوارگان به کار گیرد.

دولت می تواند، برای تهیه ابزار کار (چرخهای خیاطی، دستگاههای بافندگی و غیره) این کارگاهها از مردم میهنان کمک بخواهد. در این تردیدی نخواهد بود که زحمتکشان کشورمان در یاری رساندن به آوارگان دریغ نخواهند داشت و آن را در عمل به اثبات رسانده اند. منتهی دولت باید با سازماندهی درست ارگانهای کمک رسانی، از کمکهای بی دریغ مردم بیشترین رفاه را برای آوارگان فراهم آورد.

به وضع آوارگانی که در مسجد جامع شهر مستقر شده اند، برسید

تعدادی از آوارگان در مسجد جامع شهر مستقر شده اند. سری به مسجد جامع می زنیم. خاک و سنگ و زباله تمام سطح زمین را پوشانده است. جنگزدگان ساکن این مسجد، هر کدام برای خود

پلاستیکی را چهارگوش بهم وصل کرده و برای خود جای خوابی درست کرده اند. کف مسجد گلی و نمناک است. زنی گوشه ای نشسته و دارد با پریموس غذا درست می کند. مادری بچهاش را می برد تا زیر تنها شیر آب مسجد شستشو دهد. اما آب قطع شده است. زن با درد می نالد که:

" باز این آب لعنتی بند آمد. همیشه همین وضع است. کسی به داد ما نمی رسد."

از او می پرسیم:

" مسئولیت آوارگان این مسجد با کی است "

جواب می دهد:

" با هلال احمر "

سؤال می کنیم:

" تا به حال به آنجا مراجعه کرده اید؟ "

می گوید:

" صدبار رفتیم. صدبار به آنها گفتیم که یک منبعی، یک شبکه ای، یک چیزی بیاورید، بگذارید اینجا، اما همه وقت در جوابمان گفتند بروید از کمیته های ما بگیرید! "

زن به جای آب، با کبهه، بچهاش را پاک می کند و به صدام و آمریکا فحش می دهد.

وضع جنگ زدگان ((کوی آزادی)) اسفبار است

در کوی آزادی بیشتر جنگزدگان عرب هستند در این منطقه ساختمانهایی دیده می شود که دور و بر آنها را تلی از گل و سنگ و زباله پوشانده است. مردم جنگزده به دکانها و خانه های نیمه تمام پناه برده اند. در بعضی از دکانهای نیمه تمام چند خانوار زندگی می کنند. در اغلب دکانها زلیبو یا حصیری پهن کرده و قسمت های نیمه تمام آن را با پلاستیک پوشانده اند. جلوی دکان ناوایی صف طولی از جنگزدگان انتظار نوبت می کنند. زنان و دختران زیادی در کنار فشاری های آب محله مشغول شستشو هستند. تعدادی از آنها هم منتظر ایستاده اند تا به آنها نوبت برسد تا سطلهای خود را پر کنند. فاضلاب خانه ها و آب فشاریها همه محله را پر از لجن و گل آلود کرده است. پیرمردها کنار دیوار ایستاده و با هم از جنگ صحبت می کنند. زنهای عرب خودشان مشغول پختن نان هستند. وقتی با مردم صحبت می کنیم، می گویند:

" این بدبختی های ما زیر سر آمریکاست. آمریکا می خواهد انقلاب ما را به شکست بکشاند. اما آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. چون ما همه مشکلات و سختی ها را تحمل می کنیم و یک قدم هم عقب نمی نشینیم."

انتهای کوی آزادی حدود ۶۰-۷۰ خانه نیمه

تمام است که تقریباً هیچکدام آب و برق و توالی ندارند. برای هر ۱۵-۱۰ خانه یک شیر آب کشیده اند. داخل خانه ها پر از خاک و خاشاک است. جنگزده ها برای پختن غذا و گرم کردن خودشان بیشتر از چوبها و خار و خاشاک بیابانهای دوروبر استفاده می کنند. از یکی از بچه ها می پرسیم:

" مگر نفت به شما نمی دهند که این خرده چوبها را جمع می کنید؟ "

می گوید:

" چرا، ولی پولش را نداریم بدهیم. برای گرفتن نفت باید تا میدان شهر برویم. از آنجا هم باید ۳-۴ تومان کرایه ماشین بدهیم تا یک پیت نفت بیاوریم."

آوارگان حسینه ((حضرت عباس))

تعدادی دیگر از آوارگان در حسینه " حضرت عباس " زندگی می کنند. در اینجا هم آوارگان با پلاستیک و مقوا برای خود آلونک درست کرده اند و در هر آلونکی ۸-۷ نفر زندگی می کنند. در اینجا هم ابوهی از زباله و خاک و خاشاک دیده می شود. از میان آلونکها که می گذریم با جوانی که اهل سوسنگرد است، صحبت می کنیم و از وضع آوارگان می پرسیم. جوان سوسنگردی می گوید:

" بهما جیره می دهند اما کافی نیست. خیلی ها گرسنه می مانند. کثافت و زباله هم که دارد از سر و کله ما بالا می رود. شبها سرما اذیتمان می کند. باران هم که می بارد نمناک بساطمان بدهم می ریزد."

در این میان زن عربی که از آشنایان جوان سوسنگردی است، می گوید:

" آخر این هم شد زندگی؟ توی این سوراخها شبها از سرما یخ می زنیم. ده بار رفتم هلال احمر گفتند برو از کمیته بگیر. رفتم کمیته، گفتند برو از هلال احمر بگیر. آخر سر جیره برنج را فروختم یک بخاری کهنه گرفتم. حالا هم این بخاری چنان بو می دهد که دائم سرما در می کند."

جنگزدگان، بخصوص عربهای جنگزده در این شهر به شکل اسفاری زندگی می کنند. مسئولین شهر باید آوارگان را از این مساجد، محله ها، خرابه ها، حسینیه ها بیرون آورده و در یک اردوگاه اسکان بدهند و بدین طریق با اسکان دادن آنها در یک محل به وضع بهداشت حمام و درمان آنها رسیدگی کرده و از نظر اوراق عمومی و وسایل گرم کننده کمبودهای آنها را تکمیل کند.

داشت. او از جمله فدائیان خلق "اکثریت" را متهم کرد که به انقلاب مردم ایران ضربه می زنند به نظر می رسد که آیت الله ربانی هرکسی را که از سرمایه داران و زمینداران بزرگ بد گوید، با فتوادلها به مخالفت برخیزد، خواین بختیاری را دشمن زحمتکشان بختیاری معرفی کند، لیبرالها را دشمنان دوست نمای مردم بداند و از وحدت همه نیروهای مدافع انقلاب در مبارزه علیه امپریالیسم سخن بگوید و اعلام دارد که "متحد شویم و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم بکوبیم" دشمن انقلاب و وارد آورندگان ضربه به انقلاب مردم می شناسد. آیت الله ربانی با نسبت دروغ و افترا به فدائیان خلق "اکثریت" تنهادهشمنان انقلاب ایران را شادمان می سازد. ایشان به نام مردم اما علیه مردم، به نام انقلاب، اما علیه انقلاب، به نام وحدت اما علیه وحدت مردم اقدام کرده و می کنند.

به پراکندگی نیروهای کمونیستی! و انقلابی، راه برای به قدرت رسیدن یک حکومت ارتجاعی توسط لیبرالها باز است!!

واقعیت موجود نشان می دهد که اقلیت منشعب از سازمان ما در مخالفت با فدائیان "اکثریت" هر روز بیشتر از روز قبل به انحطاط کشیده می شود.

آیت الله ربانی همچنان در راه تخریب وحدت مردم گام بر میدارد

آیت الله ربانی عضو شورای نگهبان و کسی که بعد از انقلاب در راه دفاع از منافع خوانین بختیاری و مخالفت تمام عیار با اجرای بندج اصلاحات ارضی گام برمی دارد، در سمینار "وحدت" در وزارت دفاع یکبار دیگر تعصب کور و عنادانه خود را نسبت به انقلابیون ایران ابراز

بقیه از صفحه ۵

با انقلاب یا...

عزالدین حسینی را به تمامی تائید کرد. در این میتینگ طبق معمول تمام گروهکها (از پیکار گرفته تا اقلیت و رزمندگان و راه کارگر) شرکت داشتند. در این میتینگ نماینده اقلیت از پشت میکروفون شعار مرگ بر "اکثریت" را داد! سخنران اقلیت در حضور سایر شرکاء، فدائیان "اکثریت" را ضدانقلابی و خائن خواند.

سخنگوی اقلیت گفت:

سقوط این حکومت از آنجا که نمی تواند جوابگوی خواستهای مردم باشد، حتمی است ولی در مورد اینکه چه نیروئی می تواند قدرت را به دست گیرد نیروهای انقلابی باید جوابگو باشند و با توجه

روزنامه میزان روز
سجده هفتم اسفند خسر
کردهمایی سران خائن عشایر
غرب کشور را منتشر کرد و با
لحی نائید امیر از قطعنامه
این کردهمایی یاد کرد. اما
"میزان" کدی شک از جزئیات
این کردهمایی نوظند امیر
باخبر بوده است. نسا به
بخشی از مسائل مطرح شده
اشاره نمود. ما پس از
تحقیقاتی که بعمل آوردیم
از چگونگی مدارک نوظند
خواین و سران خائن عشایر
در این کردهمایی ناخبر
سندیم. در این تحقیقات یک
بار دیگر مشخص شد که آقای
بنی صدر روابط سیاسی و
زردیک با عوامل مردور غرب
کشور دارد و آنان را به ادامه
طرحهای نوظندآمیزشان علیه
انقلاب و دولت جمهوری
اسلامی ایران شویق می کنند
ما ضمن ارائه گزارشی از
این کردهمایی، به مسئولان
انقلابی، عشایر رزمنده و
تمامی نیروهای مرفقی هشدار
می دهیم که با هوشیاری،
این حرکات خائنه را افشا
کنند. بر مسئولان دولتی
است که با انحلال ستاد
سیخ عشایری و دستگیری و
محاکمه خواین توطئه گر، از
متشکل شدن آنان جلوگیری
کنند.

در اواسط بهمن ماه
جلسه ای با حضور بیش از
۴۰۰ تن از سران خائن
عشایر و ایادی شان در غرب
کشور، تشکیل می شود. در
این جلسه فرخ خان سنجابی
(پسر یکی از خوانین
سنجابی که اخیرا از زندان
آزاد شده) گزارشی از سفر
خود به تهران و ملاقات های
محرمانه اش با آقای بنی صدر
و دکتر سنجابی ارائه می دهد
او می گوید:
آقای بنی صدر قول داده
است که از ما در برابر دولت و
سپاه پاسداران حمایت کند و
جلو انحلال ستاد بسیج
عشایری را بکیرد. برای این
منظور ۳۰ میلیون تومان
بودجه به ما اختصاص داده
شده تا ما بتوانیم بطور
مستقل به افراد خود ماهیانه
۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان حقوق
بپردازیم. من به آقای بنی
صدر از اقدامات و کارشکنی های
استاندار کرمانشاه و مدیر کل
آموزش و پرورش و مسئولان
سپاه و هیئت ۷ نفره شکایت

سران خائن عشایر:
«اگر جناب بنی صدر نبود، همه ما را اعدام می کردند»
خواین و سران خائن عشایر آشکارتر از همیشه علیه انقلاب

کردم. ایشان ضمن نائید سخنان من قول همداگونه همکاری را داد و گفت من تنها شما را نماینده خود می دانم و برای شما حکم نمایندگی ریاست جمهوری صادر می کنم. وی حکم نمایندگی خود را به حاضرین سان می دهد و می گوید:
آقای رئیس جمهور به سرهنگ عطاریان فرمانده عملیات غرب دستور داد تا ما را زیر پوشش ارتش قرار دهد. آقای بنی صدر گفت چون احتمال دارد ستاد بسیج عشایری را منحل کنند بهتر است شما نام خود را به "ستاد جنگ های نامنظم چریکی" تغییر دهید.
فرخ خان سنجابی در ادامه "من پس از این ملاقات

امیدوار شدم. دیگر ما نباید زیر فشار این بچه های کم سن و سال ریشو (مطور یا سداران) برویم... اگر جناب بنی صدر و مسئله جنگ نبود. بزرگان ما را اعدام می کردند. پس ما باید اتحاد داشته باشیم و ارگان مسلحی به وجود آوریم و جلو هرگونه تعرضی را نسبت به خودمان بگیریم. ما باید در خط سیاسی بنی صدر حرکت کنیم چون او اصل ترین و میهن پرست ترین ایرانی است...
پس از فرخ خان، سید حسن خاموشی از طرف سید نصرالدین حیدری (رهبر فرقه اهل حق) سخن گفت. وی ضمن نائید سخنان فرخ خان گفت:
"ما باید عشایری را که همجوار کردستان هستند مانند جوانرودی ها و جافرا

مسلح کنیم و از بنی صدر در برابر دولت و پاسدارها حمایت نمائیم."
یکی از سران عشایر نیز به ملاقات بنی صدر و دکتر سنجابی با امام اشاره کرد و گفت:
"این آقایان خدمت امام رفتند و موافقت ایشان را برای عفو قلخانی ها کسب کردند. من رفتم که این حکم را به سران قلخانی ابلاغ کنم که هنگام بازگشت از طرف پاسداران در منطقه ریجاب و قلخانی به رکبار بسته شدم که خوشبختانه نجات پیدا کردم."
بنی صدر و دکتر سنجابی از ما حمایت می کنند ولی مسئولان منطقه و پاسداران مخالف ما هستند. بنابراین باید ما روابطمان را با

بنی صدری ها کسترش دهیم"
در کردهمایی سران عشایر مطالب دیگری نیز گفته شد که همگی حکایت از تدارک توطئه های تازه از طریق مسلح کردن عوامل خواین، مبارزه با پاسداران و هیئت های ۷ نفره و حمایت همه جانبه از آقای بنی صدر داشت. در پایان این کردهمایی سران خائن عشایر به قرآن سوگند می خوردند که به یکدیگر خیانت نکنند و تا پایان راه با هم باشند و اگر اتفاقی برای هر کدام از آنها پیش آمد، دیگران از او حمایت کنند. سپس قطعنامه ای قرائت می شود که بعضی از مفاد آن چنین است:
۱- پشتیبانی قاطعانه از آقای بنی صدر و خط سیاسی ایشان.
۲- مسلح کردن سیخ عشایری به سلاح های سنگین و کسب اجازه برای ایجاد دفتر و فعالیت مستقل.
۳- جلوگیری از تبلیغات بر ضد سران عشایر از طرف هر مقام و گروه بخصوص پاسداران، هیئت های ۷ نفره فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده.
۴- دادن امان نامه به قلخانی های فراری و مسلح کردن آنها.
۵- پذیرش رهبری دکتر سنجابی به عنوان رئیس ستاد و قبول نمایندگی فرخ خان سنجابی به عنوان نماینده رئیس جمهوری.
۶- مسافرت آقای بنی صدر به منطقه با پیشنهاد سران عشایر و تشکیل جلسات سران برای تحدید پیمان و اتخاذ تصمیمات لازم و توسعه تبلیغات.
۷- عدم همکاری با ارگان ها و نهادهای انقلابی به ویژه سپاه پاسداران و قبول دستورات فرماندهان ارتش

کرمانشاه: بگزارش
خسرگراری بارش سران
عشایر کثیر - سنجابی -
کوران، دلخاس، زندسکی،
باماجابی، زردلان، عثمان،
جلالیوند، سرسرو، آند،
عاهی دشت - جوان رز -
رواسر و کلاتوند در یک
گرد میانی سسی اعلام
آغادگی برای سرد ما فوای
کفر سدها بگرسسی - طی
قطعنامه ای خواین تداوم
اطلا ب بحث فوای سمار
استقلال - آزادی جمهوری
اسلامی و اجرای قانون
اساسی سندن هم حسی در
کشاوری سندن.

این قطعنامه ضمن حمایت از
عقاد ریاست جمهوری که مورد
شند رهبر انقلاب و ملت
ایران است، اظهار داشتند
که با تحمل محرومیت ها و
تاسف های ناشی از جنگ
حمله از هر گونه اذیت و
ماداری دروغ نخواهد کرد.
سرک کسندگان در این
گروه های هم حسی خواین
برقراری امنیت قضائی و
اقتصادی کشور و پیمان دادن
به نخلهای سسر مسئولان
افراد سا آگاه در بخش
کشاوری سندن.

ما در شماره های گذشته
کار مطالبی در افشای ستاد
سیخ عشایری و نقش سران
خائن آن که بسیاری از آنان
روابط برون مرزی با ضد
انقلاب و دار و دستدالیربان
بخنار دارند، منتشر
کردیم. کردهمایی اخیر
شان می دهد این توطئه ها
به مراحل خطرناکی رسیده
است کدیاید هرچه زودتر
آن را درهم شکست

بنابها دعای خوانین:
* آقای بنی صدر برای
"فرخ خان سنجابی" حکم
نمایندگی ریاست جمهوری
صادر کرده و ۳۰ میلیون
تومان بودجه به ستاد بسیج
عشایری اختصاص داده است
* فرخ خان سنجابی:
"من در ملاقاتم با آقای
بنی صدر از استاندار، سپاه
پاسداران و هیئت های ۷
نفره شکایت کردم. ایشان
مراتئید کرد و گفت: من
تنها شما را نماینده خود
می دانم!"
* سران عشایر: "ما باید
در خط بنی صدر حرکت کنیم
و با تمام نیرو از او پشتیبانی
نمائیم."
* توطئه های سران خائن
عشایر به مراحل خطرناکی
رسیده است هرچه زودتر
این توطئه ها را درهم بشکنید

قطعنامه گردهمایی
سران عشایر غرب کشور
**عشایر غرب ضمن
حمایت از رئیس
جمهور خواستار
برقراری امنیت
قضائی شدند**

بقیه از صفحه ۴

سربازان، قهرمانان...

فرمانده اردوگاه بلند شد:
- به صف، به صف! زود
باشید، صف ببندید!
دست و پایم سرد شده بود
فرمانده آمد جلوی چادرم تا
مرا دید با عصانیت فحشی
داد و داد کشید:

- تو که هنوز خوابیدی،
مگر اینجا...
پتویم را کنار زده و از
چادر بیرون آمدم. بچه‌ها
به صف ایستاده بودند.
من هم رفتم کنار آنها -
ایستادم. بعد فرمانده طبق
معمول شروع به سخنرانی
کرد...

براستی که حیانت برخی
فرماندهان تاکنون جان‌های
عزیزی را تسلیم مرگ
کرده است. دلم می‌خواست
با صدای بلند فریاد بزنم
که:

فرماندهان خودفروخته
خیانت می‌کنند، اما سربازان
میهن در جبهه‌ها حماسه
می‌آفرینند.

از یادداشت‌های
یک‌روزمنده در جبهه

به طرفم شلیک می‌کرد. در
دشت، تنهای تنها بودم.
سرم گیج می‌رفت. دشت دور
سرم شروع به چرخیدن کرد.
در برابرم همه‌جا تاریک شد
و دیگر هیچ چیز نفهمیدم.

* * *
نمی‌دانم ساعت چند بود
که چشم‌هایم را باز کردم.
تاریکی همه‌جا را گرفته بود.
درون چاله‌ای بودم. از
جایم بلند شدم. اسلحه‌ام
هنوز توی دستم بود. کم‌کم
آنچه را که گذشته بود، به
یاد می‌آوردم. به بدنم
دست کشیدم. همه‌جایم سالم
بود. از چاله بیرون آمدم.
نمی‌دانستم کجا هستم صدای
تکتیرهایی می‌آمد.

نمی‌دانستم مال خودی است
یا از دشمن است. تمام تنم
درد می‌کرد. نمی‌توانستم
قدم از قدم بردارم. باد
سردی می‌وزید. حواسم کم‌کم
جا می‌آمد. یکی دو ساعتی
سرگردان از سمتی به سمت
دیگر رفتم تا هوا روشن شد و
مسیر را پیدا کردم. با تنی
خسته و غمی سنگین به
اردوگاه رسیدم. آنجا کسی
به کسی نبود. به چادرم
پناه بردم. از سرما پتویم
را دور خودم پیچیدم. هنوز
گرم نشده بودم که صدای

حالا زیر آتش دشمن بودم
از همه طرف به من شلیک
می‌کردند. از آن دو سرباز
هم دیگر خبری نداشتم.
اسلحه‌ام را محکم چسبیده
و از سراشیب کوه چنان
می‌دویدم که هر لحظه امکان
داشت با سر به زمین آمده و
مغزم داغان شود. چنانچه
مهاجم عراقی دنبالم گذاشته
بودند. از پشت سر در حال
دویدن به طرفم شلیک
می‌کردند. بطور ماریج به
دویدن ادامه دادم. یک
لحظه هم نمی‌توانستم سرم را
برگردانم. گلویم خشک شده
بود. چشم‌هایم دیگر درست
نمی‌دید. حلقه اشکی جلوی
دیدم را گرفته بود. صدای
چکمه‌های مهاجمین عراقی که
دنبالم می‌دویدند، در گوشم
چنان صدا می‌کرد که انگار
پرده‌های گوشم را می‌خواست
پاره کند. احساس کردم دارم
تسلیم می‌شوم. پیش خود
گفتم:

- نه هرگز تسلیم نخواهم
شد، من باید قهرمانی‌های
سربازان و خیانت فرمانده را
به گوش مردم برسانم.
پس با زهم سریع‌تر و
سریع‌تر به دویدن ادامه
دادم. کنترل قدم‌هایم دیگر
با خودم نبود. دشمن هنوز

و راحت داشتند جلو
می‌آمدند. به سربازهای
خودی اشاره کردم که سمت
راستی‌ها را نشانه بگیرند.
مگسک تفنگم را روی سر دسته
مهاجمین میزان کرده و همراه
سربازها با همدیگر در یک
لحظه به روی آنها آتش
گشودیم. سه نفر از آنها
درجا از پا درآمدند. سه نفر
دیگر از آنها که سالم مانده
بودند، مثل موش توی
سوراخی خزیده بودند. حالا
درست توی مشتم بودند.
دیگر امان ندادم تفنگم را
روی رگبار گذاشته و از سنگر
بیرون آمده و به طرفشان
شروع به دویدن کردم.
همینطور که می‌دویدم در
یک لحظه به روی آنها آتش
گشوده و به سرعت از سمت
دیگر از سراشیب کوه به طرف
اردوگاه شروع به دویدن
کردم.

* * *

.. نه هرگز تسلیم نخواهم شد
من باید قهرمانی‌های سربازان
و خیانت فرمانده را
به گوش مردم برسانم.

شده بود. دشمن خیال
می‌کرد که همه ما عقب‌نشینی
کرده‌ایم. اما من و دو سرباز
دیگر در کمین نشسته و انتظار
آنها را می‌کشیدیم. سربازها
با فاصله از من جای دیگری
سنگر گرفتند. آنها هر کدام
دو گلوله بیشتر نداشتند. با
وجود این نمی‌خواستند عقب
نشینی کنند. اما من هنوز ۵
گلوله برایم باقی مانده بود.
دشمن آرام، آرام می‌خزید و
بالا می‌آمد. نفسم را در
سینه حبس کرده و لوله تفنگه
را ثابت نگهداشته بودم. در
گروه سه نفری آنها را به
راحتی می‌دیدم. حالا ۲۰۰-
۳۰۰ متر با من فاصله داشتند
به آنها فرصت دادم تا خوب
جلو بیایند. یک گلوله را هم
بی‌هدف نمی‌خواستم از دست
بدهم. پنج گلوله‌ام باید
درست پنج تجاوزگر را به
خاک می‌نشانید. هیچ صدایی
از دور و بر شنیده نمی‌شد.
مهاجمان عراقی خیالشان
راحت شده بود. حالا
همه‌شان از پشت سنگ‌ها
بیرون آمده به هم نزدیک شده

بقیه از صفحه ۱۴

اخبار

اجرای پیام تاریخی امام خمینی ضامن صلح در کردستان است

اخیرا کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان
ایران (پیروکنگره چهارم) اعلامیه‌ای با عنوان فوق
منتشر نموده که در زیر قسمت‌هایی از آن را نقل
می‌کنیم:

"... بقای انقلاب ما در گرو اقدامات مشترک
همه نیروهائی است که صادقانه از انقلاب و از
دستاورد های آن دفاع کرده و اجازه نمی‌دهند
امپریالیسم و همدستان منطقه‌ای و داخلی بار
دیگر بر سر نوشت کشور ما حاکم گردند. باید
برای تحکیم استقلال ملی قبل از هر چیز انقلاب
را با اقدامات اساسی، ریشه‌ای در جهت بیشتر
مردمی کردن، پیش برد. باید پایگاه‌های مادی و
فکری امپریالیسم و همدستان وی را در شهر و
روستا از بین برد. دست متحدان و دلالان
وابسته امپریالیسم را از شهر و روستا، از کارخانه
و شرکت‌ها و مزارع و دانشگاه کوتاه کرد. بدون
مردمی کردن کامل انقلاب، بدون مردمی کردن
کامل حاکمیت، بدون سد کردن مناطق زیر نفوذ
امپریالیسم و ارتجاع، دشمن رانده شده از در،
از پنجره باز می‌گردد.

در شرایطی که حادثه آفرینی محافل
امپریالیستی علیه استقلال ملی و تمامیت ارضی
ایران تشدید می‌شود و مطبوعات و شخصیت‌های
امریکائی از مجازات ایران و لزوم ایجاد مرزهای
معتولاندر بر حسب ترکیب‌های قومی در
کشورهای نظیر ایران دم می‌زنند و گروهک‌های
ضدانقلابی نظیر دار و دسته قاسم‌لو هر روز از
کمک‌های بیشتر عراق و دول ارتجاعی و
امپریالیستی جهت توسعه آتش‌افروزی بهره‌مند
می‌شوند، حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای
ایجاد امنیت در این منطقه استراتژیک بیش از هر
زمان دیگر ضرورت می‌یابد.

چادارد مسئولین صادق جمهوری اسلامی در
دومین سالگرد انقلاب در چهارچوب قانون
اساسی جمهوری اسلامی و پیام تاریخی امام
خمینی مسئله حقوق مردم کردستان و دیگر
خلفه‌های ایران را تعیین و اعلام داشته با تمدید
عفو امام و رفع محاصره اقتصادی و افتتاح مدارس
و دبیرستان‌ها و بازگردانیدن کارمندان و
آموزگاران صادق به کارشان و از بین بردن حالت
استثنائی کردستان به تحکیم انقلاب در کردستان
کمک کرده و ضدانقلاب و وابستگان بیگانه را منزوی
نمایند.

تاخیر در حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان
کمک به بقا و تقویت ضدانقلاب و بی‌توجهی به
پیام امام و منافع واقعی انقلاب و قانون اساسی
است.

لاینحل ماندن مسئله کردستان یکی از راه‌های
نفوذ امپریالیسم است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویب
رسیده، امام خمینی طی پیام تاریخی ۲۶ آبان
ماه خود وعده رفع هر نوع تبعیض سیاسی،
اقتصادی و فرهنگی را به مردم کردستان داده
و اداره امور محلی کردستان را حق مردم ساکن
آن دانسته است ولی متأسفانه کارشکنی‌های ضد
انقلاب از هر دو سو و ندانم‌کاری‌ها سبب شده
است که هنوز کردستان به صورت حلقه ضعیف
انقلاب و نقطه امید ضدانقلاب باقی بماند.

در حالیکه رفته رفته یکبعد نگری درباره
مسائل کردستان و انگیزه‌های جنگ کنار گذاشته
می‌شود، راه‌یابی ریشه‌ای و انسانی قضیه، توجه
مسلمانان صادق و همه نیروهای علاقمند به
وحدت و تمامیت ارضی ایران و برادری و برابری
خلفه‌های میهن واحد را به خود جلب می‌کند و
تا حدودی هم دست آن عده از مسئولین دولت
موقت هم رو می‌شود که طی سال ۵۸ فتوادل‌های
ساواکی کرد و ترک و سرسپردگان رژیم سابق را با
پول‌گزار و اسلحه انقلاب و جمهوری اسلامی
علیه روستائیان و مردمی که خواستار رفع
تبعیضات میراث دوران رضاخان و محمدرضا
بودند استخدام کرده و بدین وسیله آب به آسیاب
ارتجاع و ضدانقلاب محلی و منطقه‌ای ریخته و
آتشی افروختند که هنوز شعله آن زبانه می‌کشد.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

به مناسبت پانزدهمین سال درگذشت دکتر مصدق

مصدق خواهان مبارزه علیه امپریالیسم بود

لیبرال‌ها که امروز زیر نام مصدق پنهان شده‌اند خواهان سازش با امپریالیسم هستند

لیبرال‌ها بخشیده است. اما واقعیت غیر از این است و لیبرال‌ها امروز به هیچ‌کدام از آرمان‌های استقلال‌طلبانه مصدق وفادار نیستند. آنها در طول نزدیک به ۳۰ سال، راه سازش را با امپریالیسم طی کرده‌اند. قدم به قدم در برابر این دشمن غدار خلق ما عقب نشسته‌اند و در طول این مدت منافعی که چنان به منافعی امپریالیست‌ها گره خورده است که دیگر بدون آن می‌میرند! لیبرال‌ها امروز نه چون مصدق، مبارز راه استقلال و آزادی میهن، بلکه به منادیان تسلیم و شکست تبدیل شده‌اند.

لیبرال‌ها در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی اکنون با تبلیغات ضدکمونستی و قیل و قال پیرامون به اصطلاح "خطر کمونیسم" کوشش می‌کنند این نسخه قدیمی دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم را علیه دولت ضدامپریالیست جمهوری اسلامی خطبه خط پیاده کنند و در این راه حتی ذره‌ای "ابتکار عمل" از خود نشان نمی‌دهند! سرتاسر صفحات روزنامه میزان، ارگان لیبرال‌ها و نیز انقلاب اسلامی به چنین سیاست‌هایی آکنده است.

طرح مسائلی از حمله نفوذ کمونیست‌ها در دولت، "القاء ایدئولوژی" نیروهای خط امام به وسیله کمونیست‌ها، "خطر شوروی" و ... همه بدین منظور صورت می‌گیرد که مسیر انقلاب ضدامپریالیستی خلق را منحرف ساخته و گریبان امپریالیسم آمریکا را از چنگ مردم زحمتکش ما خلاص کند. آنها در این تبلیغات ضدانقلابی و سازشکارانه از نام مصدق تنها به منظور فریب توده‌ها و جلب آنها به سمت سیاست‌های خود بهره‌برداری می‌کنند. اما بدشمنی لیبرال‌ها در این است که پیشرفت انقلاب و تجارب سال‌ها مبارزه خونین امکان موفقیت آنها را در پیشبرد چنین سیاست‌هایی بسیار ضعیف ساخته است. هر چند دولت جمهوری اسلامی در همکاری با انقلابیون کمونیست و کشورهای ترقیخواه جهان بسیاری از اشتباهات مصدق را تکرار کرده و با اقدامات تنگ‌نظرانه و غیرمسئولانه مانع از وحدت صفوف مردم شده و سرنوشت انقلاب را به مخاطره می‌اندازد، اما آگاهی روزافزون مردم و شور انقلابی توأم با نفرت بی‌پایان از امپریالیسم، بزرگ‌ترین ضامن حفظ و گسترش انقلاب و شکست سیاست‌های امپریالیستی-لیبرالی است. هر روز که می‌گذرد مردم قهرمان ایران بیشتر به ماهیت سیاست خائنانه لیبرال‌ها پی برده و ایستادگی سیاستمداران ورشکسته را از خود می‌رانند. میتینگ اخیر لیبرال‌ها که تجربه شکست خورده دیگری بر "سوابق مبارزاتی" آنان افزود. گواه این ادعاست. مردم قهرمان ایران درمی‌یابند که تشابه سیاست‌های کنونی لیبرال‌ها با امپریالیسم و ارتجاع امری اتفاقی نبوده و از ماهیت این جریان ورشکسته ناشی می‌شود. چنین تشابهی علیرغم همه عوامفریبی‌ها نشانه آشکار درغلطیدن لیبرال‌ها به آغوش امپریالیسم و نتیجه محتوم دشمنی آنها با استقلال، آزادی و رفاه زحمتکش میهن ماست.

بر زمینه بی‌بها کردن و انکار لاجوجانه خدمات مصدق از طرف بخشی از نیروهای خط امام، لیبرال‌ها پیش از پیش فرصت یافته‌اند که خود را ادامه دهندگان راه مصدق جا زده، با سو استفاده از نام او برای خود کسب محبوبیت کرده و ماهیت رسوایی خود را پرده‌پوشی کنند. اما واقعیت قیصر از ادعاهای دروغین لیبرال‌هاست. آنها که برخی از نمایندگانشان زمانی در کنار مصدق جای داشتند، اکنون به انقلاب، مردم و از جمله به آرمان‌های استقلال‌طلبانه مصدق خیانت کرده و به منادیان سازش و تسلیم به امپریالیسم تبدیل شده‌اند. گواه این ادعا را می‌توان از تشابه سیاست‌های سازشکارانه و ضدانقلابی لیبرال‌ها در قبال خط مشی ضدامپریالیستی نیروهای خط امام با سیاست‌هایی که در ۳۰ سال پیش دشمنان انقلاب برای سرنگونی دولت مصدق به کار گرفتند، دریافت. لیبرال‌ها امروز زیر نام دفاع از مصدق و در واقع برای شکست انقلاب به همان شیوه‌های تبلیغاتی توسل می‌جویند که امپریالیسم و ارتجاع ۳۰ سال پیش علیه دولت مصدق به کار گرفتند. چنین تشابهی ناهم‌زمانی، بلکه ناشی از دشمنی مشترک این نیروها با استقلال و آزادی میهن ماست.

اولاً: جلوی اقدامات ترقیخواهانه مصدق را سد کرده و مانع تعمیق جنبش شود
ثانیاً: به دلیل هراس مصدق از کمونیست‌ها او را علیه کمونیست‌ها برانگیخته و وی را به اقدامات شدیدتر ضدکمونستی وادار سازند تا از این طریق تفرقه و پراکندگی در صفوف جنبش خلق را هرچه بیشتر دامن بزنند. هدف دیگر امپریالیسم جلوگیری از نزدیکی دولت مصدق به کشورهای سوسیالیستی و همه دولت‌های مدافع استقلال ایران بود. امپریالیسم کوشش می‌کرد با این سیاست مصدق را از متحدین داخلی و خارجی جدا کرده، دولت وی را منزوی ساخته و به راحتی سرکوب نماید. و دیدیم که چنین نیز شد. امپریالیست‌ها سرانجام تحت شعار دروغین "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" و بر بستر تزلزل و تردید مصدق اشتباهات تاریخی او و همچنین اشتباهات جدی کمونیست‌ها دست به کودتا زده و رژیم آمریکائی شاه را مجدداً بر اریکه قدرت نشاندند.

مصدق علیرغم مبارزه با امپریالیسم، در همکاری با کمونیست‌ها جهت تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی و دوستی با کشورهای انقلابی تزلزل و دودلی بسیاری از خود نشان داد. او در مبارزه با دربار شاه، فتوادل‌ها و امپریالیسم، تزلزل و دودلی بسیاری نشان داد و به دلیل همین ضعف‌ها و ندانم‌کاری‌ها هم بار اصلی شکست جنبش برعهده اوست. هر چند که در این شکست هرگز نباید خطاهای جدی "حزب توده" را دست کم گرفت. با این همه مصدق هرگز راه سازش با امپریالیست‌ها را نپیمود. عدم سازش مصدق با امپریالیست‌ها، علیرغم ضعف‌ها و اشتباهات فراوانش به او در میان توده‌های مردم اعتبار زیادی بخشید و مردم ایران همواره خاطره او را به سان یک رهبر ملی و ضدامپریالیست گرامی داشتند و خواهند داشت.

به اعتبار همین محبوبیت است که امروز لیبرال‌ها نام مصدق و مبارزات او را دستاویزی برای فریب توده‌ها و پیشبرد مقاصد خیانتکارانه خود قرار داده‌اند. نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران که برخی از آنان زمانی در کنار مصدق قرار داشته‌اند، کوشش می‌کنند که امروز نیز خود را ادامه دهند راه او جلوه‌گر ساخته و به اعتبار نام مصدق ماهیت سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه خود را پرده‌پوشی کنند. متأسفانه برخوردهای خصمانه و تنگ‌نظرانه پاره‌ای محافل جمهوری اسلامی با مصدق نیز عملاً زمینه عوامفریبی وسیع‌تری به

چهاردهم اسفندماه سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق است. مصدق در دوران پر جوش و خروش مبارزات مردم ایران علیه سلطه امپریالیسم انگلستان بر میهن ما که تحت شعار "ملی کردن نفت" جریان داشت. در رأس جنبش ملی قرار گرفته و آن را رهبری نمود. مردم ایران در طول این مبارزات پیروزی‌های بزرگی به دست آوردند و به امپریالیسم شکست‌های جدی وارد ساختند. تشکیل دولت ملی و ضدامپریالیستی مصدق از پیروزی‌های بزرگ این دوره بود که به همت جانبازی توده‌های مردم پدید آمد و با قیام ۳۰ تیر از آن در برابر یورش ارتجاع، پاسداری شد.

دولت ملی مصدق که مولود مبارزات مردم ایران بود، از همان ابتدا مورد خشم و نفرت و آماج توطئه‌های گوناگون همه دشمنان استقلال و آزادی ایران قرار گرفت. پیروزی‌های متوالی مردم ایران در مبارزه قهرمانانه‌شان علیه سلطه استعمار، جنبش‌های رهایی‌بخش دیگر خلق‌ها را نیز شتاب تازه‌ای بخشیده بود. از همین رو امپریالیست‌ها دست در دست ارتجاع داخلی، یعنی دربار شاه فتوادل‌ها، سرمایه‌داران وابسته، امرای ضد خلقی ارتش و سازشکارانی که پس از قیام ۳۰ تیر به جبهه دشمنان انقلاب پیوسته بودند، تلاش مشترک و هماهنگی را برای سرنگونی دولت مصدق و شکست جنبش آزادیبخش ملی آغاز کردند.

یکی از عمده‌ترین تاکتیک‌های جبهه مشترک ضدانقلاب در مبارزه علیه دولت مصدق توسل به تبلیغات ضدکمونستی و جاروجنجال حول به اصطلاح "خطر کمونیسم" بود. امپریالیسم بارها این روش را در مبارزه علیه دولت‌های ملی به کار گرفته و در بسیاری از موارد نتایج مطلوبی نیز کسب کرده بود. دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی همواره کوشش کرده‌اند از گرایش ضدکمونستی دولت‌های ملی استفاده کرده، چنین گرایشی را در آنها تقویت نموده و با دامن زدن به تبلیغات ضد کمونیستی و "خطر کمونیسم" جناح‌های ضد کمونیست آنها را به سوی خود جلب کنند. امپریالیسم و ارتجاع، این شیوه را در مبارزه علیه دولت مصدق نیز به کار گرفتند. روزنامه‌های وابسته به دربار از این نوع تبلیغات که تماماً در کارخانه‌های دروغ‌سازی امپریالیست‌ها ساخته شده، بسته‌بندی می‌شد و روانه ایران می‌گشت، پر بود. فایده این روش امپریالیستی آن بود که:

همه راه‌های مبارزه را برای دفع تجاوز رژیم جنایتکار صدام به کار گیریم

نحکیم رژیم‌های ارتجاعی و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه مردم منطقه اهمیت فراوانی دارد بیش از هر چیز منافع جنگ‌افروزترین محافل امپریالیستی آمریکا را تامین کرده و خطر جدی برای صلح جهانی است. از این رو تمامی نیروهای ترقیخواه و صلح طلب منطقه و جهان خواهان پایان یافتن جنگ هستند و آن را علیه منافع مردم ایران و عراق و همه مردم که علیه امپریالیسم در مبارزه‌اند، توصیف می‌کنند و تلاش‌های وسیع و همه‌جانبه‌ای برای خاموش کردن نائز جنگ به عمل آورده‌اند. تلاش این محافل از چنین زاویه‌ای باید ارزیابی شود. این نظرگاه که نظرگاه دوستان انقلاب مردم ما است، با هدف‌ها و آرمان‌های انقلابی و ترقیخواهانه مردم ما انطباق دارد و در راستای تعمیق انقلاب ما و پیشرفت مبارزات حق طلبانه و استقلال جویانه مردم منطقه و جهان به دفع تجاوز و پایان جنگ می‌نگرد و بدون تردید هر تلاش صلح - آمیز آنان نمی‌تواند از حمایت مردم ایران و نیروهای ترقیخواه و انقلابی میهن برخوردار نباشد.

از سوی دیگر رژیم صدام و حامیان امپریالیست آن در تحقق هدف‌های این جنگ تجاوزکارانه تا آنجا که به انقلاب مردم ما مربوط است، با شکست‌های مفتضحانه‌ای روبرو شده‌اند. شکست آنان محصول ناگزیر مقاومت برحق و پیکار عادلانه مردم ما علیه تجاوزگران است. رژیم جنایتکار صدام که در وهله اول هم‌آواز با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمام رژیم‌های ارتجاعی منطقه و جهان خواهان صدور ضدانقلاب و شکست انقلاب ایران بود، نه تنها نتوانست به این هدف دست یابد بلکه در تحکیم حاکمیت پوشالی خود با توسل به شونیسیم و احساسات ناسیونالیستی به منظور منحرف ساختن مبارزات مردم عراق نیز با ناکامی و شکست روبرو بوده است.

جنگ برای مردم ستمدیده عراق نیز حاصلی جز مرگ و

ویرانی و نابسامانی‌های فراوان نداشته است. ادامه تجاوزات رژیم صدام علیه انقلاب مردم ایران که با سرکوب مبارزات مردم عراق و تشدید دیکتاتوری و فشار همراه بود، با مبارزه پیگیر و تلاش‌های آگاه‌گرانه و فعال نیروهای ترقیخواه و مردمی عراق و دول مترقی عرب که هدف‌های ضد مردمی رژیم جنایتکار صدام را قاطعانه افشا کرده و می‌کنند، پایه‌های لرزان حکومت دار و دسته رژیم صدام را لرزان ساخته است به این دلیل اینکه که جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام از هر سو با شکست و ناکامی روبروست صدام و حامیان او نیز خواهان آنند که این جنگ حتی‌الامکان به نفع رژیم صدام و همه حامیان آن پایان گیرد.

روشن است که رژیم صدام و محافل امپریالیستی زیر فشار ناگزیر نیروهای مردمی صلح طلب و ترقیخواه ایران و جهان که مانع از اجرای نقشه‌های دلخواه آنان است، خواستار صلحی باشند که اولاً رژیم صدام را نه به عنوان یک رژیم متجاوز بلکه رژیمی که برای تامین خواست‌های مردم عراق ناگزیر از جنگ با ایران بوده‌است، معرفی کند و در جهت تحکیم رژیم صدام خواستار امتیازهایی باشد و ثانیاً با موجه جلوه دادن سیاست‌های جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی به‌ویژه امپریالیسم آمریکا تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم را علیه انقلاب ایران پوشیده نگهدارد و موقعیتی را که به امپریالیست‌ها امکان پیشبرد سیاست تجاوز و توطئه، نظامی‌گری و مسابقه تسلیحاتی را می‌دهد از بین نبرد. این امر تنها با حفظ وضعیت بی‌ثبات و نامطمئن در مرزهای ایران و عراق و کلاً در منطقه از یک سو و تبلیغات پر سرو صدا مبنی بر "خطر سرخ" در ایران و منطقه از سوی دیگر امکان پذیر است ثالثاً حتی‌الامکان با عقب راندن ایران از مواضع حق - طلبانه‌اش و با پیروز جلوه دادن تجاوزگران و اهمیت و نقش مقاومت و اراده خلیق‌های ایران و منطقه را در درهم

شکستن تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم و رژیم‌های دست نشانده آن هرچه ممکن است بی‌بها گرداند. در مقابل این صلح، مردم ایران و تمامی نیروهای ترقیخواه و مردمی از صلحی دفاع می‌کنند که اولاً بر ماهیت تجاوزکارانه و ضد مردمی و تحمیلی جنگ از جانب رژیم جنایتکار صدام سرپوش نگذارد، آن را محکوم بشناسد و بردفع تجاوز تاکید ورزد.

ثانیاً تجاوزات امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های کوچک و بزرگ آن را در سرکوب انقلاب ایران و مبارزات مردم منطقه بازگوید و هدف‌های میلیتاریستی و جنگ‌افروزانه امپریالیسم آمریکا را در منطقه محکوم سازد.

ثالثاً بر عادلانه بودن مقاومت خلیق‌های ما صحه گذاشته و پیروزی مردم را در پیکار علیه تجاوزگران محدود نسازد.

رابعاً موضع صلح طلبانه ما و این حقیقت آشکار را که مردم ایران و عراق دشمن جنگ و جنگ‌افروزانند به روشن‌ترین صورتی به اثبات رساند و در عین حال نشان دهد که چگونه می‌توان اختلافات احتمالی را با روش‌های مسالمت‌آمیز به نفع مردم ایران و عراق و به سود استقلال، صلح، آزادی و رهائی زحمتکشان سراسر جهان از میان برداشت و حل کرد.

خامساً همبستگی مردم ایران و عراق را تضمین کند و بر این حقیقت که در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و تمامی نیروهای مورد حمایت آنان ما خود را دوست و هم - سنگر مردم عراق و نیروهای مردمی، ترقیخواه و انقلابی عراق می‌شناسیم، تاکید ورزد و بر این اعتقاد راسخ ما تاکید کند که سرنوشت مردم عراق به دست خود مردم عراق تعیین می‌گردد.

براین پایه مواضع ما در هر مذاکره‌ای پیرامون صلح روشن است و دولت جمهوری اسلامی ایران باید بر این پایه عمیقاً درک کند که تا چه میزان آنچنانکه تجربه اخیر نیز نشان می‌دهد استفاده از

بعد از تلاش‌های اولاف پالمر نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد سفر هیئت جدید به ریاست سکوتوره به ایران - شبیه نهم اسفند تا دوشنبه یازدهم اسفند - اقدام تازه‌ای بود که در سطح بین‌المللی برای گشودن باب مذاکره پیرامون جنگ ایران و عراق صورت گرفت.

ترکیب اعضای هیئت نشان می‌دهد که بلوک‌های سیاسی متفاوت و حتی متضاد در عرصه بین‌المللی با این اقدام موافق بوده و بدون تردید هدف‌های متضادی را نیز تعقیب می‌کنند چه در کنار سکوتوره و یاسر عرفات که از شخصیت‌های ملی، ترقیخواه و صلح طلب جهان به حساب می‌آیند چهره‌های منفور و امریکائی همچون ضیاء الحق و ضیاء الرحمن نیز دیده می‌شوند. این ترکیب در عین حال نشانه موقعیت و اعتبار بین‌المللی هیئت نیز بود.

برخورد جمهوری اسلامی ایران با این هیئت و به‌ویژه ملاقات هیئت با آیت‌الله خمینی نشانه ارزیابی درستی است که دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران پیرامون اهمیت اقدامات دیپلماتیک و تلاش‌های سیاسی برای توضیح مواضع حق طلبانه ایران در جنگ تحمیلی و جنایتکارانه رژیم صدام با هدف دفع تجاوز به عمل آورده‌است.

اینک پس از گذشت ۵ ماه از جنگ تحمیلی و جنایتکارانه رژیم صدام در نتیجه مقاومت حماسه آفرین مردم ما بیش از هر زمانی آشکار شده‌است که تا چه حد پایه تجاوزات رژیم صدام در خدمت تامین منافع امپریالیسم آمریکا و تحکیم رژیم‌های دست‌نشانده آن در منطقه و علیه جنبش‌های ترقیخواهانه مردم منطقه و انقلاب میهنمان بوده‌است.

جنگ تحمیلی و جنایتکارانه رژیم صدام که آشکار و پنهان به تحریک و تشویق امپریالیسم آمریکا و دول مرتجع منطقه صورت گرفت در عین حال برای امپریالیسم به‌ویژه امپریالیسم آمریکا این امکان را فراهم آورد که به نحو مساعدتری هدف‌های میلیتاریستی خود را در منطقه تعقیب کرده و در تقویت نظامی خود در منطقه پیش از پیش توفیق یابد. تحکیم و تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه که در

اشکال مسالمت‌آمیز و سیاسی مبارزه برای دفع تجاوز بمشابه جزئی از مقاومت و پیکار عادلانه خلق ما می‌تواند و باید مورد استفاده قرار گیرد. مذاکره با هیئت اخیر و انعکاس مثبت سیاسی آن در همین زمان کوتاه در ایران و جهان خط بطلان بر این اندیشه نادرست که نفس مذاکره را سازش می‌خواند کشیده است و نشان داده است که مذاکره نه تنها مغایر با مقاومت نیست بلکه زمانی پیش می‌رود و به پیروزی می‌انجامد که نیروی مقاومت مسلح خلق بیش از پیش مورد تاکید قرار گرفته و تقویت و تحکیم یابد. هرگاه ما از مواضع روشن و منطبق بر مصالح انقلاب حرکت کنیم نه تنها از استفاده از اشکال مسالمت‌آمیز مبارزه برای دفع تجاوز روبروگردان نخواهیم بود بلکه بدون کوچک‌ترین هراس و تزلزلی از این شیوه‌ها نیز بیشترین نصیب را برخواهیم گرفت. بدون تردید صدام و حامیان او نیز از موضعی که درباره آنان برشمردیم و عکس مواضع ماست حرکت خواهند کرد و همچنان دست به مانورهای سیاسی و دیپلماتیک خواهند زد.

پیشنهاد آتش‌بس توسط صدام و حامیان امپریالیستش متوجه تحقق هدف‌های ضدخلقی آنان در شرایط کنونی است ما پذیرش آتش‌بس پیشنهادی صدام را مردود می‌شناسیم و آن را در جهت هدف‌های یاد شده و به زیان انقلاب و مردم ایران و عراق می‌دانیم و عمیقاً با آن مخالفیم و از این زاویه با مواضع دولت جمهوری اسلامی مبنی بر رد آتش‌بس پیشنهادی صدام و نیروهای حامی آن به دلیل آنکه ارتش تجاوزکار عراق سرزمین‌های ما را در اشغال دارد، موافقیم و از آن قاطعانه حمایت می‌کنیم.

ما بدون آنکه لحظه‌ای از ضرورت تقویت نیروی آتش در سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران غافل بمانیم، موظفیم در شکل‌های دیگر از جمله با شرکت فعال در مذاکره پیرامون صلح هدف‌های حق طلبانه خود را توضیح دهیم، هدف‌های تجاوزکارانه و ضد مردمی طرف مقابل را افشاء کنیم و به این ترتیب همه راه‌های مبارزه قهرآمیز و مسالمت‌آمیز را برای بیرون راندن مزدوران رژیم جنایتکار صدام از خاک میهنمان را توانمان به کار گیریم.

به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زنان کارگر (۸ مارس - ۱۷ اسفند)

زنان و انقلاب

گشتند. انقلاب و دستاوردهای آن تکان عظیمی به زندگی زنان جامعه ما داد. آگاهی آنان افزون تر شد و فرهنگ منحط امپریالیستی در میان آنان تضعیف گردید. اما متأسفانه پایه پای پیشرفت انقلاب، به حقوق زنان توجهی نشد. برخی از بدیهیترین حقوق زنان در امر خانواده نادیده گرفته شد و حق قضاوت از زنان سلب گردید. در مورد برقراری تساوی حقوق زنان و مردان کارگر در برابر کار مساوی اقدامی صورت نگرفت به جای بسط امکاناتی از قبیل ایجاد مهد کودکها و سایر وسایل رفاه زنان و آماده کردن زمینههای آموزش و اشتغال زنان به کار تولیدی و اجتماعی، عملاً و رسماً عمدهترین حوزه فعالیت زنان "خانه" تعیین گردید.

اعتقاد و وفاداری زنان به انقلاب هرگز نباید به عنوان تائیدی برای بی حقوقی از جانب آنان تعبیر شود. انقلاب نباید و نمیتواند نیروی عظیم زنان را نادیده انگارد. هرگاه قرار است جامعههای مستقل، آباد و دمکراتیک داشته باشیم، به ذره ذره نیروهای موجود در جامعه نیاز داریم. زنان ایران باید همچون خواهران رزمنده خود در ویتنام - کوبا و فلسطین، دوش به دوش برادران خود در سازندگی میهن انقلابی شرکت کنند و وسایل و امکانات این شرکت و اعتلاء آنان از نظر اقتصادی - اجتماعی و سیاسی فراهم شود. چنین چشم اندازی خاری است در چشم امپریالیسم و وابستگانش.

سازمان ما ضمن بزرگداشت ۱۷ اسفند (هشتم مارس) روز جهانی زنان کارگر، صمیمانه آرزو می کند که زنان میهن پرست، ترقیخواه و انقلابی ایران با فشرده تر ساختن صفوف خود، نقش موثرتری در پیشرفت انقلاب ایران برعهده گرفته و در راه تامین حقوق خویش با کامهای استوارتری به پیش تازند.

بین المللی زنان کارگر است. افتخار فراوان بر زنان! افتخار به این روز جهانی! زنان اولین کسانی بودند که در این روز خود به خیابانهای پتروگراد گام نهادند.

امروزه در بسیاری از کشورهای سرمایه داری زنان حق رای به دست آورده اند. سطح مبارزات زنان آنچنان اعتلاء یافته است که این حق به عنوان اولین قدم در مبارزه سیاسی آنان شناخته می شود. زنان در کشورهای سوسیالیستی به پیروزیهای عظیمی در راه کسب حقوق خود نائل آمده اند و همه زنان رزمنده جهان با پیگیری و اراده آهنین می کوشند که همچون آنان به راه سوسیالیسم و آزادی گام نهند.

* * *

مبارزات زنان ایران برای تامین حقوق خود، در چارچوب جنبشهای رهائی بخش خلق هایمان همواره برجسته نمایان بوده است.

زنان ایران از آغاز اوج گیری مبارزات اخیر که به قیام شکوهمند ۲۲ بهمن انجامید، نقش برجسته ای در نهضت برعهده گرفتند و در سطح ملیونی به عرصه کارزار و میدان مبارزه کشیده شدند. انقلاب اخیر ایران شاهد فداکاریها و دلاوریهای بی شماری است که زنان برای کسب استقلال و آزادی میهن از خود بروز داده اند.

شرکت توده های میلیونی زنان در حرکات و فعالیت های سیاسی قبل و بعد از انقلاب بیانگر حرکتی نوین در تاریخ مبارزات زنان ایران بود. زنان که طی سالیان دراز به علت سلطه انحصارات و دیکتاتوری نظام آریامهری در کنار برادران خود از هیچ گونه حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار نبودند. به همراه توده های قیام کننده از دستاوردهای انقلاب خلق نیرو گرفته و به میدان مبارزه سیاسی کشانده شدند. زنان هزارهزار به صف سازمان های انقلابی پیوستند و خود به نیروهای مبلغ انقلاب بدل

هشتم مارس روز همبستگی زنان سرتاسر جهان برای مبارزه در راه رسیدن به اهداف مشترک زنان جهان است. همه ساله در چنین روزی زنان مبارز از طریق گردهماییها و کنفرانسها صدای مبارزه جوی خود را به گوش جهانیان می رسانند. در کشورهای سوسیالیستی این روز تعطیل رسمی است و مراسم در سطح وسیعتری برگزار می شود.

مبداء این روز تظاهرات عظیمی است که در روز هشتم مارس سال ۱۹۰۷ توسط زنان رزمنده کارگر نساجی و بافنده آمریکائی در نیویورک برپا شد و در طی آن خواستهای زنان کارگر که عبارت از افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار روزانه به ۱۰ ساعت بود، مطرح شد. در دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست که در سال ۱۹۱۰ در شهر کپنهاگ برپا بود، روز هشتم مارس به عنوان روز بین المللی زنان کارگر توسط کلارازتکین، چهره برجسته جنبش کارگری آلمان پیشنهاد شد.

در سال ۱۹۱۱ روز بین المللی زنان بطور رسمی از سوی انترناسیونال دوم پذیرفته شد و از همان سال در برخی کشورهای اروپائی مانند آلمان، دانمارک، سوئیس و اطریش و از سال ۱۹۱۳ در روسیه تزاری برگزار شد. در سال ۱۹۱۷ در روز بین المللی زنان کارگر (۲۳ فوریه هشتم مارس) زنان کارگر به دعوت کمیته پتروگراد حزب بلشویک به خیابانها آمدند و تظاهراتی بر علیه گرسنگی - جنگ و تزاریسم برپا کردند. این تظاهرات از سوی کارگران به وسیله اعتصاب همگانی پشتیبانی شد. اعتصاب سیاسی به تظاهرات سیاسی همگانی بر ضد رژیم تزاری تبدیل گردید. در این روز انقلاب فوریه آغاز شد. یک هفته بعد پراودا در مقاله ای تحت عنوان "روز بزرگ" چنین نوشت:

"اولین روز انقلاب روز زنان روز

" سال ۱۳۲۰ بود. من دوتا بچه داشتم که پای پیاده از چهارمحال بختیاری به خوزستان آمدم، شوهرم به استخدام شرکت نفت درآمد. ما ابتدا در "نچار" عمومی زندگی می کردیم (توضیح اینکه در آن سالها کارگرانی که از دهات برای کار می آمدند در ابتدای ورود، خانه و سرپناهی نداشتند و در کنار اجاق های عمومی جای می گرفتند). بعدها یک چادری به ما دادند. در همان زمان جنبش ملی شدن نفت آغاز شد. مبارزه مردم و کارگران سبب شد که به ما منزل بدهند"

مادر سپس از مبارزات کارگران بر علیه انگلیسی ها صحبت می کند. از مقاومت دلاورانه کارگران صنعت نفت سخن می گوید و از اعدام یک جاسوس انگلیسی به دست کارگران خشمگین و اعتصابی شرکت نفت یاد می کند.

او از مبارزه زنان کارگر به هنگام اعتصابات شرکت نفت خاطره ها دارد:

"زنها راه انگلیسی ها را که می خواستند به شهر داخل شوند، بسته بودند. آنها لوله انداختند سرشان شان، رفتند سراغ انگلیسی ها تا بیرونشان کنند، به هنگام اعتصابات، زنان برای تشویق کارگران هلهله می کردند و کارگرانی

به مناسبت بزرگداشت روز زن (۸ مارس - ۱۷ اسفند) مصاحبه هایی داشتیم با:
- مادر رفیق شهید عنایت الله رئیسی،
- تعدادی از زنان در محلات
و با یک زن امدادگر فدایی.

* گفتگوی مادر فدائی شهید، رفیق عنایت الله رئیسی:

هنگامی که به منزل آنها وارد می شوم، نخست چهره محزون مادر قلم را می فشارد. او در غم فرزند شهیدش سوگوار است. به او سرسلامتی می دهم. سپس دلایل حضورم را برایش توضیح می دهم و می گویم که به مناسبت روز جهانی زن آمده ام تا سئوالاتی از او بنمایم. او نیز موافقت می کند. گفتگوی ما از همان اول از حالت مصاحبه و سئوال و جواب خارج می شود. مادر با لهجه خاص و شیرینش از سالهای رنج و زحمت گذشته سخن می گوید:



را که اعتصاب شکن بودند و یا اعتصاب نمی کردند، فحش می دادند و با جارو می زدند."

مادر از کودتای ۲۸ مرداد می گوید. از افزایش حقوق کارگران پس از کودتا، برای فریب کارگران و سپس از کاهش دستمزدها و اخراج هزاران کارگر صنعت نفت سخن می گوید از یورش ارتش شاهنشاهی برای دستگیری نمایندگان کارگران و

بقیه از صفحه ۲۵

زنان و...

مقاومت دسته‌جمعی مردان و زنان کارگر صحبت می‌کند.

می‌پرسم: مادر وضع شما بعد از کودتا چگونه بود؟

پاسخ می‌دهد:

همان موقع اسم شوهرم را نوشته بودند که بیرونش کنند ولی نکردند. وقتی که چهارسال مانده بود بازنشسته شود، با ده تومان بازخریدش کردند. هنگام ملی شدن نفت (سال ۳۲) فرزند بزرگم ۱۱ سال داشت. بچه‌ها اون موقع همه سیاسی بودند. بچه‌های کوچک کارگران همه سیاسی بودند. پسر بزرگم وقتی کودتا شد تو مدرسه عکس شاه رو پاره کرد و برای همین داغش کردند و بعد هم بیرونش کردن.

مادر بازم از شرایط سخت و مشقت‌بار زندگی کارگران نفت می‌گوید، از رفتار وحشیانه مدیران خارجی شرکت‌های حفاری نفت با کارگران می‌گوید و از بی‌حقوقی و زندگی زجرآور زحمتکشان داستان‌ها به‌خاطر دارد:

"پسر بزرگم وقتی از مدرسه بیرونش کردند، شروع کرد کار کردن - اول دوره‌گردی و بعد هم توی شرکت‌های حفاری نفت سدکو استخدام شد. از مادر می‌پرسم: مادر ممکن است بگویی که فرزندان از چه موقع فعالیت سیاسی داشتند؟ احساس خودت در این مورد چه بود؟

مادر می‌گوید:

"تقریباً سال ۵۰ بود که حشمت از پالایشگاه آبادان به تهران آمده بود. من هم تهران می‌آمدم و می‌رفتم. آن موقع آنها فعالیت می‌کردند. اعلامیه چاپ می‌کردند و پخش می‌کردند. من هم اعلامیه‌ها را برای خوزستان می‌بردم. می‌گفتم به‌من شک نمی‌کنند. ساواکی‌ها دوروبرمان بودند، اما نمی‌دانستند."

مادر از دستگیری حشمت و عنایت سخن می‌گوید و از حوادثی که در رفت و آمدش برای ملاقات فرزندان روی داده واقعه‌های زیادی به‌یاد دارد.

از او می‌خواهم درباره عنایت‌برایمان صحبت کند. او از تلاش‌ها و کوشش‌های عنایت و هم‌زمانش در دوران حکومت نظامی سخن می‌گوید: "بعد از ۱۸ شهریور ۵۸، کارگرها یک لحظه آرام نداشتند. عنایت هم جزو آنها بود. وقتی دیدند هر روز اعتصاب است و عنایت هم‌ماش سخنرانی می‌کند، اخراجش کردند، حشمت را هم اخراج کردند."

مادر در حالی که به‌گوشه‌های خیره شده است به‌گفته‌های خود ادامه می‌دهد:

"عنایت مورد اعتماد همه کارگران بود. اوایل، مذهبی‌ها بهش بی‌اعتماد بودند. چون می‌گفتند کمونیست است ولی بعد او اعتماد همه کارگران را به‌دست آورد. عنایت همیشه می‌گفت:

"ما با آمریکا در جنگیم. این را همیشه باید به یاد داشته باشیم."

مادر از شرکت خودش در تظاهرات مردم اهواز می‌گوید و در مورد جنگ ایران و عراق می‌گوید:

"آمریکا پشت‌سرش هست ما با آمریکا در جنگیم."

وقتی از شهادت عنایت می‌گوید، قطره‌های اشک روی چهره تکیده و سوخته‌اش می‌غلطد:

"وقتی از جبهه برمی‌گشت، خوشحال

می‌شدم. او به‌من می‌گفت شماها بروید تهران. من می‌گفتم تو در جبهه‌هستی من چطور بروم تهران؟ روز شنبه که از تهران رفتم اهواز دیدم در منزل شلوغ است از شلوغی فهمیدم که چیزی شده - دنیا بر سرم خراب شد. نفسم بند آمد و زمین‌خوردم. همیشه فکر می‌کردم که او یک‌روز باز می‌گردد. سر قبرش گفتم: "مادر تو آدمی نبودی که یکجا بند شوی، تو آدمی نیستی که در یک قبر تاریک بمانی، پرواز می‌کنی، تو یکجا نمی‌مانی تو در یک شهر و در یک کشور نمی‌توانی بمانی، تو باید به‌تمام دنیا پرواز کنی تو به‌تمام مردم زحمتکش دنیا تعلق داری." مادر می‌گوید:

"حتی برای سربازان عراقی هم گریه می‌کنم چون می‌دانم که آنها هم مثل بچه من مادر دارند و در بیابان‌های ایران کشته می‌شوند و جنازه‌های آنها در بیابان‌ها می‌ماند و کسی نیست آنها را خاک کند."

احساس او را در مورد جنگ‌افروزان می‌پرسم. در حالی که خشم و کینه از تمام وجودش زبانه می‌کشد، می‌گوید:

"آمریکا در چهارگوشه دنیا جنگ به‌وجود می‌آورد. میلیون‌ها مادر را در سراسر دنیا عزادار می‌کند. نسبت به آمریکا تمام مادران دنیا نفرت دارند. عراق بازیچه دست آمریکا شده است. هر جوانی که کشته شود مادر و پدر و برادر و خواهر دارد. هر روز صدها و هزاران نفر از مردم دنیا کینه و نفرت به آمریکا پیدا می‌کنند. این مردم، آمریکا را نابود می‌کنند. وقتی آمریکا و دوستانش نابود شوند، دیگر جنگ نیست و دیگر مادران این چنین به‌عزای فرزندان‌شان نخواهند نشست."

از مادر تشکر می‌کنم و به‌عظمت مادران و زنان زحمتکش میهن درود می‌فرستم. وقتی از منزل خارج می‌شوم، پیش خودم می‌گویم: برای مصاحبه با مادر یکی از شهدا آمده بودم اما او از زندگی و مبارزه هزاران کارگر و هزاران زن زحمتکش سخن گفت از هزاران مادری سخن گفت که در جنگ به سوک عزیزانشان نشسته‌اند. او وقتی با نفرت از امپریالیسم آمریکا سخن می‌گفت، تجسم کینه میلیون‌ها زن و مرد زحمتکش در سراسر جهان بود. با خودم می‌گفتم به‌راستی مادران چه عظمتی دارند آنگاه که پا به میدان مبارزه می‌گذارند؟

با یکی از رفقای دختر پزشک گفتگویی داریم درباره چگونگی شرکتش در قیام و عزیمتش به جبهه‌های مقاومت.

رفیق در پاسخ این سؤال که درباره روزهای قیام و کارهایی که کرده‌اید برایمان توضیح دهید می‌گوید:

"صبح روز ۲۱ به‌من در صف راهپیمایی سازمان، زمانی که رفیقی از بلندگو اعلام کرد خود را هر چه زودتر به نیروی هوایی برسانید از صف راهپیمایی خارج شدم و با سرعت به سوی بیمارستان نیروی هوایی شتافتم. اطراف بیمارستان پر بود از دختران و زنان که از بزرگ و کوچک در کنار برادران خود، گونی‌ها را برای برپا داشتن سنگرها از شن پر می‌کردند. به‌راستی که عظمت آن لحظات را هرگز فراموش نمی‌کنم. آن روزها زنان و دختران پرستار با کوشش‌های شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر همراه با شور و علاقه‌های فراوان، در بیمارستان‌ها به مراقبت از زخمی‌ها می‌پرداختند، آنها مایه امید و دلگرمی رزمندگان و مجروحین انقلاب بودند."

رفیق از روزهای پس‌از قیام و ضرورت کار وسیع در میان توده‌ها سخن می‌گوید. از گروه‌های امداد و کمک‌رسانی صحبت می‌کند. از رفتن به مناطق دوردست کشور و از کمک‌رسانی به

زلزله‌زدگان خراسان سخن می‌گوید. همچنین از برنامه‌های مستمر و پیگیری که در روستاها و کوره‌پزخانه برای رساندن امکانات درمانی و بهداشتی داشته‌اند، و بالاخره از اعزام به جبهه صحبت می‌کند.

از او می‌پرسم آیا پس از انقلاب جلوی حرکت شما به‌علت زن بودن گرفته شده؟

می‌گوید:

پس از انقلاب با شور بیشتری به میان توده‌ها رفتیم. مردان و زنان قیام‌کننده با دست‌های توانای خود همه سدها را شکسته بودند و دیگر مانعی نمی‌توانست جلوی حرکت ما را سد کند. زنان و دختران با امواج انقلاب به خیابان‌ها سرازیر شده و در آنجا به نیروی سازنده خویش پی برده‌اند و طبیعی است که دیگر حاضر نیستند تمام عمر را در کنج خانه سپری کنند.

در محله‌های حاشیه‌شهر و در روستاها و خلاصه همه‌جا شاهدیم که زنان و دختران جوان در گروه‌های نظامی تعلیم اسلحه می‌بینند و برای تمرین به میدان‌های تیر می‌روند. در جنوب زن‌ها در ستادهای نظامی، امداد و کمک‌رسانی متشکل شده‌اند. با تمام اینها همانطور که می‌دانیم هنوز بخش‌های وسیعی از زنان به‌دلایل گوناگون در چهاردیواری خانه محبوسند و علیرغم علاقه فراوانشان حتی قادر به شرکت در کلاس‌های سوادآموزی نیستند. همچنین زنان میهن ما از قوانین مختلفی چون نداشتن حق قضاوت، قانون خانواده و... رنج می‌برند. تغییر این قوانین و به‌رسمیت شناختن حقوق زنان توسط جمهوری اسلامی قطعاً به نفع انقلاب است و پافشاری جمهوری اسلامی بر این قوانین غیر عادلانه قطعاً ضربات جدی به انقلاب می‌زند. و چهره‌ای تیره از جمهوری اسلامی، ترسیم می‌نماید. ایجاد امکانات آموزشی مختلف برای زنان و ساختن امکانات برای نگهداری از فرزندان زنان شرایط مساعدی برای شرکت زنان در ساختمان جامعه نوین فراهم می‌سازد. چیزی که جمهوری اسلامی بدان توجه ندارد.

به‌هرصورت این مسئله را نیک می‌دانیم که هرچه انقلاب به‌پیش رود، هر چه وابستگی به امپریالیسم کاهش یابد، به‌همان نسبت وضع زندگی مردم بهتر خواهد شد و پایه‌پای آن ستم وارد بر زنان کاهش خواهد یافت و متقابلاً با بهبود وضع زندگی آنان و شرکتشان فعالیت‌های اجتماعی انقلاب بیشتر نیرو خواهد گرفت."

از چگونگی شرکت خودتان در جبهه برایمان بگوئید:

"بنا به رهنمود سازمان، داوطلب اعزام به جبهه شدم و تاکنون دو دوره در جبهه خدمت کرده‌ام."

از او می‌خواهم در مورد شرکت زنان در جبهه و پشت جبهه بگوید. رفیق چنین پاسخ می‌دهد: "به‌نظر می‌رسد که این سؤال را باید در دو بخش جواب بگویم:

اول - شرکت زنان آموزش دیده همچون پزشک و پرستار و بهیار و... در جبهه و پشت جبهه. درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و امدادهای صحرائی در جبهه و پشت جبهه بدون وجود دختران و زنان پرستار ساختمان‌هایی خشک و خالی هستند دختران و زنان با کوشش‌های شبانه‌روزی‌شان با تمام عشق و علاقه و مهربانی‌شان بیمارستان‌ها را سرشار از زندگی می‌کنند. به‌خوبی به‌یاد دارم که در بیمارستانی در جبهه، توپخانه سنگین در حیاط پشت بیمارستان مستقر بود و به‌ندرت بارش حمپاره‌های عراقی در عرض شبانه‌روز قطع می‌شد. حیاط بیمارستان دائماً پر از ترکش خمپاره بود

بقیه از صفحه ۲۶

زنان و...

در این بیمارستان نزدیک ۱۵ نفر دختر بوستار از ابتدای شروع جنگ و تخلیه شهر از خانواده‌ها خانه‌شان را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. آنها دور از خانواده در اطاق کوچکی در بیمارستان زندگی می‌کنند. زن بوستار حدود ۴۰ ساله‌ای مدت سه‌ماه است که داوطلبانه در این بیمارستان کار می‌کند. در بیمارستان دیگری در یکی از شهرهای جنوب، غیر از زنان بهیار و بوستار، دختران داوطلب بسیج که از کمیته‌های امداد امام و یا جهاد آمده‌اند، مثل فرقه کار می‌کنند و یک لحظه آرام ندارند. شرکت توده‌های معمولی زنان در جنگ عموماً به صورت غیرمستقیم است. آنها با تقویت روحیه شوهران و فرزندان‌شان می‌توانند نیروی خوبی برای پشت جبهه باشند. بخشی از آنها در فعالیت‌هایی چون تهیه بافتنی و شستشوی لباس و آشپزی برای جبهه شرکت دارند.

از او به‌عنوان آخرین سؤال می‌پرسم چه خاطره‌ای از جبهه‌دارید؟ می‌گوید:

"من دوبار به جبهه رفتم. در این مدت هم در جبهه بودم و هم در پشت جبهه که تمام روزها و لحظه‌هایم برایم سرشار از خاطره است. نمی‌دانم از رشادت و جانبازی‌ها و روحیه‌های خوب پاسداران و نیروهای بسیج و رفقای فدائی و پرسنل انقلابی ارتش بگویم یا از روحیه زنی که می‌گفت: "تا وقتی فرزندان ما در جبهه‌اند آمریکا آرزوی نفت ایران را با خود به گور می‌برد"

قهرمانی‌های خلق ما در جنگ عادلانه‌اش قابل وصف نیست. مردان و زنان زحمتکش جنوب و سراسر میهنمان در این نبرد سرنوشت ساز که بین خلق ما و امپریالیسم جهانی درگیر است هر روز و هر لحظه حماسه می‌آفرینند."

زنان در محلات چه می‌کنند؟

با شدت یافتن جنگ تحمیلی، توده‌های وسیع زنان با توجه به امکانات خود در کمک‌رسانی به جبهه‌ها شرکت می‌کنند. زنان در تهیه و دوختن لباس برای رزمندگان جبهه‌دردیدن دوره‌های آموزش امداد برای کمک به جنگ‌زدگان، در بازدید از مجروحین جنگ در بیمارستان‌ها، در مراسم تجلیل از شهدای جنگ و خانواده‌هایشان در محلات و خلاصه آنچه که در امکانات محدودشان قرار دارد دریغ نمی‌ورزند. در راهرو بیمارستان‌ها دسته دسته زنان را می‌بینی که به دنبال اطاق و یا بیمار مشخصی نمی‌گردند و از این اطاق به آن اطاق می‌روند.

از یکی از آنان می‌پرسم برای عیادت آشنا و یا فامیل مجروحان آمده‌اید؟ جواب می‌دهد:

"نه! آمده‌ایم دیدن زخمی‌های جنگ. فرقی نمی‌کند. اینها هم مثل فامیل ما هستند. مثل برادر و پسران ما هستند."

آنها بسته‌هایی از هدایا به همراه دارند که بر هر کدام شعارهایی نوشته‌اند از قبیل "مرگ بر آمریکا"، "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند"

و... از دیگر ابتکارات جالبی که زنان، این روزها به صدها شکل مبتکر و بدعت‌گذار آن هستند جمعی است که در محله سیزده آبان صورت گرفته است. قرار است زنان به سنت قدیم برای سلامتی پاسداران و دیگر نیروهای رزمنده جبهه‌های جنوب و غرب کشور آش "پشت‌پا" بپزند. زنان

محل سنت شکنی کرده‌اند و نام آن را "آش مرگ بر آمریکا" گذارده‌اند. هریار که آش را هم می‌زنند، فریاد مرگ بر آمریکا بلند می‌شود. پیرزن‌ها زیر لب به ریگان و کارتر و صدام لعنت می‌فرستند. سیب‌زمینی فروشی که از آنجا می‌گذرد بلندگوش را در اختیار زنان می‌گذارد تا فریاد مرگ بر آمریکا آنان طنین رساتری بیاید. دختر-بچه‌های کاریکاتوری از ریگان را که نمی‌دانم از کجا گیر آورده به درون آش پرتاب می‌کند. همراه او سایرین فریاد می‌زنند:

مرگ بر ریگان، مرگ بر آمریکا
و مراسم همچنان ادامه دارد و ما عکس‌هایی از مراسم آنها می‌گیریم و عبور می‌کنیم. شعارهای مرگ بر آمریکا و... همچنان ادامه داشت.

در یکی دیگر از محلات جنوب شهر هستیم. عده‌ای از زنان محله دور هم جمع شده‌اند و دارند برای فرزندان‌شان که در جبهه هستند، بافتنی می‌بافند. لحاف تشک و لباس می‌دوزند و...

زن نسبتاً مسن، با عینکی ضخیم سرگرم بافتن جوراب است به دست‌هایش که نگاه می‌کند، رنج سالیان دراز کار را در شیارهای زحمت و انگشت‌های پینه‌بسته و استخوانی‌اش می‌بینی. سخت سرگرم بافتن است. می‌گوید:

"مدتهاست از دست این صدام خائن شب و روز ندارم. شب‌ها تا صبح خواب نمی‌برد. جوان‌ها جلوی چشم می‌آیند که دارند توی سرما کشیک می‌دهند. پسر خواهرم که پستیچی است الان در جبهه جنگ است و لی بخدا به فکر او نیستم. به فکر همه‌شان هستم. آنها هم مثل بچه‌های خودم هستند. اول آمدیم با خواهرم و چندتا از زن‌های دیگر محل نشستیم لباس دوختیم و فرستادیم جبهه، حالا عده‌مان بیشتر شده، کاموا خریده‌ایم و داریم بافتنی می‌بافیم"

پای صحبت زنان کارگر

زنان کارگر در میهن ما به شدیدترین وجهی زیر ستم دوگانه قرار داشته‌اند. وقتی پای سخن آنان می‌نشینیم، از گذشته پر رنج خود سخن می‌گویند که به روشنی پرده از ماهیت جنایتکارانه رژیم سرمایه‌داری کنار می‌زند. یکی از زنان کارگر می‌گوید:

در رژیم طاغوت از دست کارفرما و مزدورانش که عمدتاً سرپرست‌ها، روسای کارگزینی و غیره بودند، یک روز نبود که آب خوش از کلوپیمان پائین برود. بی‌شرفها حتی از کتک زدن ما خودداری نمی‌کردند. او توضیح می‌دهد که:

"البته این کتک‌زدن‌ها بیشتر در مورد دختران جوان دیده می‌شد چون روحیه مقاومت و مبارزه در مقابل ایادی سرمایه‌داران بیشتر از جانب آنها صورت می‌گرفت"

یکی دیگر از زنان کارگر می‌گوید:

"سرمایه‌داران در دوره طاغوت به ما اجازه نمی‌دادند که به فرزندان شیرخوارمان که در مهد کودک کارخانه بود، سربزنیم و به آنها شیر بدهیم."

این زن زحمتکش می‌گفت:

"من در حالیکه سینه‌هایم پر شیر بود و شیر از آن بیرون می‌زد و لباس‌های کارم را خیس می‌کرد، هرچه به سرپرستان التماس می‌کردم که بگذارند به بچه‌ام شیر بدهم اجازه نمی‌دادند تا اینکه شیرم خشک شد و بچه‌ام را با هزاربختی و بدون شیر بزرگ کردم."

با شروع مبارزات توده‌های مردم زنان کارگر نیز همچون برادران هم طبقه خویش پا به عرصه نوین مبارزه گذاشتند. آنها هم‌پای مردان طغیان کردند و با اعتصابات شکوهمند خویش ضربات

اساسی و کوبنده‌ای بر رژیم منحوس پهلوی وارد آوردند. زنان کارگر همانطور که در محل کارشان دست به اعتصابات فلج کننده علیه رژیم زدند در جریان قیام نیز در سنگرها در کنار مردان به برپا داشتن سنگرهای قیام همت گماشتند. زنان کارگر پس از پیروزی انقلاب نیز در مبارزات کارگران برای پاکسازی عوامل رژیم سابق نقش فعالی داشتند و بطور کلی این پروسه مبارزاتی بر آگاهی زنان تاثیر زیادی داشته و آنها به تجربه نقش تشکلهای کارگری چون شوراهای را به خوبی دریافته‌اند و در بسیاری از کارخانه‌ها به عنوان نماینده شورا انجام وظیفه می‌کنند.

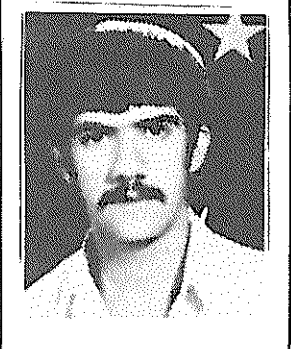
فشاری که هم‌اکنون به واسطه گرانی مایحتاج زندگی بر گرده زحمتکشان وارد می‌شود، به صورت مضاعف، زنان را تحت تاثیر قرار داده و می‌دهد. زنان کارگر بخوبی ارزش دستاوردهای انقلاب را می‌شناسند و بر آن ارج می‌گذارند. آنها برای از بین رفتن جو خفقان و اختناق که در کارخانه‌ها از طریق عوامل رژیم سابق حاکم بود انگشت می‌گذارند.

در هر رگ برگ، خون

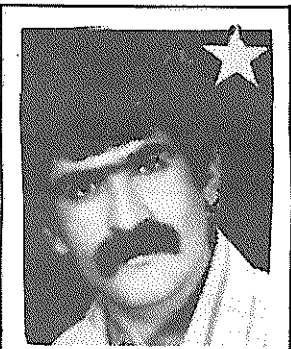
یاران رفته‌ست

اسامی شهدای سازمان را

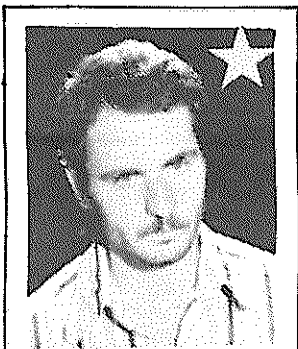
برای کار ارسال دارید



فدائی شهید
رفیق صدیق زارعی



فدائی شهید
رفیق اقبال اصلانی



فدائی شهید
رفیق جمیل طوفانی

در لوح تنظیمی اسامی شهدای سازمان در کار شماره ۹۷، ویژه انقلاب ۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل متأسفانه با همه تلاشی که صورت گرفته بود تا این لیست کامل باشد، اسامی تعدادی از رفقای شهید از قلم افتاده بود. به همین سبب سازمان از همه کادرها، اعضاء، هواداران و خانواده شهدای سازمان درخواست کرد تا مشخصات و زندگی‌نامه شهدایی را که اسامی آنها در لوحه یادبود نیامده بود، همراه با یک قطعه عکس برای نشریه "کار" ارسال دارند. تاکنون تعدادی از این اسامی به دستمان رسیده است ما ضمن درج نام رفقای شهیدی که تاکنون دریافت داشته‌ایم، درخواست خود را تکرار می‌کنیم.

رفقای شهید فداییان خلق:

- ۱- فایق بهرامی
- ۲- محمد خدامرادی
- ۳- فاروق اسراری
- ۴- محمد اسمعیلی
- ۵- نجات عثمانی
- ۶- کمال انوری
- ۷- ابوبکر خوشنواز
- ۸- حسن حسن‌زاده
- ۹- رضا خلیفه‌زاده
- ۱۰- شهین باوفا
- ۱۱- جمیل طوفانی
- ۱۲- اقبال اصلانی
- ۱۳- صدیق زارعی
- ۱۴- جمشید دیندار
- ۱۵- فرخ اطلسی
- ۱۶- صادق احمدی
- ۱۷- احمد زردوئی
- ۱۸- اسماعیل حسینی





سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

★ در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مین و در راه آرمان بر افتخار طیف کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرح مقاومت، در عرضای از بیکار تاریخساز خلق هرگز ما، هر روز جانهای عزیزی را در راه انقلاب سار می‌کنیم. خون پاک رفقا، درشت‌ها و درمهای مین را کلگون می‌سازد و بنارت می‌دهد. لاله‌زاران سرحی را که ایران مستقل، آباد و دیکراتیک فردای پیروزی رهنمگان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیکار با تجاوزگران

- | | | |
|---------------|---------------------------|------------------|
| اکبر بدلی | غلام عباس بخرد | کاظم عبیدی |
| اکبر فخور | عماد الله رئیس | علیرضا کاظمی |
| امیر آقائی | محمد رضا آخریان | علی حاتم‌زاده |
| علی مصاف | سهبلا مستعان زاده | ایرج حسین‌نیا |
| حواد گنجی | حسب‌الله فرج‌بخش | لطیف علیزاده |
| البر بوسمی | اسراهم سکرچی | پرویز کریمیان |
| مریم رئیس | عبدالحمید شاه میر | اسحاق بابازاده |
| رحیم سقیمی | محمود اشرف آبادی | مرتضی دارایی |
| سعد کوشش | فردون مرتضی زاده | زهره موسویون |
| بهرام ورامینی | محمد فاسم فتح بیگی | وحدت نیک‌سیر |
| محمود آبخو | محمد مهدی نجات‌اندام | شهریار باقرزاده |
| خسرو کریمی | محمد اسداله نژاد رودینه | کوروش باک‌بین |
| حسن شریقی | محمد حسن صدر آبادی | حمید ولادوست |
| عبدالله مرادی | رحم‌الله (اسر) اسمنداریور | غلامرضا صفر نژاد |
| محمد ساردار | نوری ناکان | محمد رضا جعفری |
| بی اسکویی | سعید (عباس) آقاپور | مصور دهمانی |
| حسن صالحی | علیرضا خلیلی | |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

در سفر اخیر نخست وزیر به گنبد روستائیان زحمتکش ترکمن صحرا گشتند:
«آقای رجائی ما خواهان اجرای بند (ج) هستیم» در صفحه ۲۴

وقایع جیرفت

زنگ خطری است که باید جدی تلقی شود

• در ارتباط با وقایع اردوگاه آوارگان جنگ در جیرفت، عمده‌ترین اقداماتی که فوراً می‌باید به مرحله عمل درآید به قرار زیر است:
۱- در اداره اردوگاه ساکنین آن مشارکت داده شوند.
۲- افرادی که بی‌گناه دستگیر و زندانی شده‌اند، آزاد شوند.
۳- سرپرست سابق اردوگاه و کلیه کسانی که نقش اصلی را در درگیری به عهده داشته‌اند معرفی و مجازات شوند.

در صفحه ۱۰

لئونید برژنف:

«مردم ایران در جستجوی راه خود
به سوی آزادی و شکوفائی»

دولت باید قاتلان جهانگیر قلعه میان‌دوآب را

دستگیر و مجازات کند!

مخالفین سیاسی خود را ترور می‌کنند. مجلس شورای اسلامی، دولت و سایر ارگان‌ها و مسئولان جمهوری باید برای مردم توضیح دهند که چه کسانی مسئول این جنایات هستند و چه کسی باید آسایش و امنیت مردم را تضمین کند؟

سازمان ما بی‌تفاوتی و سکوت دولت جمهوری اسلامی را در برابر اینگونه جنایات محکوم می‌کند. سازمان ما مصرأ از دولت می‌خواهد که عامل قتل "جهانگیر قلعه میان‌دوآب" را دستگیر و مجازات کند.

ما بار دیگر از همه مردم آگاه ایران و از همه هواداران سازمان مصرأ می‌خواهیم که هر اطلاعاتی در مورد باندهای سیاه و جنایتکار و محافل و عناصر حامی جنایتکاران دارند، برای سازمان ارسال دارند.

باندهای سیاه و افشای حامیان آنان را بیان می‌کند. قطعاً و همانگونه که بارها تاکید کرده‌ایم، جنایتکاران که بسیاری از آنها را امروز مردم می‌شناسند، نمی‌توانند بدون حمایت برخی محافل جمهوری اسلامی در هر زمان و هر کجا که بخواهند دست به جنایات آشکار بزنند و مصون از هرگونه تعرض و کیفر باقی بمانند.

ناپیگیری، مسامحه‌کاری و ضعف دولت و بدتر از همه حمایت‌های آشکار و پنهان برخی محافل و ارگان‌های حکومتی کار را به آنجا رسانده که گروه‌های تروریستی آزادانه به ضرب جرح، شکنجه و قتل مردم دست زنند و حرکات ضد انقلابی خود را گسترش دهند. آنها امروز آسایش و امنیت هم‌میهنان ما را سلب کرده، هرگونه قانونی را زیر پا گذاشته و جنایتکارانه

به دنبال اقدام غیرمسئولانه اقلیت منشعب از سازمان ما مبنی بر اعلام میتینگ در روز هفدهم بهمن که به درگیری در میدان آزادی و خیابان‌های اطراف آن انجامید، کارگری به نام "جهانگیر قلعه میان‌دوآب" که از اعضای اقلیت بوده است به شهادت رسید. این کارگر در میدان آزادی مورد هجوم چماقداران و عناصر مشکوک قرار گرفته و ربوده شد مدتی بعد جسد وی در حالی که آثار شکنجه بر آن باقی بود و گلوله‌های نیز در بدنش شلیک شده بود، تحویل پزشکی قانونی شد!

دولت جمهوری اسلامی در برابر این جنایت فجیع، به روال همیشگی سکوت اختیار کرد و کوشید آن را پرده‌پوشی کند. این اقدام جنایتکارانه که توسط باندهای سیاه صورت گرفته، بار دیگر اهمیت ضرورت مبارزه همه‌جانبه با

به مناسبت بزرگداشت روز جهانی
زنان کارگر (۸ مارس - ۱۷ اسفند)

زنان و انقلاب

در صفحه ۲۵

رفیق سید محمد شهیدی را

آزاد کنید!

در صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر